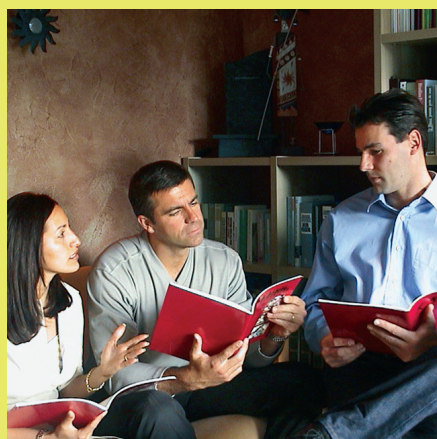




# همراهی در مسیر خدمت

## مؤسسه روحی



کتاب ۷



# همراهی در مسیر خدمت

مؤسسه روحی

مجموعه کتاب‌های روحی:

عنوان‌های کنونی مجموعه کتاب‌های مؤسسه روحی ذیلاً درج می‌گردد. این کتاب‌ها دوره‌های متسلسل اصلی را در تلاشی سیستماتیک به منظور افزایش توانمندی جوانان و بزرگسالان برای خدمت به جامعه ارائه می‌دهند. همچنین مؤسسه روحی دوره‌هایی را که از کتاب سوم منشعب می‌گردد به عنوان مجموعه‌ای برای تربیت معلم کلاس‌های کودکان ارائه می‌دهد که در ذیل به آنها نیز اشاره می‌گردد. باید توجه داشت که با کسب تجربه بیشتر در این زمینه، صورت ذیل نیز دستخوش تغییر خواهد گشت و همینکه مواد درسی فزاینده‌ای که در دست تهیه است به مرحله‌ای که بتوان آنها را در سطح وسیعی ارائه داد برسد عنوان‌های جدیدی نیز بر این صورت اضافه خواهد شد.

کتاب ۱	تفکر در باره روح انسان
کتاب ۲	قیام به خدمت
کتاب ۳	تدریس کلاس‌های کودکان، سال ۱
	تدریس کلاس‌های کودکان، سال ۲ (یک دوره فرعی از کتاب ۳، نسخه پیش از چاپ)
	تدریس کلاس‌های کودکان، سال ۳ (یک دوره فرعی از کتاب ۳، نسخه پیش از چاپ)
کتاب ۴	دو مظهر ظهور الهی
کتاب ۵	توانمندی نوجوانان (نسخه پیش از چاپ)
کتاب ۶	خدمت در میدان تبلیغ
کتاب ۷	همراهی در مسیر خدمت
کتاب ۸	عهد و میثاق حضرت بهاء‌الله (نسخه پیش از چاپ)

Copyright ©2006 by the Ruhi Foundation, Colombia  
All rights reserved. Edition 1.1.1.PE published 2006  
Edition 1.3.1.PE July 2013  
ISBN 978-958-57776-3-7

حق چاپ © ۲۰۰۶ بنیاد روحی، کلمبیا  
تمام حقوق محفوظ است. نسخه ۱.۱.۱.PE چاپ سپتامبر ۲۰۰۶  
نسخه ۱.۳.۱.PE جولای ۲۰۱۳  
شماره استاندارد بین المللی کتاب (ISBN): ۷-۳-۵۷۷۷۶-۹۵۸-۹۷۸

Originally published in Spanish as *Avancemos en un Sendero de Servicio* / *Avancemos en un Sendero de Servicio* در اصل به زبان اسپانیایی تحت عنوان  
منتشر شد.

Copyright ©2005 by the Ruhi Foundation, Colombia  
ISBN 978-1-890101-47-3

حق چاپ © ۲۰۰۵ توسط بنیاد روحی، کلمبیا  
شماره استاندارد بین المللی کتاب (ISBN): ۳-۴۷-۱۰۱-۸۹۰۱-۹۷۸

Ruhi Institute  
Apartado Postal: 402032  
Cali, Colombia  
Tel: 57 2 828-2599  
Email: [instituto@ruhi.org](mailto:instituto@ruhi.org)  
Web site: [www.ruhi.org](http://www.ruhi.org)

مؤسسه روحی  
کالی، کلمبیا  
تلفن: ۵۷ ۲ ۸۲۸-۲۵۹۹  
ایمیل: [instituto@ruhi.org](mailto:instituto@ruhi.org)  
سایت اینترنت: [www.ruhi.org](http://www.ruhi.org)

## فهرست مطالب

۱.....	خطاب به همکاران
۳.....	مسیر روحانی
۴۱.....	خدمت در نقش راهنما (کتاب‌های ۱ تا ۶ روحی)
۱۲۵.....	ترویج هنر



## همکاران گرامی

سیستم ارائه دوره‌ها در یک جامعه ملی که کتاب‌های مؤسسه روحی را برای مطالعه انتخاب نموده‌اند، عموماً با سعی و کوشش تعداد نسبتاً قلیلی از احباء که در امرالله عمیق بوده‌اند عملی شده است. این دوستان با آشنایی به محتویات کتاب ۱ روحی، آن را در موقعیت‌های متعدّد زیر نظر و راهنمایی مؤسسه آموزشی ملی و یا منطقه‌ای ارائه می‌نمایند. با آغاز استحکام این سیستم، مؤسّسات آموزشی کوشش می‌کنند عدد مؤمنینی که کتاب‌های ۱، ۲ و ۳ روحی را به طور پی در پی به اتمام می‌رسانند، افزایش دهند و به علاوه دوره‌های رسمی را برای نفوسی که قابلیت و اشتیاق قیام به خدمت را به عنوان راهنما دارا می‌باشند، ارائه دهند. تدریجاً تعداد راهنمایانی که مؤسسه می‌تواند از آنها بهره برداری نماید افزایش می‌یابد و سیستم با اساسی محکم تأسیس می‌گردد. می‌توان گفت که این اولین مرحله در پیشرفت فرایند مؤسسه آموزشی در یک کشور است.

مؤسسه روحی در مراحل اولیه به این نکته آگاه شد که اگر دوره‌های آموزشی بخواهد به عدّه بیشتری از مؤمنین دسترسی یابد، باید توانایی ازدیاد تعداد حلقه‌های مطالعه جزء لاینفک و ذاتی خود سیستم گردد. دوره‌های اصلی نیازمند ارائه معلومات، صفات و مهارت‌ها به شرکت‌کنندگان است تا بتوانند به عنوان راهنما به خدمت پردازند. بنابراین مؤسسه روحی تصمیم گرفت تا فرایند پویای تدریس - یادگیری را در بین جمعیت تأسیس نماید. در این فرایند، افراد مؤمنین با کمک راهنما واحدهای اولیه را مطالعه نموده وارد مسیر خدمت می‌شوند. با شرکت مستمر در دوره‌ها، دانش آنها در امر بیشتر شده توانائی آنها برای خدمت افزایش می‌یابد. سرانجام به مرحله‌ای می‌رسند که یاد می‌گیرند به دیگران کمک نمایند تا هر یک همان مسیر روحانی را طی نمایند. بنابراین هر شرکت‌کننده در دوره‌های روحی این موقعیت را دارد که بتواند هم شاگرد و هم راهنما باشد.

در طی سالیان عمل و تفکر که مواد تعلیمی آموزشی نوشته شد و در پرتو تجربیات بدست آمده تعدیل گردید مؤسسه به این نتیجه رسید که موقع مناسب برای دوره‌ای جهت آماده نمودن راهنماها، بعد از کتاب شش می‌باشد. هدف کتاب ۷ معرفی مفاهیم معین به شرکت‌کنندگان و آگاه نمودن آنها نسبت به صفات یک راهنمای مؤثر است. با وجود این روشن شد که یک دوره حاوی واحدهای این کتاب برای چنین کارآموزی کافی نخواهد بود. بنابراین باید موقعیت‌هایی برای نفوسی که این خدمت را انجام می‌دهند فراهم شود که بطور مرتب دور هم جمع شده، مهارت‌های خود را تکمیل نموده درک خود را افزایش دهند. لذا تشکیل جلسات مرتب برای راهنماها یک عامل لازم و اساسی در این سیستم شد.

هدف واحد اول از کتاب ۷ "مسیر روحانی" ازدیاد آگاهی از پیشرفت قوای روحانی در مسیر خدمت به امر و افزایش درک نیروهای مؤثر می‌باشد. واحد دوم "خدمت در نقش راهنما (کتاب‌های ۱ تا ۶ روحی)" بررسی بعضی از مفاهیم، روش‌ها، مهارت‌ها و استعدادهایی است که به افراد توانائی می‌دهد تا بتوانند گروهی از افراد را در طی شش کتاب اول کمک نمایند. واحد سوم، "ترویج هنر" به منظور ایجاد شناسائی نقش فعالیت‌های هنری در در حلقه مطالعه می‌باشد.

دوره‌های متسلسل اصلی که توسط مؤسسه روحی ارائه می‌شود به سه دوره تقسیم شده که هر یک مرتبط به تقویت قوای روحانی و اخلاقی افراد از جنبه خاصی است. کتاب ۷ اولین دوره از این سه دوره را به اكمال می‌رساند. در این دوره آزادی فرد و وظیفه وجدانی او در قیام به خدمت در چارچوب تعالیم الهی و راهنمایی مؤسّسات امری بررسی می‌شود. تأکید می‌شود کسانی که این دوره را تمام می‌کنند حلقه‌های مطالعه جدیدی تشکیل دهند و به عنوان راهنما خدمت نمایند و هم زمان با این خدمت به مطالعه کتاب ۸، تحت عنوان ”عهد و میثاق“ که شروع دوره دوم سری اصلی کتاب‌هاست اقدام نمایند. موضوع این دوره رابطه فرد و جامعه می‌باشد. دوره سوم که بدنبال دوره دوم شروع می‌شود درباره فرد و اجتماع است.





## مسیر روحانی

### هدف

کسب آگاهی بیشتر دربارهٔ قوای روحانی  
حاصله از پیشرفت در مسیر خدمت به امر، و  
درک نیروهایی مؤثر در این مسیر.



## بخش اول

مانند سایر اشخاصی که در دوره کتاب هفتم روحی شرکت نموده‌اند شما هم احتمالاً بعضی یا همه شش کتاب قبلی را مطالعه کرده‌اید. در این کتاب‌ها و سایر مطالعاتی که انجام داده‌اید سعی نموده‌اید دانش خود را در مورد امرالله افزایش دهید و بصیرت درک حقایق روحانی را به دست آورده مهارت و توانایی خود را در خدمت پرورش دهید. همکاری شما با مؤسسه همان طور که قبلاً ذکر گردیده است می‌تواند به عنوان "پیمودن مسیر روحانی" توصیف گردد. هم‌زمان با پیشرفت در این مسیر، شما رشد روحانی نموده و قابلیت و توانایی تان برای کمک به پیشرفت امر بهتر شده و در میادین پیچیده‌تری از فعالیت‌ها شرکت خواهید نمود. با ارائه خدمات ارزشمند در این سبیل اکنون آرزومندید دیگران را نیز کمک نمائید تا همین مسیر را طی نمایند. در آغاز، تأمل در کیفیت رشد روحانی که هدف این واحد است شما را کمک خواهد نمود.

## بخش دوم

ما در عالم وجود سعی و کوشش می‌نماییم تا صفات روحانی ذاتی خود را رشد و ترقی دهیم. نحوه کسب صفات روحانی با نحوه به دست آوردن اشیای مادی فرق دارد. وقتی که آئینه آفتاب را منعکس می‌نماید ظاهراً صورت و مثال آفتاب را حاصل نموده است. اما در حقیقت آفتاب در آئینه نیست. صفات روحانی ما مواهبی است از جانب پروردگار که وقتی ما آئینه‌های قلوبمان را به سوی خداوند برمی‌گردانیم آنها را دریافت می‌کنیم. اما صفات الهی در قلبی که با غبار کدورات این عالم پوشیده شده باشد تیره و تار منعکس خواهد شد. بنابراین مناسب است اولین نصی را که در مسیر روحانی در این دوره مطالعه می‌نمائیم نصی باشد که در اهمیت صیقل دادن آئینه قلب تأکید می‌نماید. حضرت عبدالبهاء می‌فرمایند:

"مهمترین اقدام این است که باید آئینه قلب را صیقل داد تا روشن و منیر گردد و استعداد پذیرش انوار الهی را بیابد. یک قلب ممکن است قابلیت و استعداد آئینه صیقل شده را دارا باشد، یکی دیگر با غبار کدورات این عالم پوشیده شده باشد. هر چند همان آفتاب بر هر دو می‌تابد. شما در آئینه صیقل یافته و مقدس و منیر می‌توانید آفتاب را کامل و با عظمت و قدرت خود مشاهده نمائید که شکوه و جلال خود را نمایان می‌سازد. اما در آئینه‌ای که با غبار کدورات پوشیده شده است استعدادی برای انعکاس نیست هر چند که آفتاب بر آن بتمامه می‌تابد و محروم نمی‌باشد. بنابراین وظیفه ما این است که آئینه قلوب خود را صیقل دهیم تا انوار را منعکس نمائیم و قابلیت کسب الطاف الهی را که از قلوب صادر می‌گردد بیابیم."<sup>۱</sup>

(ترجمه)

۱. جملات ذیل را کامل کنید:

- الف. ما باید آئینهٔ قلوب خود را \_\_\_\_\_ دهیم تا \_\_\_\_\_ را \_\_\_\_\_ نمایم.
- ب. یک قلب ممکن است قابلیت و استعداد آئینه \_\_\_\_\_ را دارا باشد. و قلب دیگر با \_\_\_\_\_ این عالم پوشیده شده باشد.
- ج. هر چند همان \_\_\_\_\_ بر \_\_\_\_\_ می تابد.
- د. در کائنی مثل آئینه که صیقل یافته آفتاب \_\_\_\_\_ کند.
- ه. آئینه ای که با \_\_\_\_\_ پوشیده شده \_\_\_\_\_ ندارد.
- و. البته باید قلوب را صیقل داد تا استعداد \_\_\_\_\_ نماید باید بکوشیم که استعداد حاصل شود تا \_\_\_\_\_ نماید.

۲. تصمیم بگیرید که کدام یک از مطالب ذیل صحیح و کدام اشتباه است:

- الف. آئینه صیقل یافته انوار شمس ظاهری را منعکس می سازد.  صحیح  اشتباه
- ب. آئینه ای که صیقل نیافته باشد انوار شمس ظاهری را منعکس نمی سازد.  صحیح  اشتباه
- ج. شمس حقیقت بر قلوب صافیه می تابد.  صحیح  اشتباه
- د. شمس حقیقت بر قلوبی که با غبار کدورات این عالم پوشیده شده است می تابد.  صحیح  اشتباه
- ه. قلوب صافیه انوار شمس حقیقت را منعکس می سازد.  صحیح  اشتباه
- و. قلوبی که با غبار کدورات این عالم پوشیده شده انوار شمس حقیقت را منعکس می سازد.  صحیح  اشتباه

۳. مشخص کنید کدام یک از عبارات ذیل ”غبار کدورات این عالم“ است؟

- |                               |                           |
|-------------------------------|---------------------------|
| _____ دل بستگی به اشیاء ظاهری | _____ خود پرستی           |
| _____ عشق و محبت به بشریت     | _____ علم و دانش          |
| _____ حرص و طمع               | _____ عشق به راحتی و رفاه |
| _____ حقد و حسد               | _____ غرور و خود پسندی    |

۴. کدام یک از امور ذیل به ما کمک می کند تا آئینه قلوب خود را صیقل دهیم؟
- |                            |                              |
|----------------------------|------------------------------|
| _____ سرور                 | _____ ترجیح دیگران بر خود    |
| _____ ایمان                | _____ محبت به بشریت          |
| _____ مهربانی              | _____ محبت الله              |
| _____ علم                  | _____ مناجات                 |
| _____ رقابت با دیگران      | _____ اعمال خوب              |
| _____ تفکر در نواقص دیگران | _____ مطالعه کلمه خلاقه الهی |

۵. برای اینکه آئینه قلوبمان به غبار کدورات این عالم آلوده نشود باید مستمراً سعی و کوشش نمائیم. مشخص کنید آیا عبارات ذیل صحیح و یا اشتباه است؟

- الف. مناجات به تنهایی می تواند آئینه قلوب ما را صیقل دهد. اشتباه صحیح
- ب. اعمال خوب به تنهایی می تواند آئینه قلوب ما را صیقل دهد. اشتباه صحیح
- ج. دعا و مناجات همراه با اعمال خوب می تواند آئینه قلوب ما را صیقل دهد زیرا جاذب مواهب الهی است. اشتباه صحیح
- د. فقط از طریق مواهب الهی می توانیم آئینه قلوب خود را صیقل دهیم. اشتباه صحیح
- ه. ممکن است که طهارت قلب را از دست داد. اشتباه صحیح
- و. در مرحله ای از زندگی، وظیفه صیقل دادن آئینه های قلوبمان به انتهی می رسد. اشتباه صحیح

۶. سؤالات زیر را جواب دهید.

- الف. هدف از داشتن قلب طاهر چیست؟  
\_\_\_\_\_
- ب. قلبی که طاهر نیست چه چیزی می تواند حاصل کند؟  
\_\_\_\_\_
- ج. چه اتفاقی برای آئینه قلبی که به سوی شمس حقیقت متوجه نیست رخ می دهد؟  
\_\_\_\_\_

۷. سؤال ذیل را در گروه خود مشورت نمایید.

چگونه همه ما - معلمین، والدین، خواهران و برادران و جمیع اعضای خانواده و همچنین دوستان - اطفال خود را از غبار کدورات این عالم حفظ کنیم؟

## بخش سوم

نوری که در آئینه انعکاس می یابد همان ثروت و دارائی آئینه است. بدون نور، آئینه بی ارزش است. صفات روحانی ما، علم ما و خدمات ما به بشریت ثروت حقیقی ما را تشکیل می دهد. دارایی مادی ضروری و مقبول است اما اگر فقط برای ارتقاء فضائل انسانی و خوشبختی بشر مورد استفاده قرار گیرد. حضرت بهاء الله می فرمایند:

”فضل الانسان في الخدمة و الكمال لا في الزينة و الثروة و المال اجعلوا اقوالكم مقدسة عن الزيف و الهوى و اعمالكم منزهة عن الرب و الريا قل لا تصرفوا نقود اعماركم النفيسة في المشتبهات النفسية و لا تقتصروا الامور على منافعكم الشخصية“<sup>۲</sup> (مضمون بیان مبارک به فارسی چنین است: برتری انسان در خدمت و کمال است و نه در مال و ثروت و زینت های ظاهره. پس گفتار خود را از شائبه هوی و هوس مقدس کنید و اعمال خود را از ریب و ریا منزّه گردانید. بگو نقد گرانهای عمر خود را در امیال نفسانی صرف نکنید و امور را به منافع شخصی خود محدود ننمایید.)

حضرت عبدالبهاء می فرمایند:

”... عزت و سعادت و بزرگواری و منقبت و تلذذ و راحت انسان در ثروت ذاتیه خود نبوده بلکه در علو فطرت و سمو همت و وسعت معلومات و حل مشکلات است“<sup>۳</sup>

۱. جملات ذیل را کامل نمایید.

- الف. فضل انسان در \_\_\_\_\_ و \_\_\_\_\_ است.
- ب. فضل انسان در \_\_\_\_\_ و \_\_\_\_\_ نیست.
- ج. ما باید اقوال خود را از \_\_\_\_\_ و \_\_\_\_\_ منزّه کنیم.
- د. ما باید \_\_\_\_\_ از انحراف از حق و هوی و هوس منزّه کنیم.
- ه. ما باید اعمال خود را از \_\_\_\_\_ و \_\_\_\_\_ منزّه کنیم.
- و. ما باید \_\_\_\_\_ از ریب و ریا منزّه کنیم.
- ز. ما نباید ثروت عمر خود را صرف \_\_\_\_\_ نماییم.
- ح. ما نباید \_\_\_\_\_ در مشتبهات نفسانی به هدر دهیم.
- ط. مساعی ما نباید در ترویج \_\_\_\_\_ صرف شود.

ی. \_\_\_\_\_ و \_\_\_\_\_ و \_\_\_\_\_ و \_\_\_\_\_ و \_\_\_\_\_ و \_\_\_\_\_  
 \_\_\_\_\_ و \_\_\_\_\_ انسان در ثروت ذاتیه خود نبوده بلکه در  
 \_\_\_\_\_ و \_\_\_\_\_ و \_\_\_\_\_ است.

۲. کدامیک از عوامل ذیل نشانگر ثروت حقیقی است؟

_____ شرافت	_____ امانت
_____ وقار	_____ تواضع
_____ صداقت	_____ خانواده
_____ عشق	_____ علم
_____ عدالت	_____ دوستان
_____ پول	_____ تکبر و غرور
_____ ایمان	_____ شهرت

۳. در لیست ذیل در مقابل چیزهایی که به ما کمک می‌کند تا ثروت حقیقی کسب کنیم علامت X و در مقابل آنهایی که ما را از آن محروم می‌کند علامت O بگذارید.

_____ ماده‌گرایی	_____ حقه بازی و سوء ظن
_____ تعلیم و تربیت	_____ غیبت
_____ اتحاد	_____ توکل به حق
_____ عدم صداقت	_____ خدمت به امرالله
_____ اوهام	_____ نفرت
_____ تهذیب اخلاق	_____ دنبال کردن یک حرفه و شغل
_____ بی‌علاقگی و بی‌میلی	_____ پی‌گیری لذائد دنیوی
_____ بخشنده بودن	_____ ترویج منافع شخصی
	_____ خود محوری یا خود پرستی

مشخص کنید که آیا جملات ذیل صحیح یا اشتباه است؟

- الف. ثروت حقیقی با دارایی مادی سنجیده می‌شود.  صحیح  اشتباه
- ب. هر چه بیشتر پول داشته باشید خوشحال‌تر می‌شوید.  صحیح  اشتباه
- ج. با ترک تعلقات مادی بر ثروت روحانی خود می‌افزاییم.  صحیح  اشتباه

- د. صادق بودن در همه حال امکان ثروتمند شدن را کم می کند.  صحیح  اشتباه
- ه. خوب است که دارایی مادی داشته باشیم اگر آن را در راه خدمت به بشریت صرف نماییم.  صحیح  اشتباه
- و. شخص فقیر هرگز به ثروت روحانی واصل نمی شود.  صحیح  اشتباه
- ز. رفاه و صلح یک ملت با دارایی مادی ازدیاد می یابد.  صحیح  اشتباه
- ح. خدمت به خانواده ثروت حقیقی ما را زیاد می نماید.  صحیح  اشتباه
- ط. خدمت به دوستان ثروت حقیقی ما را افزایش می دهد.  صحیح  اشتباه
- ی. خدمت به جامعه ثروت حقیقی ما را افزایش می دهد.  صحیح  اشتباه
- ک. ممکن است که بتوان بدون ثروت مادی هم خوشحال بود.  صحیح  اشتباه
- ل. یک شخص غیر صادق با ثروت زیاد دارای ثروت حقیقی است اگر ثروتش را در راه خدمت به بشریت صرف کند.  صحیح  اشتباه
- م. راز حصول ثروت در ترویج و حفظ منافع شخصی است.  صحیح  اشتباه
- ن. برای اینکه واقعاً خوشحال باشیم باید از نظر مادی فقیر باشیم.  صحیح  اشتباه
- س. شما می توانید همه چیز حتی رستگاری را با پول بخرید.  صحیح  اشتباه

۵. دربارهٔ سؤالات ذیل در گروه خود بحث و مشورت کنید:

- الف. نتایج کسب ثروت از راه غیر اخلاقی برای فرد و جامعه چیست؟
- ب. تحت چه شرایطی ثروت مادی قبول است؟
- ج. چگونه خدمت یک فرد به امرالله بر ثروت حقیقی او و ثروت حقیقی دیگران می افزاید؟
۶. این نصّ مبارک را حفظ نمایید.

”ای عباد اگر از بحور غنای مستورهٔ احدیه مطلع شوید از کون و امکان هر دو غنی و بی نیاز گردید.“<sup>۴</sup>



## بخش چهارم

گفتیم که صفات روحانی مواهب گرانبھائی است که حقّ به ما عطا نموده است. همچنین باید به خاطر داشته باشیم که خداوند تمام قوائی که برای دریافت و حفظ این مواهب و رشد صفات روحانی خود لازم داریم به ما داده است. به هر فرد انسانی توانائی شناسایی خداوند و عشق به حقّ و عمل به او امر الهیّه عطا شده است. همچنین به ما استعدادهای بی شمار دیگری هم اعطاء شده است. اما میزان استعداد در همه یکسان نیست و خداوند بیش از استعداد و توانایی از ما طلب نخواهد کرد. آنچه از ما خواسته شده است پرورش کامل استعدادهایی است که بالقوه در وجود ما نهفته است.

برای پرورش صفات روحانی خود ما باید از مقام روحانی رفیعی که خداوند برای هر یک از ما مقدر فرموده آگاه باشیم و بطور مداوم به سوی آن حرکت کنیم. نقطه نظرگاه ما باید ترقی و تعالی باشد. نباید به پیشرفت نسبی قانع شویم. زندگی بر طبق معیار اجتماع امروز ما را به حدّ پیشرفت نسبی و معمولی تنزل می دهد. بسیاری از مردم تصور می کنند که ترقی و تعالی از طریق رقابت با دیگران به دست می آید. اما در حقیقت رقابت با نفوس، ما را بیشتر در دام تجملات اجتماع گرفتار می سازد. نیرویی که ما را به سوی تعالی می کشاند همانا عشق و علاقه ماست تا به آنچه خداوند به صرف فضل برای ما مقدر نموده نائل شویم. سعی و کوشش در راه کمال یعنی سعی در ترقی کامل استعدادهایی است که خداوند در ما به ودیعه گذاشته است. حضرت ولیّ عزیز امرالله می فرماید:

”یاران برگزیده حقّ.. باید نظر به پستی محیط خود و دنوّ اخلاق و سوء رفتار نفوس در حول خود نمایند و راضی به امتیاز و تفوق نسبی نگردند بلکه باید نظر را به اوج مرتفع نمایند و نقطه نظرگاه را تعالیم و نصایح قلم اعلی قرار دهند آن وقت معلوم شود که هنوز از برای کلّ در وادی سلوک مراحل عدیده باقیمانده و طی مسافت نکرده به سرمنزل مقصود که تخلّق به اخلاق و شیم الهیّه است هنوز وارد نگشته ایم“<sup>۵</sup>

۱. اجازه دهید درباره مفهوم ”استعداد“ تفکر و تعمق نماییم. مشخص کنید که آیا عبارات زیر صحیح و یا اشتباه است؟

- الف. جمیع مردم استعداد عرفان و عشق الهی را دارند.  صحیح  اشتباه
- ب. جمیع مردم استعداد انعکاس صفات و اسماء الهی را دارند.  صحیح  اشتباه
- ج. جمیع مردم استعداد انعکاس صفات و اسماء الهی را به یک اندازه دارند.  صحیح  اشتباه
- د. علت آنکه بعضی از نفوس مظاهر امر را رد می کنند این است که فاقد استعداد لازم برای عرفان و عشق الهی هستند.  صحیح  اشتباه
- ه. شخص نامهربان استعداد مهربان بودن را ندارد.  صحیح  اشتباه

- و. نفسی که غیر صادق تربیت شده استعداد صادق شدن را ندارد.  صحیح  اشتباه
- ز. شناخت استعداد دیگران ممکن و میسر است.  صحیح  اشتباه
- ح. هر یک از ما به استعداد خود واقفیم.  صحیح  اشتباه
- ط. فقط خداوند می داند که هر یک از ما چقدر استعداد داریم.  صحیح  اشتباه
- ی. والدین مسؤول پرورش استعدادهای کودکان خود می باشند.  صحیح  اشتباه
- ک. مربیان مسؤول پرورش استعداد شاگردان خود می باشند.  صحیح  اشتباه
- ل. جوامع مسؤول پرورش استعدادهای افراد خود می باشند.  صحیح  اشتباه
- م. هر فرد مسؤول پرورش استعدادهای خود می باشد.  صحیح  اشتباه

۲. اکنون که در مفهوم "استعداد" تفکر کردیم اجازه دهید به بیان فوق پردازیم:

الف. برگزیدگان حقّ نباید ناظر باشند به:

۱. \_\_\_\_\_
۲. \_\_\_\_\_
۳. \_\_\_\_\_

ب. نباید خود را راضی کنند به:

۱. \_\_\_\_\_ نسبی.
۲. \_\_\_\_\_ نسبی.

ج. بجای راضی بودن به برتری نسبی باید \_\_\_\_\_

د. باید نقطه نظر را \_\_\_\_\_

ه. وقتی نقطه نظرگاه را نصایح قلم اعلی قرار دهند آن وقت \_\_\_\_\_

\_\_\_\_\_

\_\_\_\_\_

۳. برای غلبه بر پستی محیط و دنوّ اخلاق جامعه، ما نیاز به تقویت فضائل روحانی داریم. در اولین ستون بعضی از حالات فساد جامعه ذکر شده و ستون دوم تعدادی از صفات روحانی است که با ستون اول مبارزه می‌کند. با هر فساد صفت مناسبی که مستقیماً با آن مبارزه می‌کند مطابقت دهید.

_____	ظلم و ستم	_____	تقدیس
_____	مادّه گرائی	_____	اطاعت
_____	هرج و مرج	_____	عشق به همه
_____	بی بند و باری اخلاقی	_____	صداقت
_____	فساد و انحراف	_____	انقطاع
_____	تعصّب	_____	شجاعت
_____	تکبر و غرور	_____	آرامش وجدان
_____	خشونت	_____	عدالت
_____	پی گیری لذت‌های فانی	_____	تواضع و فروتنی

۴. بعضی از روش‌ها و صفاتی که ما را از رفتار بیهوده و سبک حفظ می‌کند، احترام، تکریم و ادب می‌باشد. آیا می‌توانید سه صفت دیگر را نام ببرید؟

- الف. \_\_\_\_\_
- ب. \_\_\_\_\_
- ج. \_\_\_\_\_

۵. ستون اول در ذیل نمونه‌هایی از برتری نسبی و دومین ستون نمونه‌هایی از برتری حقیقی را نشان می‌دهد. هر نمونه تفوق نسبی مناسب را به نمونه برتری حقیقی متصل نمایید.

_____	به قدری درس بخوانید که مطمئن شوید نمره	الف. همیشه از قوانین اطاعت نمائید.
_____	قبولی دریافت می‌کنید.	ب. سعی کنید موضوعاتی را که در کلاس
_____	بعد از پرداخت مخارج ماهیانه و کنار گذاشتن	مطالعه می‌کنید، کاملاً درک نمائید.
_____	مبلغی برای تفریح، از مبلغ باقی مانده مقداری	ج. محبت وافر و احترام به جمیع انسان‌ها
_____	به صندوق خیریه تقدیم کنید.	داشته باشید.
_____	از انجام کار اشتباه فقط وقتی دوری کنید که	د. فعّالانه رفاه هم‌نوعان خود را ترویج نمائید.
_____	فکر می‌کنید ممکن است گیر بیفتید.	ه. با کمال سخاوت و فداکاری به صندوق امر
_____	با نفوس از نژادها و طبقات دیگر با بردباری	کمک کنید.
_____	رفتار نمائید.	
_____	کسی را اذیت نکنید.	

۶. سؤالات زیر را در گروه خود بحث کنید:

الف. چرا نباید به “امتیاز و تفوق نسبی” قانع شویم؟

ب. معیار امتیاز ما چه باید باشد؟

ج. بعضی نفوس تصور می‌کنند که رقابت تنها راه دستیابی به کمال است. حضرت بهاء‌الله در کلمات مبارکه مکنونه می‌فرمایند: “غافلترین عباد کسی است که در قول مجادله نماید و بر برادر خود تفوق جوید”<sup>۶</sup> به نظر شما اگر از راه رقابت نمی‌توان به تفوق رسید، از چه طریق دیگری می‌توان به آن نائل شد؟

د. گفتیم که پی‌گیری تفوق و امتیاز مستلزم سعی و کوشش برای پرورش کامل استعدادهای خودمان می‌باشد. آیا میزان استعداد ما ثابت است و یا با رشد روحانی ما تغییر می‌کند؟ آیا فرد می‌تواند سیرت خود را تغییر دهد؟

## بخش پنجم

قلب بشر برای محبت خلق شده است. این در طبیعت قلب است که به چیزی وابسته باشد. اگر بخواهد به اشیاء دنیا وابسته نگردد و قادر باشد که نور الهی را منعکس نماید، باید به خداوند وابسته گردد. طرق متعددی برای اظهار محبت وجود دارد. ما خانواده، دوستان، جامعه و کشور خود را دوست داریم. ولی جمیع این محبت‌ها محدودند. یگانه عشق نامحدود محبت الله است. محبت حق شامل کل است. وقتی که قلب ما پاک باشد و محبت الله را منعکس سازد، ما می‌توانیم محبت نامحدود و بی‌شائبه خود را به جمیع نوع بشر ارائه دهیم. تا زمانی که محبت ما به دیگران از محبت نامحدود الهی روشن نگردد می‌تواند خصائل نامطلوبی چون حسادت، تعصب، و تملک را با خود همراه داشته باشد.

یک خصوصیت بسیار مهم در عشق و محبت وجود دارد که همه ما باید آن را درک کنیم. عشق و محبت همیشه همراه با ترس است. این بدان معنا نیست که ما از کسانی که دوست داریم می‌ترسیم. چیزی که ما از آن می‌ترسیم از دست دادن کسانی است که دوست داریم و یا از دست دادن محبت و عشق آنهاست. بنابراین همراه محبت الله ما باید خشیه الله را نیز در قلوب خود داشته باشیم. یعنی ترس از اینکه اعمال، یا اشتباهات ما مانع از رسیدن محبت الله به ما گردد. نمی‌گوییم که اعمال ما مانع می‌شود که خداوند ما را دوست داشته باشد زیرا محبت خداوند بی‌نهایت است و هیچ‌گاه بشریت از آن محروم نمی‌باشد. اما اعمال ما مانند مانعی می‌شود که از رسیدن این محبت به ما جلوگیری می‌کند.

ترقی صفات روحانی بستگی کامل به محبت الله و خشية الله هر دو دارد. بسیاری از نصوص مبارک درک ما را درباره این دوقوه اساسی در حیات روحانی ما روشن می سازد. حضرت عبدالبهاء می فرمایند:

”زیرا عشق الهی و محبت روحانی انسان را طیب و طاهر نماید و به ردای تقدیس و تنزیه مزین کند و چون انسان به کلی به حق دل بندد و به جمال مطلق تعلق یابد فیض ربّانی جلوه نماید.

”این محبت جسمانی نیست بلکه روحانی محض است. نفوسی که ضمیرشان به نور محبت الله روشن آنان مانند انوار ساطعند و به مثابه نجوم تقدیس در افق تنزیه لامع. عشق حقیقی صمیمی محبت الله است و آن مقدّس از اوهام و افکار ناس“<sup>۷</sup>

حضرت بهاء الله می فرمایند:

”الیوم هر نفسی اراده نصرت نماید باید بما له ناظر نباشد بل بما عندالله. لیس له ان ینظر الی ما ینفعه بل بما ترتفع به کلمة الله المطاعة قلب باید از شؤونات نفس و هوی مقدّس باشد چه که سلاح فتح و سبب اولیه نصر، تقوی الله بوده و هست. اوست درعی که هیکل امر را حفظ می کند و حزب الله را نصرت می نماید. لازال رایت تقوی مظفر بوده و از اقوی جنود عالم محسوب بها فتح المقربون مدن القلوب باذن الله رب الجنود...“<sup>۸</sup>

۱. جملات ذیل را کامل نمایید:

- الف. عشق الهی و محبت روحانی انسان را \_\_\_\_\_ و \_\_\_\_\_ نماید.
- ب. چون انسان به حق \_\_\_\_\_ و به جمال مطلق \_\_\_\_\_ یابد \_\_\_\_\_ ربّانی جلوه نماید.
- ج. این محبت \_\_\_\_\_ نیست بلکه \_\_\_\_\_ محض است.
- د. نفوسی که ضمیرشان \_\_\_\_\_ محبت الله \_\_\_\_\_ آنان مانند \_\_\_\_\_ ساطعند.
- ه. نفوسی که ضمیرشان به نور محبت الله روشن است. به مثابه \_\_\_\_\_ در \_\_\_\_\_ افق تنزیه لامعند.
- و. عشق \_\_\_\_\_ محبت الله است و آن مقدّس از \_\_\_\_\_ و \_\_\_\_\_ ناس.

۲. سؤالات ذیل را جواب دهید.

الف. چه چیزی قلب انسان را طیب و طاهر می نماید؟

---

ب. درک شما از عبارت "فیض ربّانی جلوه نماید" چیست؟

---

ج. چه حالتی قلب باید دارا باشد تا جاذب فیض ربّانی گردد؟

---

د. آیا محبّت الله حالت جسمانی است یا روحانی؟

---

ه. وقتی ارواح ما به نور محبّت الله روشن شود چه می شویم؟

---

و. عشق حقیقی چیست؟

---

ز. چگونه نفسی که ضمیرش به نور محبّت الله روشن است سایرین را تحت تأثیر قرار می دهد؟

---

۳. با استفاده از کلمات ذیل جملاتی در مورد انواع متعدّد عشق و محبّت بنویسید. نمونه‌هایی برای کمک به شما داده شده است.

سرور: محبّت الله موجب سرور قلب است.

حریت و آزادی: منشأ آزادی و حریت محبّت الله و تمسک به او است.

طمع: محبّت به اشیاء دنیوی موجب طمع است.

حسادت: اگر محبّت و عشق ما به دوستانمان از محبّت الله منشأ نگیرد منجر به حسادت می شود.

---

نور:

---

غم:

---

ناامیدی:

---

حیات:

---

اشتیاق:

---

میل و آرزو:

---

فیض:

---

تمسک:

_____	تملک:
_____	ترس:
_____	بخشش:
_____	شفقت:
_____	تقدس:
_____	شامل کل:
_____	عدالت:
_____	علم:
_____	شجاعت:

۴. جملات ذیل را کامل کنید:

- الف. چه که \_\_\_\_\_ فتح تقوی الله بوده و هست.
- ب. تقوی الله \_\_\_\_\_ نصر می باشد.
- ج. تقوی الله \_\_\_\_\_ است که هیكل امر را حفظ می کند.
- د. تقوی الله \_\_\_\_\_ است که حزب الله را نصرت نماید.
- ه. تقوی الله \_\_\_\_\_ مظفر بوده.
- و. تقوی الله از \_\_\_\_\_ عالم محسوب.
- ز. بها فتح \_\_\_\_\_ مدن \_\_\_\_\_ باذن الله رب الجنود.

۵. سؤالات ذیل را در گروه خود بحث نمایید:

- الف. چگونه محبت خود را به خداوند نشان می دهیم؟
- ب. چگونه ترس خود را از خداوند نشان می دهیم؟
- ج. چرا محبت الله برای پرورش صفات روحانی انسان مهم است؟
- د. چرا خشية الله برای رشد صفات روحانی مهم است؟
- ه. وقتی که ما در حضور مقامی عظیم تراز خود هستیم چه احساسی داریم؟ آیا احساس حیرت می کنیم؟ آیا وقتی در اندیشه عظمت و بزرگی خدا هستیم احساس حیرت می کنیم؟ این احساس با خشية الله چگونه مرتبط است؟

## بخش ششم

می دانیم که همه ما در مسیری بسوی خدا که هدف غائی عشق و اخلاص ما است گام برمی داریم. هر قدمی که در این مسیر برمی داریم عشق و محبت ما را نسبت به خداوند می افزاید و با هر قدم آئینه قلوب ما بیشتر صیقل یافته و صفات روحانی ما پیشرفت بیشتری می کند. آنچه که این مسیر را منور می سازد احکام الهی است. اگر این احکام را اطاعت نکنیم در ظلمت و تاریکی قرار گرفته گمراه می شویم. در کتاب مستطاب اقدس حضرت بهاء الله در مورد احکام الهی چنین می فرمایند:

”انَّ اَوَّلَ مَا كَتَبَ اللهُ عَلَى الْعِبَادِ عِرْفَانَ مَشْرُقٍ وَحِيَهُ وَمَطْلِعَ امْرِهِ الَّذِي كَانَ مَقَامَ نَفْسِهِ فِي عَالَمِ الْاَمْرِ وَالْخَلْقِ مِنْ فَازٍ بِهِ قَدْ فَازَ بِكُلِّ الْخَيْرِ وَالَّذِي مَنَعَ اَنْهُ مِنْ اَهْلِ الضَّلَالِ وَ لَوْ يَأْتِي بِكُلِّ الْاَعْمَالِ. اِذَا فَزْتُمْ بِهَذَا الْمَقَامِ الْاَسْنَى وَالْاَفْقِ الْاَعْلَى يَنْبَغِي لِكُلِّ نَفْسٍ اَنْ يَتَّبِعَ مَا اَمْرَهُ مِنْ لَدَى الْمَقْصُودِ لِاَنْهُمَا مَعًا لَا يَقْبَلُ احَدُهُمَا دُونَ الْاُخْرِهِمَا مَا حَكَمَ بِهِ مَطْلِعُ الْاِلْهَامِ“<sup>۹</sup> (مضمون بیان مبارک به فارسی چنین است: اولین چیزی که خداوند بر بندگان خود واجب گردانید شناسایی مشرق وحی و مطلع امر خود می باشد که در مقام نفس خداوند است در عالم امر و خلق. آنکه به عرفان او فائز شد به کل خیر رسیده است و آنکه منع شد از اهل ضلال می باشد گر چه به تمام اعمال خیر عامل باشد. آنگاه که به این مقام اسنی و افق اعلی فائز شدید بر همگان است که آنچه را از جانب حضرت مقصود به آن امر شده اند اطاعت کنند زیرا این دو (عرفان حق و عمل به اوامر) با هم هستند و یکی بدون دیگری پذیرفته نمی شود و این است آنچه که مطلع الهام به آن حکم نموده است.)

”يَا مَلَأَ الْاَرْضِ اعْلَمُوا اَنَّ اَوَامِرِي سِرَجٌ عِنَايَتِي بَيْنَ عِبَادِي وَمِفَاتِيحُ رَحْمَتِي لِجِبْرِتِي كَذَلِكَ نَزَلَ الْاَمْرُ مِنْ سَمَاءٍ مَشِيَّةً رَبِّكُمْ مَالِكِ الْاَدْيَانِ“<sup>۱۰</sup> (مضمون بیان مبارک به فارسی چنین است: ای مردم روی زمین بدانید که اوامر من چراغ های عنایت و کلیدهای رحمت من در بین بندگانم می باشد. اینچنین امر از آسمان مشیت پروردگار شما مالک ادیان نازل شده است)

در یکی از الواح حضرت بهاء الله می فرمایند:

”اَوَامِرُ الْهَيْبَةِ بِهٖ مَنْزِلَةٌ بَحْرٌ اسْتَوَى نَاسٌ بِهٖ مَنْزِلَةٌ حَيْثَانِ لَوْ هُمْ يَعْرِفُونَ وَ لَكِنْ بِهٖ حِكْمَةٌ بَايَدِ عَمَلٍ نَمُودُ.“<sup>۱۱</sup>

و در هفت وادی می فرمایند:

”سَالِكٌ بَايَدِ دَرِّ جَمِيْعِ اَيْنِ اسْفَارِ بِهٖ قَدْرٌ شَعْرِيٍّ اِزْ شَرِيْعَتِ كِهٖ فِي الْحَقِيْقَةِ سِرِّ طَرِيْقَتِ وَ ثَمْرُهُ شَجْرُهُ حَقِيْقَتِ اسْتِ اِنْحِرَافِ نُوْرُزْدِ وَ دَرِ هَمِّ مَرَاتِبِ بِهٖ ذِيْلِ اطَاعَتِ اَوَامِرِ مَتَشَبِّهَتْ بِاَشْدِ وَ بِهٖ حَبْلِ اعْرَاضِ اِزْ مَنَاهِي مَتَمَسِّكٌ تَا اِزْ كَاسِ شَرِيْعَتِ مَرْزُوقٌ شُوْدُ وَ بَرِ اسْرَارِ حَقِيْقَتِ وَاَقْفِ گَرْدِ“<sup>۱۲</sup>



۱. نصوص مبارکه فوق دلالت دارد بر اینکه:

- الف. اولین وظیفه ما شناسایی مظهر امر الهی است.  صحیح  اشتباه
- ب. بعد از شناسایی مظهر امر، وظیفه بعد اطاعت اوست.  صحیح  اشتباه
- ج. شناسایی مظهر امرالله مهم‌تر از اطاعت از او امر الهی است.  صحیح  اشتباه
- د. اطاعت از او امر الهی مهم‌تر از شناسایی مظهر امرالله است.  صحیح  اشتباه
- ه. از عبارت "لأنّهما معاً لا یقبل احدهما دون الآخر" ما باید درک کنیم که شناسایی مظهر امرالله بدون اطاعت از او امر الهی قابل قبول نیست.  صحیح  اشتباه
- و. از عبارت "لأنّهما معاً لا یقبل احدهما دون الآخر" ما باید درک کنیم اطاعت از او امر الهی بدون شناسایی مظهر امرالله قابل قبول نیست.  صحیح  اشتباه
- ز. خداوند به صرف عشق و محبت به ما احکام را عنایت فرموده است.  صحیح  اشتباه
- ح. خداوند احکام را به جهت اینکه از او بترسیم به ما عنایت فرموده است.  صحیح  اشتباه
- ط. ما باید احکام الهیه را به خاطر ترس از مجازات اطاعت کنیم.  صحیح  اشتباه
- ی. ما باید احکام الهیه را به صرف محبت حق اطاعت کنیم.  صحیح  اشتباه
- ک. ما باید احکام الهیه را جهت جذب فضل و تأییدات حق اطاعت کنیم.  صحیح  اشتباه
- ل. خداوند فقط نفوسی را که از او اطاعت می‌کنند دوست دارد.  صحیح  اشتباه
- م. نفوسی که از خداوند اطاعت می‌کنند قلوب خود را برای دریافت محبت الله باز می‌نمایند.  صحیح  اشتباه
- ن. خداوند فقط نسبت به بندگان مطیعش بخشنده است.  صحیح  اشتباه
- س. بشر نمی‌تواند خارج از بحر احکام الهی زندگی نماید.  صحیح  اشتباه

۲. جمله ذیل را کامل کنید.

"سالک باید در جمیع این اسفار به قدر \_\_\_\_\_ از \_\_\_\_\_ که فی الحقیقه سرّ طریقت و \_\_\_\_\_ شجره حقیقت است \_\_\_\_\_ نوزد و در همه مراتب به ذیل \_\_\_\_\_"

متشبه باشد و به حبل اعراض از \_\_\_\_\_ متمسک تا از کأس \_\_\_\_\_ شود و بر اسرار \_\_\_\_\_ واقف گردد.

۳. کدام یک از مطالب ذیل از احکام است؟

- \_\_\_\_\_ خدا یکی است.
- \_\_\_\_\_ هر فرد بهائی باید روزانه مناجات بخواند.
- \_\_\_\_\_ هر فرد بهایی پیرو حضرت بهاء الله است
- \_\_\_\_\_ هر بهائی باید تبرّعات تقدیم نماید.
- \_\_\_\_\_ خداوند به هر نفسی توانائی شناسایی مظهر ظهورش را داده است.
- \_\_\_\_\_ هر بهایی باید از بیت العدل اعظم اطاعت نماید.
- \_\_\_\_\_ زن و مرد مساوی هستند.
- \_\_\_\_\_ بهائیان باید کودکان خود را تربیت نمایند.

۴. بنده مطیع خداوند بودن یعنی چه؟

- \_\_\_\_\_ دائماً بپرسد حکمت دستورات الهی چیست؟
- \_\_\_\_\_ مرتباً به تصمیمات مؤسّسات بهایی اعتراض کند و یا آنها را نادیده بگیرد.
- \_\_\_\_\_ کورکورانه از کسانی که فکر می کند بندگان مطیع الهی هستند تقلید کند.
- \_\_\_\_\_ تحرّی حقیقت کند به این منظور که حقیقت را قبول کرده و بر طبق آن زندگی کند.
- \_\_\_\_\_ در سبیل الهی بر طبق احکام مشی نماید.

۵. چگونه می توانیم احکام الهی را بیاموزیم؟

- \_\_\_\_\_ با پیروی نمودن از دیگران
- \_\_\_\_\_ با رفتن به جلسات
- \_\_\_\_\_ با تلاوت آیات هر صبح و شام
- \_\_\_\_\_ با خواندن دعا و مناجات
- \_\_\_\_\_ با تزئید معلومات امری

۶. احکام الهی را می توان این چنین توضیح داد:

- \_\_\_\_\_ سرّ طریقت در مسیر سفر سالک
- \_\_\_\_\_ ثمره شجره حقیقت
- \_\_\_\_\_ مصباح محبّت الهی

\_\_\_\_\_ مفتاح بخشش الهی

\_\_\_\_\_ بحری که همه انسان ها در آن غوطه ور می باشند.

۷. سؤالات ذیل را در گروه خود بحث کنید:

الف. هدف از احکام الهی چیست؟

ب. چرا باید احکام الهی را اطاعت کنیم؟

ج. آیا احکامی هستند که مهمتر از سایر احکام می باشند و ما باید توجه بیشتری به آنها بنمائیم؟

د. کدام یک در درگاه الهی بیشتر مورد قبول است: یک فرد بهایی که احکام حضرت بهاءالله را اجرا نمی کند و یا شخصی که احکام دیانت خود را اطاعت نموده اما از قبول حضرت بهاءالله خودداری می کند؟

## بخش هفتم

ما نمی توانیم در مسیری قدم برداریم که ما را کورکورانه به محضر الهی هدایت نماید. شناسایی مظهر امرالله چشمان ما را باز می کند و متوجه می شویم که چه چیزی منجر به ترقی و چه چیز موجب تدنی ما می شود. با مطالعه آثار الهی که توسط مظاهر مقدسه برای ما آورده شده، از هدف خداوند برای بشر آگاه می شویم. در هر شئی نشانه ای از قدرت و حکمت او می یابیم. علمی که از طریق مظهر الهی به دست می آوریم و عشق و محبتی که نسبت به او احساس می کنیم به ما اطمینان می دهد. قلب ما دیگر در شک و تردید باقی نمی ماند.

همان طور که خاضعانه در این مسیر قدم می گذاریم ایمان و ایقان ما رشد می کند. و همان طور که میزان ایمان ما اضافه می شود همچنین توانایی ما برای دریافت فیوضات حق بیشتر شده و صفات روحانی ما نیز پرورش می یابد. اما ایمان صرفاً "دانستن" نیست. اگر ما واقعاً به حقیقت تعالیم مقدسه یقین داریم باید بر طبق آن عمل نماییم. دانستن حقیقت و مخالف آن عمل نمودن و یا در عمل به آن تردید و درنگ داشتن نشان دهنده ضعف ایمان است. به همین علت است که ایمان، علم هشیارانه و آگاهانه ای است که در عمل آشکار می گردد. حضرت عبدالبهاء می فرماید:

"هر چند شخص نیکوکار در درگاه پروردگار مقبول است، ولی اول دانستن است و بعد عمل نمودن. اثر هنری یک شخص کور ممکن است بی نظیر و بدیع باشد، ولی خود از دیدارش محروم است. بعضی حیوانات برای انسان کار می کنند، بار می برند و به آسایش و راحتی انسان کمک می نمایند، ولی چون نادانند از این تعب و زحمت مکافاتی نمی برند. ابر می بارد و برکات خود را نثار می دارد، گل و گیاه را

پرورش می‌دهد، و سبزی و خرّمی به دشت و صحرا و جنگل‌ها و باغ‌ها می‌بخشد، ولی چون از نتایج و ثمر آن بی‌خبر است لهذا تمجید نگردد و توصیف نشود و هیچ نفسی ممنون و خوشنود از او نگردد. این چراغ روشنی می‌بخشد، ولی از اینکه ولی از اینکه بی‌خبر است کسی از او ممنون نگردد. از این گذشته نفس نیکوکار و خوش رفتار البتّه از هرافقی مشاهده انوار نماید اقبال کند، ولی تفاوت اینجاست: ایمان در درجه اول یعنی وقوف و آگاهی و سپس انجام اعمال نیک.<sup>۱۳</sup>

۱. جملات ذیل را کامل کنید:

الف. اثر هنری یک شخص کور ممکن است بی‌نظیر و بدیع باشد، ولی \_\_\_\_\_

ب. بعضی حیوانات برای انسان کار می‌کنند، بار می‌برند و به آسایش و راحتی انسان کمک می‌نمایند، ولی \_\_\_\_\_

ج. ابر می‌بارد و برکات خود را نثار می‌دارد، گل و گیاه را پرورش می‌دهد، و سبزی و خرّمی به دشت و صحرا و جنگل‌ها و باغ‌ها می‌بخشد، ولی \_\_\_\_\_

د. این چراغ روشنی می‌بخشد، ولی \_\_\_\_\_

ه. نفس نیکوکار و خوش رفتار البتّه از هرافقی مشاهده انوار نماید اقبال کند، ولی \_\_\_\_\_.

۲. برای هر یک از کلمات ذیل جمله‌ای بنویسید که در آن از لغت "ایمان" استفاده شود. برای کمک به شما نمونه‌ای ذکر می‌شود.

ثابت: اودر ایمان مثل کوه ثابت است.

تردید ناپذیر: \_\_\_\_\_

زنده دلی: \_\_\_\_\_

محکم: \_\_\_\_\_

افزایش: \_\_\_\_\_

تازه آگاه شده: \_\_\_\_\_

حقیقی: \_\_\_\_\_

ثابت قدم: \_\_\_\_\_

بدون شک: \_\_\_\_\_  
اصیل: \_\_\_\_\_  
تزلزل ناپذیر: \_\_\_\_\_

۳. تصمیم بگیرید آیا عبارات ذیل صحیح است یا اشتباه؟

- الف. منشأ ایمان عرفان حق و شناسائی مظهر اوست.  
 صحیح  اشتباه
- ب. ایمان به حضرت بهاء الله مستلزم عمل به اوامر و احکام الهی است.  
 صحیح  اشتباه
- ج. اگر کسی به مظهر امرالله ایمان داشته باشد همیشه اوامر او را اطاعت خواهد کرد.  
 صحیح  اشتباه
- د. ایمان داشتن یعنی هرگز سؤال ننمودن.  
 صحیح  اشتباه
- ه. ایمان با افزایش علم الهی در فرد ازدیاد می یابد.  
 صحیح  اشتباه
- و. ایمان فرد با عمل بر طبق تعالیم الهی ازدیاد می یابد.  
 صحیح  اشتباه
- ز. شک مخالف یقین است.  
 صحیح  اشتباه
- ح. ایمان و ایقان یکی است.  
 صحیح  اشتباه
- ط. برای رسیدن به ایقان ابتدا انسان باید شک داشته باشد.  
 صحیح  اشتباه
- ی. داشتن ایمان کورکورانه یعنی اینکه فرد به مرحله یقین رسیده است.  
 صحیح  اشتباه
- ک. داشتن ایمان غیر متزلزل یعنی متعصب بودن.  
 صحیح  اشتباه
- ل. ایمان چیزی نیست که فرد بتواند آن را از دست بدهد.  
 صحیح  اشتباه

۴. جملاتی از آنچه یقین دارید بنویسید. دو نمونه ذکر می شود:

- الف. من یقین دارم که نظم جهانی حضرت بهاء الله مستقر خواهد شد.  
\_\_\_\_\_
- ب. من یقین دارم که علی رغم همه مخالفت ها امرالله پیروز خواهد شد.  
\_\_\_\_\_
- ج. \_\_\_\_\_  
\_\_\_\_\_
- د. \_\_\_\_\_  
\_\_\_\_\_

۵. مطالب ذیل را در گروه خود بحث کنید:

- الف. اگر شما به تعالیم حضرت بهاءالله اعتقاد دارید اما در شرایط سخت و تحت فشار بسیار زیاد تصمیم می‌گیرید که عمل بر طبق اصول صداقت به نفع شما نیست. شما در چه شک کرده‌اید؟
- ب. انسان با شک و تردید چه می‌کند؟ چگونه می‌توان از شک به یقین رسید؟ عرفان و عمل چگونه به هم وابسته‌اند؟ نقش دعا و مناجات چیست؟ فضل الهی چگونه دخالت دارد؟
- ج. ایمان هدیه‌ای است که از طرف خداوند دریافت می‌کنیم.

### بخش هشتم

ایمان شالوده‌ای است که ما حیات روحانی خود را بر روی آن بنا می‌کنیم. حقیقت ظهور الهی را می‌دانیم و در عمل کردن بر طبق آثار الهی شک و تردید نمی‌کنیم. از محبت خود به خداوند و مظاهر الهیه آگاهیم و در آن ثابت و مستقیم هستیم. یقین داریم که اراده الهیه انجام می‌پذیرد و اراده خود را به اراده الهی تسلیم می‌نماییم. با وجود این علم ما درباره خلقت روحانی و مادّی حقّ محدود است و هرگز نمی‌دانیم که از یک روز تا روز دیگر چه واقع می‌شود. بنابراین با قلب مملو از امید همواره منتظر ریزش باران رحمت الهی هستیم. به رحمت حقّ توکل داریم و همواره امیدواریم الطاف الهی را دریافت کنیم. حضرت عبدالبهاء می‌فرمایند:

”ابداً امید را از خدا قطع ننما. در هر حال امیدوار باش زیرا الطاف حق در هر حالت از انسان منقطع نگردد

... در هر صورت انسان در دریای الطاف مستغرق است لهذا در هیچ حالتی نومید نشو امیدوار باش“<sup>۱۴</sup>

”اگر قلب انسان به خدا تعلق نیابد به چه چیز خوش گردد. اگر امید به خدا نداشته باشد به چه چیز این حیات دو روزه دنیا دل بندد و حال آنکه می‌داند چند روز است محدود است و منتهی می‌شود. پس باید امید انسان به خدا باشد زیرا فضل او بی‌متناهی است. الطاف او قدیم است مواهب او عظیم است خورشید او همیشه می‌درخشد ابر رحمت او همیشه می‌بارد نسیم عنایت او همیشه می‌وزد. آیا سزاوار است از چنین خدایی غافل باشیم و اسیر طبیعت شویم؟“<sup>۱۵</sup>

۱. جملات ذیل را کامل کنید:

الف. در هر حال \_\_\_\_\_ باش زیرا \_\_\_\_\_ حقّ در هر حالت از انسان منقطع نگردد.

ب. در هیچ حالتی نومید نشو \_\_\_\_\_ باش.

ج. در هیچ \_\_\_\_\_ نباید \_\_\_\_\_ شد بلکه باید امیدوار باشیم.

د. ابر \_\_\_\_\_ او همیشه می بارد.

ه. نسیم \_\_\_\_\_ او همیشه می وزد.

۲. مشخص کنید آیا عبارات ذیل صحیح است یا اشتباه؟

الف. منبع امید اعتماد به خداوند است.

اشتباه  صحیح

ب. منبع حقیقی امید اعتماد به توانایی خود است.

اشتباه  صحیح

ج. امید از اعتماد به فضل عمیم خداوند سرچشمه می گیرد.

اشتباه  صحیح

د. ایمان به حقیقت تعالیم مظاهر الهیه منبع امید است.

اشتباه  صحیح

ه. عظیم ترین منبع امید دارایی مادی و ارتباط با نفوس مقتدر است.

اشتباه  صحیح

و. فقط افراد ساده لوح امیدوار هستند و نفوس واقع بین می توانند به همه چیز شک کنند.

اشتباه  صحیح

ز. امید فقط از قلوب افراد نادان سرچشمه می گیرد.

اشتباه  صحیح

ح. اگر ما راضی به اراده الهی باشیم احتیاج به امید نداریم.

اشتباه  صحیح

ط. ما می توانیم به اراده الهی راضی باشیم و ضمناً با قلوب مملو از امید آرزوی دریافت سهم بیشتر از مواهب الهی داشته باشیم.

اشتباه  صحیح

۳. امیدواری مستلزم آن است که وقتی ما هدفی را برای ترقی روحانی خویش تعیین می کنیم:

اشتباه  صحیح

الف. ما اطمینان داریم که به اهداف خود می رسیم.

ب. لازم است مستمراً به خود یادآور شویم که ممکن است به

اشتباه  صحیح

هدف خود واصل نشویم.

- ج. ما احتیاج به سعی و کوشش نداریم.  صحیح  اشتباه
- د. ما فقط احتیاج داریم که به استعداد خود مطمئن باشیم زیرا آن مهم‌ترین عاملی است که موفقیت ما را تعیین می‌کند.  صحیح  اشتباه
- ه. ما باید برای رسیدن به اهداف خود کوشش نمائیم ولی به واسطه عنایات الهی است که به هدف خود خواهیم رسید.  صحیح  اشتباه

۴. کدامیک از جملات ذیل را فرد امیدوار بیان می‌کند؟

- الف. البتّه من معتقدم که بشر شریف خلق شده اما گمان نمی‌کنم که در طول عمر خود مشاهده کنم که مردم شرافتمندانه عمل کنند  صحیح  اشتباه
- ب. جامعه ما با مشکلات بزرگی روبرو می‌شود اما مطمئنم که با گشایش قلوبمان به الطاف الهی ما روزی به وحدت خواهیم رسید و رشد روحانی خود را آغاز خواهیم کرد.  صحیح  اشتباه
- ج. تعداد ما آنقدر کم است که هر چقدر کوشش نماییم نمی‌توانیم در وضعیت عالم تغییری به وجود آوریم.  صحیح  اشتباه
- د. به خود در دسر دگر رفتن نمی‌دهم زیرا به هر حال بهبود نخواهم یافت.  صحیح  اشتباه
- ه. من خوب نیستم و فایده ندارد سعی کنید که مرا اصلاح کنید.  صحیح  اشتباه
- و. محدودیت‌های خود را می‌دانم اما همیشه تا ممکن است سعی خود را می‌کنم.  صحیح  اشتباه
- ز. در طی سخت‌ترین اوقات زندگی خود ناظر به تأییدات الهی بوده و همواره فضل او را دریافت نموده‌ام.  صحیح  اشتباه
- ح. بعضی از کودکان در کلاس من رفتار بدی دارند اما می‌دانم اگر با بردباری به آنان کمک کنم پیشرفت خواهند نمود.  صحیح  اشتباه

۵. این مناجات را حفظ نمائید:

”هوالمحقّ القيوم الهی تو بینا و آگاهی که ملجأ و پناهی جز تو نجسته و نجویم و به غیر از سبیل محبّت راهی نیپموده و نیپویم. در شبان تیره نومیدی دیده‌ام به صبح امید الطاف بی نهایت روشن و باز و در سحرگاهی این جان و دل پژمرده به یاد جمال و کمال خرم و دمساز. هر قطره‌ای که به عواطف رحمانیت موفق بحریست بیکران و هر ذره‌ای که به پرتو عنایت مؤید آفتابیت درخشنده و تابان. پس ای پاک یزدان من



این بنده پرشور و شیدا را در پناه خود پناهی ده و بر دوستی خویش در عالم هستی ثابت و مستقیم مدار و این مرغ بی پرو و بال را در آشیان رحمانی خود و در شاخسار روحانی خویش مسکن و مأوایی عطا فرما.  
ع، ۱۶

## بخش نهم

امید و آرزو باید با اشتیاق و تمنا قلبی همراه باشد. قلبی که مشتاق دریافت الطاف الهی نباشد فاقد حیات است. روحی که به آرزوی حضور در محضر الهی مشتعل نباشد در صحرای نافرمانی سرگردان می‌شود. اشتیاق و آرزو از خصائص قلب بشر است، اما هدف میل و آرزو باید کسب صفات ملکوتی و سرور روحانی و مقبولیت آستان الهی و خدمت خاضعانه به امرالله باشد. زیرا اگر امیال نفسانی آرزو را به سوی دنیا و زخارفش سوق دهد، قوه‌ای که موجب ترقی روح می‌گردد از بین می‌رود. حضرت عبدالبهاء می‌فرماید:

”چشمه بخشش الهی در فوران است ولی ما باید تشنه آب حیات باشیم. اگر عطش نباشد آب حیات تسکین نمی‌بخشد، اگر روح گرسنه نباشد مائده آسمانی خاصیتی نخواهد داشت. اگر دیده بصیرت روشن نگردد نور آفتاب مشاهده نشود و تا مشامها ظاهر نگردد نفحات ریاض الهی استشمام نشود. تا قلوب مملو از شوق نباشد فضل الهی مشاهده نگردد... اگر بحر حیاتش در جوش و خروش باشد اما ما تشنه نباشیم چه نفعی به ما می‌رسد؟ اگر شمع روشن باشد و ما بینا نباشیم چه سروری حاصل می‌گردد؟ اگر نغمات به ملکوت بلند شود و ما محروم از شنوایی باشیم آیا لذتی حاصل می‌گردد؟“<sup>۱۷</sup> (ترجمه)

در توییعی که از طرف حضرت ولی امرالله مرقوم گشته می‌خوانیم:

”نظر به ضعف خود ننمائید، بلکه اعتماد کامل به خداوند داشته باشید. بگذارید قلوبتان با آرزوی خدمت به حق و اعلان ندایش مشتعل گردد، و سپس ملاحظه خواهید نمود که چگونه فصاحت و قدرت بیان شما سبب تقلیب قلوب می‌گردد.“<sup>۱۸</sup> (ترجمه)

۱. جملات ذیل را کامل کنید:

- الف. چشمه بخشش الهی در \_\_\_\_\_ است ولی ما باید \_\_\_\_\_ آب حیات باشیم.
- ب. چشمه \_\_\_\_\_ در فوران است ولی ما باید تشنه \_\_\_\_\_ باشیم.
- ج. اگر روح \_\_\_\_\_ نباشد مائده آسمانی \_\_\_\_\_.
- د. اگر روح گرسنه نباشد \_\_\_\_\_ خاصیتی نخواهد داشت.

- ه. تا قلوب مملو از \_\_\_\_\_ نباشد فضل الهی مشاهده نگردد.
- و. تا قلوب مملو از شوق نباشد \_\_\_\_\_ الهی \_\_\_\_\_ نگردد.
- ز. نظر به \_\_\_\_\_ خود منماید.
- ح. بگذارید قلوبتان با \_\_\_\_\_ خدمت به حق و اعلان ندایش \_\_\_\_\_ گردد.
- ط. بگذارید قلوبتان با آرزوی \_\_\_\_\_ و \_\_\_\_\_ مشتعل گردد.
- ی. فصاحت و قدرت بیان شما سبب تقلیب قلوب می‌گردد، وقتی که \_\_\_\_\_ بگذاریم \_\_\_\_\_ گردد.

۲. بر اساس نصّ اوّل در فوق پنج جمله بنویسید که با ”اگر“ شروع شود:

- الف. اگر \_\_\_\_\_
- ب. اگر \_\_\_\_\_
- ج. اگر \_\_\_\_\_
- د. اگر \_\_\_\_\_
- ه. اگر \_\_\_\_\_

۳. مشخص کنید آیا عبارات ذیل صحیح است یا اشتباه؟

- الف. همه آرزوها تحسین آمیز است.  صحیح  اشتباه
- ب. فقط آرزوی وصول به کمالات الهیه قابل تحسین است.  صحیح  اشتباه
- ج. اگر ما آرزوی مشتاقانه وصول به کمالات الهیه نداشته باشیم، به آن نائل نخواهیم شد.  صحیح  اشتباه
- د. کافی است که فقط به منظور انجام وظیفه تبلیغ کنیم.  صحیح  اشتباه
- ه. در هنگام تبلیغ امرالله قلوبمان باید مملو از میل و اشتیاق به تبلیغ باشد.  صحیح  اشتباه
- و. اگر می‌خواهیم به هر هدفی برسیم باید عمیقاً و قلباً آن را بخواهیم.  صحیح  اشتباه
- ز. آرزوی مشتاقانه لازمه دریافت عنایات الهی است.  صحیح  اشتباه
- ح. آرزو برای اشیاء مادی قابل قبول است اگر در درجه دوّم نسبت به آرزوهای روحانی باشد.  صحیح  اشتباه
- ط. اگر هیچ آرزویی نداشته باشیم ما خوشحال تر خواهیم بود.  صحیح  اشتباه

ی. ما باید همیشه مراقب باشیم تا آرزوهای دنیوی حاکم بر زندگی

اشتباه  صحیح

ما نباشد.

اشتباه  صحیح

ک. نهایت آرزو حضور در محضر حق است.

۴. کدام یک از آرزوهای ذیل مادی و کدام روحانی است؟ اگر آرزوهای مادی است آیا قابل قبول است یا خیر؟

\_\_\_\_\_ داشتن یک شغل محترمانه

\_\_\_\_\_ خوشحال بودن

\_\_\_\_\_ وصول به مراتب عالی

\_\_\_\_\_ مشاهده استقرار صلح بر روی زمین

\_\_\_\_\_ داشتن اطفال زیاد

\_\_\_\_\_ تبلیغ امرالله به دیگران

\_\_\_\_\_ داشتن خانواده خوشحال

\_\_\_\_\_ رسیدن به مقام یقین

\_\_\_\_\_ به جامعه بهایی خدمت نمودن

\_\_\_\_\_ انجام خدمت به جامعه بهائی به منظور شهرت و مقام

\_\_\_\_\_ بهایی حقیقی بودن

\_\_\_\_\_ بهایی خوب بودن به منظور شناخته شدن

\_\_\_\_\_ فضیلت مهربانی را پرورش دادن

\_\_\_\_\_ برای شادی دیگران کار کردن

\_\_\_\_\_ خدمت به احبای الهی

\_\_\_\_\_ انتخاب شدن برای عضویت محفل

\_\_\_\_\_ شاهد پیروزی امر بودن

\_\_\_\_\_ داشتن مقام و موقعیت در جامعه امر

\_\_\_\_\_ ایمان داشتن

۵. دو مطلب ذیل را در گروه خود بحث نمایید.

الف. تعمق درباره حیات بعد از ممات به ما کمک می کند که عطش روحانی بیابیم.

ب. هدف غایی این است که آرزو نماییم همه چیز را در سبیل الهی فدا کنیم و در محضرش وارد گردیم.

## بخش دهم

عرفان، ایمان، امید و آرزوی مشتاقانه برای نفوسی که در سیل کمال گام بر می دارند ضروری و حیاتی است، اما کافی نیست. برای تحقق هر چیزی ما باید اراده انجام آن را داشته باشیم و بعد باید مستمراً تلاش نماییم. حضرت بهاء الله می فرماید:

”... قدر لكل نفس مقادير الامر على ما رقم في الواح عز محفوظ. ولكن يظهر كل ذلك بارادات انفسكم كما انتم في اعمالكم تشهدون“<sup>۱۹</sup> (مضمون بیان مبارک به فارسی چنین است: برای هر نفس از مقادیر امر به اندازه‌ای که در الواح محفوظ مرقوم شده مقدر گردیده است اما همه آنها به اراده نفوس شما ظاهر می شود همان گونه که اعمال شما به این شهادت می دهد.)

حضرت عبدالبهاء می فرماید:

”... به جان بکوشید و به تن میسائید و به دل تضرع و زاری کنید و عون و عنایت الهی جوئید تا این جهان را جنت ابهی کنید و این کره ارض را میدان ملکوت اعلی، اگر همتی بنمائید یقین است که این انوار بتابد و این ابر رحمت بیارد و این نسیم جانپور بوزد و رائحه این مشک اذفر منتشر گردد...“<sup>۲۰</sup>

۱. کدام یک از مطالب ذیل مرتبط با نصّ اول است؟

- الف. از آنجایی که استعدادها با بمقدار مقدر است احتیاجی به سعی جهت پیشرفت آنها نیست.  صحیح  اشتباه
- ب. از آنجایی که استعدادها با بمقدار مقدر است خودبخود و بدون سعی و کوشش ما پیشرفت خواهد نمود.  صحیح  اشتباه
- ج. خداوند به هر یک از ما استعدادها معینی عنایت فرموده، اما این استعدادها فقط از طریق سعی و کوشش و اراده خود ما پیشرفت خواهد نمود.  صحیح  اشتباه
- د. اگر کوشش کنیم هر یک از ما می توانیم تمام قوای روح بشری را به عالی ترین درجات کمال برسانیم.  صحیح  اشتباه
- ه. اگر کوشش کنیم هر یک از ما می توانیم آنچه را که بالقوه دارا می باشیم به نهایت درجه کمال برسانیم.  صحیح  اشتباه
- و. با وجود اینکه به همه ما توانائی هائی عنایت شده، لزوماً آنها پیشرفت نخواهند کرد مگر آنکه سعی نمائیم.  صحیح  اشتباه

۲. جملات ذیل را کامل کنید:

الف. آنچه را که \_\_\_\_\_ بر ما مقدر گردیده \_\_\_\_\_ خود ما ظاهر می گردد.

ب. آنچه را که از مقادیر امر بر ما مقدر شده \_\_\_\_\_.

ج. \_\_\_\_\_ بکوشید و به تن \_\_\_\_\_ و \_\_\_\_\_ کنید و \_\_\_\_\_.

\_\_\_\_\_ الهی تا این جهان را \_\_\_\_\_ کنید و کره ارض را \_\_\_\_\_.

د. اگر همّتی بنماییم یقین است \_\_\_\_\_.

ه. اگر همّتی بنماییم یقین است \_\_\_\_\_.

و. اگر همّتی بنماییم یقین است \_\_\_\_\_.

ز. اگر همّتی بنماییم یقین است \_\_\_\_\_.

۳. به سؤالات زیر پاسخ دهید:

الف. اگر بدانید که شما دارای استعداد و توانائی برای خدمت به امر هستید، آیا می‌توانید فقط به صرف دانستن این موضوع استعداد و توانائی خود را ترقی دهید؟ به چه چیز دیگری احتیاج دارید؟

---

---

---

---

ب. اگر بدانید که دارای استعداد و توانائی خدمت به امر هستید، و مملو از شور و اشتیاق نیز باشید آیا در تکامل استعداد خود موفق خواهید بود؟ چه چیز دیگری نیاز دارید؟

---

---

---

---

ج. اگر بدانید که شما استعداد و توانائی خدمت به امر را دارید، مملو از شور و اشتیاق نیز می‌باشید، همّت و اراده هم دارید آیا در توسعه این استعداد موفق خواهید شد؟ چه چیز دیگری نیاز دارید؟

---

---

---

---

د. اگر بدانید که شما استعداد و توانایی خدمت به امر را دارید، دارای آرزو و اراده نیز می باشید و مستمراً سعی و کوشش هم می کنید، آیا در توسعه این استعداد موفق خواهید شد؟ چه چیز دیگر نیاز دارید؟

---

---

---

---

۴. به هریک از سؤالات زیر پاسخ داده دلیل پاسخ خود را نیز توضیح دهید:

الف. آیا دانستن این حقیقت که حق استعداد ما را برای کسب کمالات می داند بدین معنی است که اکتساب آن در قدرت ما نیست ولی در دست حق است؟

---

---

---

ب. آیا در ترقی و توسعه استعدادهای روحانی و یا عدم ترقی آنها مختار و آزادیم؟

---

---

ج. آیا این حقیقت که ما مختاریم دلالت بر آن دارد که ما در برابر حق به خاطر انتخابی که در زندگی می کنیم مسئولیم؟

---

---

د. فرض کنید دانش آموزی به خاطر عدم مطالعه، در امتحان مردود شود آیا می تواند بگوید که تقدیر چنین بوده؟

---

---

ه. فرض کنید دانش آموزی با هدف، ساعی و بسیار جدی است و خوب درس می خواند و نمرات عالی می گیرد. آیا می توان موفقیت او را از خوش شانسی دانست؟

---

---

و. آیا تلاشی که فرد برای رسیدن به هدف انجام می دهد مهم است یا رسیدن به هدف؟

---

ز. اگر شما در راه رسیدن به هدف با مقاومت روبرو شوید آیا بدین معنی است که این قسمت نبوده و باید کار را رها سازید؟ اگر سعی خود را ادامه دهید اما موفقیت حاصل نشود آیا بدین معنی است که باید کار را رها سازید؟ چگونه پی می‌برید که باید سعی خود را در رسیدن به آن هدف خاتمه دهید؟

---

---

---

ح. آیا این حقیقت که ما باید برای پیشرفت صفات روحانی سعی کنیم بدین معنی است که ما می‌توانیم بدون طلب تأییدات الهی به اهداف خود برسیم؟

---

---

ط. چرا دعا و مناجات برای ترقی صفات روحانی حیاتی و ضروری است؟

---

۵. عبارت ذیل را با در نظر گرفتن مفهوم اراده و تلاش مورد مشورت قرار دهید:

کشتی بر روی دریاست. مقصدش واضح است. باد می‌وزد. ناخدای کشتی باید از بادبان‌ها جهت بهره برداری از باد استفاده کند و سگان را جهت هدایت کشتی به کارگیرد. در غیر این صورت کشتی از مسیرش منحرف شده و هرگز به مقصد نمی‌رسد. باد زمانی آرام و زمانی شدید است. ناخدای ماهر قادر به هدایت کشتی حتی در طوفان‌های شدید است. اما ممکن است طوفان چنان قوی باشد که با وجود سعی و کوشش بسیار ناخدا، کشتی غرق شود

### بخش یازدهم

کسب کمالات روحانی بدون فداکاری میسر نیست. سرفداکاری این است که از آنچه متعلق به ماست صرف نظر نماییم تا آنچه را که متعلق به خداوند است به دست آوریم. حضرت عبدالبهاء سرائیثار را با مثال آهنی که به آتش افکنده می‌شود توضیح می‌دهند. آهن فلزی خاکستری، سرد و سخت است. باید این خصوصیات را از دست بدهد تا صفات آتش را کسب کند - سرخ و گرم و نرم شود. ایثار جدا شدن از چیزی است که ما به آن دلبستگی داریم و بنابراین دردآور است. ولی برای قلب آگاه این درد شیرین است زیرا حامل سرور حقیقی می‌باشد. حضرت عبدالبهاء می‌فرمایند:

”... به من نگاه کنید، به دنبال من بیایید، مثل من باشید. به فکر خود یا زندگی خود نباشید. اگر می‌خورید، اگر می‌خواهید، اگر راحتید، اگر سلامتید یا بیمار، اگر با دوستانید یا دشمنان، اگر تحسین می‌شوید یا مورد سرزنش قرار می‌گیرید، به تمام این امور ابداً اعتنائی نباید نمود. به من نگاه کنید مثل من باشید. از خود و عالم فانی شوید تا دوباره تولد یافته در ملکوت وارد گردید. شمع را مشاهده کنید، چگونه نور می‌بخشد؟ قطره قطره حیات خود را می‌بخشد تا شعله نور برافروزد“<sup>۲۱</sup> (ترجمه)

”... قریبیت الهیه به انفاق جان و مال و عزت و منصب است...“<sup>۲۲</sup>

۱. جملات ذیل را کامل نمایید.

اگر می‌خواهیم به حضرت عبدالبهاء تأسی کنیم باید \_\_\_\_\_ خود و یا \_\_\_\_\_ نباشیم.  
اگر \_\_\_\_\_ اگر \_\_\_\_\_ اگر \_\_\_\_\_ یا  
\_\_\_\_\_ اگر \_\_\_\_\_ یا \_\_\_\_\_ اگر \_\_\_\_\_ یا مورد  
\_\_\_\_\_؟ به تمام این امور ابداً اعتنائی نباید نمود. از خود و عالم \_\_\_\_\_ شویم  
تا دوباره \_\_\_\_\_ یافته در ملکوت \_\_\_\_\_ گردیم.

۲. سؤالات ذیل را پاسخ دهید:

- الف. وقتی شمع روشن شود چه اتفاقی برای شمع می‌افتد؟  
\_\_\_\_\_
- ب. آیا ممکن است که شمع نور دهد بدون آنکه بسوزد؟  
\_\_\_\_\_
- ج. شمعی که روشن نشود چه ارزشی دارد؟  
\_\_\_\_\_
- د. آیا استعدادها می‌توانند در یک دانه بدون تغییر شکل دانه ظاهر خواهد شد؟  
\_\_\_\_\_
- ه. یک دانه برای تبدیل شدن به یک درخت چه چیزی را فدا می‌کند؟  
\_\_\_\_\_
- و. برای تکامل صفات روحانی چه چیزهایی را باید از دست بدهیم؟  
\_\_\_\_\_  
\_\_\_\_\_  
\_\_\_\_\_
- ز. آیا می‌توانیم بدون ایثار و فداکاری به خداوند نزدیک شویم؟  
\_\_\_\_\_



ح. آیا بدون ایثار و فداکاری می‌توانیم صفات روحانی خویش را تکامل بخشیم؟

---

ط. شخصی که صفات روحانی خود را پرورش ندهد چه ارزشی دارد؟

---

۳. هدف از ایثار و فداکاری:

\_\_\_\_\_ کسب حیات ابدی

\_\_\_\_\_ قریبت الهی

\_\_\_\_\_ خلاص شدن از ثروت مادی

\_\_\_\_\_ خلاص شدن از هواهای نفسانی

\_\_\_\_\_ خود را امتحان کردن

\_\_\_\_\_ ترقی صفات روحانی

\_\_\_\_\_ رنج کشیدن

\_\_\_\_\_ تأسی به حضرت عبداله‌اء نمودن

\_\_\_\_\_ نور هدایت به قلوب بخشیدن

۴. مقام ایثار حقیقتاً بسیار عظیم است. ما باید مطمئن شویم که مبادا هر کار کوچکی که انجام می‌دهیم آن را ایثار و فداکاری بدانیم و بدین وسیله از ارزش این مقام بکاهیم. اجازه دهید درباره جملاتی که کلمه "ایثار و فداکاری" در آن به طور نامناسب به کار رفته فکر کنیم. به عنوان مثال "برنامه تلویزیونی مورد علاقه‌ام را فدا کردم و به ضیافت نوزده روزه رفتم" آیا استفاده از کلمه "فداکاری" در اینجا صحیح است؟ درست است که از چیزی دست کشیده شده است اما آیا ما مقام فداکاری و ایثار را با ربط دادن به چنین امری، ناچیز و حقیر نکرده‌ایم؟ اجازه دهید مثال دیگری بزنیم: "من تعطیلات آخر هفته خود را فدا کردم و به یک سفر تبلیغی کوتاه رفتم." این جمله به چه چیزی اشاره می‌کند؟ آیا نشان می‌دهد که ما حقیقتاً تبلیغ امر را دوست داریم؟ ما در اینجا چه چیزی را از دست داده‌ایم؟ چه درد و رنجی وجود داشته؟ چند جمله بنویسید که کلمه "فداکاری" در آنها به طور صحیح استفاده نشده باشد.

\_\_\_\_\_ الف.

\_\_\_\_\_ ب.

\_\_\_\_\_ ج.

\_\_\_\_\_ د.

\_\_\_\_\_ ه.

\_\_\_\_\_ و.

ز.	_____
ح.	_____
ط.	_____
ی.	_____

۵. جمله ذیل را در گروه خود مورد بحث قرار دهید:

غایت ایثار و فداکاری شهادت است. از اکثر ما خواسته نمی‌شود که شهید شویم اما از ما خواسته می‌شود حیاتی توأم با خدمت داشته باشیم. ایثار و فداکاری نشانه زندگی همراه با خدمت است.

۶. درباره رابطه بین فداکاری و درد و سرور مشورت نمایید.

۷. بیان ذیل را حفظ نمائید:

”... پس جمیع فکرتان، ذکرتان، وقت خودتان را صرف آن کنید که مظاهر محبت الله باشید.“<sup>۲۳</sup>

## بخش دوازدهم

در این دوره، مسیر رشد روحانی فرد را مورد بررسی قرار دادیم. حالات قلبی را که منعکس کننده صفات الهی است، بررسی نمودیم. ما در محبت الله و خشیت الله و ضرورت اطاعت مطلق از اوامر الهی تعمق نمودیم. ما قدرت ایمان، امیدواری، آرزوی مشتاقانه را مد نظر قرار دادیم و مشاهده نمودیم که چطور ترقی روحانی لازمه اش اراده، عزم، سعی و فداکاری است. آنچه که باید بیاد آوریم آن است که با وجود سختی‌ها و مشکلات و لحظات بحرانی در مسیر رشد روحانی با حالت سرور قدم برداریم. سرور یکی از خصائص روح انسانی است، نه احساسی که در نتیجه تأثیرات خارجی حاصل شود. طبیعتاً اوقاتی وجود دارد که غمگین هستیم، و اوقاتی که خوشحال می‌باشیم. اما حالت طبیعی قلوب ما سرور است، سرور از شناختن خداوند، سرور از شناختن مظهر ظهور الهی، سرور از غوطه ور شدن در بحر فضل و موهبت الهی.

حضرت عبدالبهاء جوهر سرور بودند. در طی دوران حیات خود باید مرتباً بیانات حضرت عبدالبهاء را بخوانید، آنها را حفظ کنید و ضمن اینکه نمونه حیات ایشان را به خاطر می‌آورید در معانی آنها تفکر نمائید. مطالعه بیانات حضرت عبدالبهاء در زندگی شما باید به قدری عمیق باشد که جزء لازم و جدا نشدنی تفکر شما گردد. در همه لحظات چه خوشی و چه غم، در سختی و یا راحتی، در کار یا استراحت باید بتوانید کلمات آن حضرت را به خاطر آورید و مملو از سرور شوید. برای شروع، شاید مایل باشید بیانات مبارکه ذیل از آثار حضرت عبدالبهاء را حفظ نمائید.

”اما شما باید در این مورد یعنی خدمت به عالم انسانی جانفشانی کنید و به جانفشانی شادمانی و کامرانی  
نمائید“<sup>۲۴</sup>

”اگر بدانی که در ظلّ حضرت بهاءالله چه مقامی از برای نفوس منقطعه و منجذبه و مبلّغه معین و مقرر شده  
است البتّه نهایت فرح و سرور حاصل نمائید و از شدّت بشارت و وجد پرواز می نمائید که در چنین محلی  
سیر می نمائید و به چنین ملکوتی توجّه دارید“<sup>۲۵</sup>

”تمسکوا بذیل رداء الکبریاء و ابدلوا جهدکم فی ترویج میثاق الله و الاشتعال بنار محبّه الله حتی یهتزّ قلوبکم  
من نفحات الخضوع الّتی تنتشر من قلب عبدالبهاء“<sup>۲۶</sup> (مضمون بیان مبارک به فارسی چنین است: به ذیل  
رداء کبریاء تمسک کنید و نهایت سعی خود را در ترویج میثاق الهی و اشتعال به نار محبت الله به کارگیرید تا  
قلوب شما از نفحات خضوعی که از قلب عبدالبهاء منتشر می گردد به اهتزاز آید.)

”فکر خویش را به کنار بگذاریم و از کم و بیش چشم پوشیم. نه اظهار تألم نماییم نه بهتان تظلم. به کلی  
خود را فراموش نمائیم و از خمر عنایت و فناء در جمال ابهی پر جوش و خروش شویم“<sup>۲۷</sup>

”شما ملائکید، اگر اقدامتان ثابت، روحتان مستبشر، نیتان پاک، چشمانتان پر عطوفت، گوشتان شنوا،  
صدرتان مملو از فرح، و وجدانتان مسرت انگیز، و اگر قیام به حفظ عهد و میثاق نمایید، در مقابل مخالفتها  
مقاومت کنید و منجذب به نور حقیقت باشید.“<sup>۲۸</sup> (ترجمه)

”همیشه به ذکر و فکر شما مشغولم و به ربّ الملکوت مناجات می نمایم و گریه و زاری می نمایم تا جمیع  
این مواهب را مبذول فرماید و قلوب را مشروح فرماید و روح را وجد و طرب دهد و جذب و وله  
بخشد...“<sup>۲۹</sup>

”در این جهان فانی مدار شادمانی بلای سیل ربّانی و محن و آلام جسمانی بود و الاّ حیات بی نتیجه ماند  
و ممت مرجح گردد. شجر وجود بی ثمر شود و کشت زندگانی بی خوشه و خرمن گردد لهذا امیدوارم که  
دوباره اسبابی فراهم آید که جام بلا سرشار گردد و دلبر خونریز عشق در نهایت جمال شاهد انجمن شود تا  
این قلب فرحی یابد و این روح فتوحی جوید“<sup>۳۰</sup>

”پس شمس حقیقت طلوع فرمود و انوار ملکوت بر شرق و غرب بتافت. آنان که بینا بودند بشارت کبری  
یافتند و ندای یا طوبی یا طوبی بلند نمودند و مشاهده حقایق اشیاء کردند و به اسرار ملکوت پی بردند از  
اوهام و شبهات رستند نور حقیقت مشاهده کردند و از جام محبت الله سرمست گشتند که به کلی خود و  
جهان را فراموش نمودند رقص کنان در نهایت فرح و طرب به مشهد فدا شتافتند و در قربانگاه عشق جان و  
سر باختند“<sup>۳۱</sup>

## مراجع

۱. ترجمه از خطابات مبارکه حضرت عبدالبهاء
۲. لوح حکمت، مجموعه الواح بعد از کتاب اقدس ص ۸۱، لجنه نشر آثار امری به لسان فارسی و عربی، آلمان
۳. رساله مدنیّه، ص ۳۰، لجنه نشر آثار امری به لسان فارسی و عربی، آلمان
۴. منتخباتی از آثار حضرت بهاءالله، شماره ۱۵۳ ص ۲۰۸، لجنه نشر آثار امری به لسان فارسی و عربی، آلمان
۵. توفیعات مبارکه ۱۹۲۶-۱۹۲۲، ص ۲۰۷
۶. کلمات مبارکه مکنونه فارسی، شماره ۵، ص ۵ (چاپ استرالیا)
۷. منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، شماره ۱۷۴، ص ۱۹۷ (چاپ شیکاگو).
۸. منتخباتی از آثار مبارکه حضرت بهاءالله، شماره ۱۲۶ ص ۱۷۵، لجنه نشر آثار امری به لسان فارسی و عربی، آلمان
۹. کتاب مستطاب اقدس، آیه اول ص ۱ (مرکز جهانی بهائی)
۱۰. مأخذ بالا، آیه ۳ ص ۲
۱۱. مأخذ بالا، ص ۱۳
۱۲. آثار قلم اعلی، جلد ۳، ص ۱۳۳، مؤسسه مطبوعات امری ایران
۱۳. منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء ج ۳ ص ۹۹، لجنه نشر آثار امری به لسان فارسی و عربی، آلمان
۱۴. منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، شماره ۱۷۸ ص ۲۰۰ (شیکاگو).
۱۵. خطابات حضرت عبدالبهاء، ص ۱۹۵، لجنه نشر آثار امری به لسان فارسی و عربی، آلمان
۱۶. مجموعه مناجات حضرت عبدالبهاء، ص ۲۷، لجنه نشر آثار امری به لسان فارسی و عربی، آلمان
۱۷. ترجمه از خطابات مبارکه حضرت عبدالبهاء
۱۸. ترجمه از یکی از تواقیع صادره از جانب حضرت ولیّ امرالله خطاب به یکی از افراد بهائی، ۳۱ مارچ ۱۹۳۲ (انگلیسی، ص ۴۸)

۱۹. منتخباتی از آثار حضرت بهاء الله، شماره ۷۷ ص ۱۰۱، لجنه نشر آثار امری به لسان فارسی و عربی، آلمان
۲۰. منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، شماره ۲۰۰ ص ۲۳۷ (چاپ شیکاگو).
۲۱. ترجمه بیان حضرت عبدالبهاء مذکور در آثار بهائی، (انگلیسی، شماره ۹۶۹ ص ۵۰۳)
۲۲. مجموعه خطابات مبارک حضرت عبدالبهاء ص ۳۹۷ (لجنه نشر آثار امری به لسان فارسی و عربی، آلمان)
۲۳. مأخذ بالا، ص ۱۳۳
۲۴. منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، شماره ۳۵ ص ۷۰ (چاپ شیکاگو).
۲۵. مأخذ بالا، شماره ۶۴ ص ۹۷
۲۶. مأخذ بالا، شماره ۴۲ ص ۸۲
۲۷. مأخذ بالا، شماره ۱۹۵ ص ۲۲۹
۲۸. ترجمه از الواح حضرت عبدالبهاء، جلد ۱ (انگلیسی، سال ۱۹۳۰، ص ۱۴۵) (نیویورک)
۲۹. منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، شماره ۱۷ ص ۳۵ (چاپ شیکاگو).
۳۰. مأخذ بالا، شماره ۱۹۰ ص ۲۲۰
۳۱. منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، شماره ۱۶ ص ۳۱ (چاپ شیکاگو).





## خدمت در نقش راهنما (کتاب‌های ۱ تا ۶ روحی)

### هدف

بررسی برخی مفاهیم و کسب بعضی روش‌ها و مهارت‌ها جهت کمک به گروهی از دوستان در مطالعه کتاب‌های ۱ الی ۶ روحی

### تمرین

تشکیل یک حلقه مطالعه و همراهی با آن در اتمام حداقل یک کتاب





## بخش اول

هدف از این واحد این است که به کوشش‌های شما در توسعه منابع انسانی در جامعه خود کمک شود. موضوع اصلی مورد بحث نقش شما به عنوان راهنمای کتاب‌های ۱ تا ۶ خواهد بود. هرکس که به ترتیبی به مؤسسه روحی وابستگی دارد می‌تواند حداقل به دو طریق در این برنامه‌ها شرکت نماید. یکی به عنوان شرکت‌کننده در دوره‌های متعددی است که تدریجاً در حال تهیه و انتشار است، و دوم آنکه راهنمای یکی از دوره‌هایی شود که خودش قبلاً آن را به اتمام رسانده است. این خدمت دوم معمولاً در یک حلقه مطالعه که مشتمل بر چند تن از دوستان علاقه‌مند است و گاهی در یک محل مرکزی با گروه بزرگتری تشکیل می‌گردد انجام می‌شود. برای اینکه شخص راهنمای قابل‌شود لازم است که بعد از تعلیمات مقدماتی، در جلسات مشورتی که متناوباً به وسیله مؤسسه به منظور تجزیه و تحلیل تجربیات مختلف و تقویت قوا و کسب مهارت‌ها تشکیل می‌شود شرکت جوید.

در هر حال هنگامی که در هر یک از این دو نوع فعالیت شرکت می‌کنیم باید به خاطر بسپاریم که مؤسسه بعضی کلمات را بعنوان القاب استفاده نمی‌کند. کلماتی مثل راهنما، مربی، هماهنگ‌کننده، برای ما فقط عناوینی هستند که اشاره به نقشی که ما انجام می‌دهیم، می‌کند و نه به مقام ما در جامعه. بنابراین کاملاً بی‌معنی است که شخصی خود را راهنما و یا مربی روحی بداند. البته این به آن معنا نیست که راهنما بودن و یا کمک کردن به گروهی از دوستان در اتمام کتب روحی یکی بعد از دیگری یک خدمت جزئی و پیش پا افتاده است. بدون شک همگی می‌توانیم کوشش کنیم که راهنمای خوب و سپس راهنمای ممتاز شویم. در این راه صفات، روش‌ها، مهارت‌ها و استعداد‌های مخصوصی را باید در خود پرورش دهیم، مفاهیم لازم را درک نمائیم و زمینه‌های مختلف معارف را بررسی کنیم تا قادر شویم که یک حلقه مطالعه را به طور مؤثر اداره نماییم.

البته کاملاً آگاهیم که قوای روحانی ماست که زیربنای استعداد‌های ما را تشکیل می‌دهد و در بررسی نهائی درجه موفقیت ما را تعیین می‌کند. بهمین علت، هدف واحد اول این کتاب کیفیت مسیر روحانی بود که همه ما آن را طی می‌کنیم. در این واحد دوم بیشتر در مفاهیم، روش‌ها و استعداد‌هایی که در بوجود آوردن یک راهنمای قابل مؤثر می‌باشد، تمرکز خواهیم نمود.

## بخش دوم

بگذارید تا موضوع بحث را با بررسی مفهوم انگیزه شروع نماییم. بدون انگیزه شرکت‌کنندگان گروه شما خیلی کم چیزی یاد می‌گیرند و هر روز تعدادشان تقلیل می‌یابد. سؤالی که مطمئناً مرتب از خود خواهید کرد این است که چگونه می‌توانید شوق و اشتیاق گروه را همواره در سطح خوبی حفظ نمایید. این مسأله‌ای است که وقتی دوستان خود را به شرکت در دوره‌های مؤسسه دعوت می‌کنید و بعد هر زمانی که گروه دور هم جمع می‌شوند با آن مواجه خواهید شد. چرا باید دوستان شما تصمیم به شرکت در دوره‌های مؤسسه روحی بگیرند؟

در مرحله اول بررسی این سؤال، ممکن است عواملی را که باعث ترغیب دوستان می‌شود به دو نوع تقسیم کرد: عوامل موقتی و عوامل پایدار. نوع اول شامل عواملی است که دوستان را موقتاً و معمولاً برای مدت کوتاهی به هیجان می‌آورد و به اقدام به عمل تحریک می‌کند. نوع دوم شامل عواملی است که ریشه ترغیب را عمیقاً در قلوب یاران ایجاد می‌کند. به عنوان مثال جملات ذیل را که می‌توان برای دعوت دوستی استفاده نمود، بررسی کنید:

دلم می‌خواهد که شما را جهت شرکت در یک حلقه مطالعه که اخیراً در جامعه خود تشکیل داده‌ایم دعوت کنم. در حال حاضر ۱۲ نفر در این گروه شرکت می‌کنند که مطمئنم از همه آنها خوشتر خواهد آمد. ما در گروه اوقات خوشی را می‌گذرانیم. هفته‌ای دو بار هر بار دو ساعت مطالعه می‌کنیم و در ضمن به فعالیت‌های دیگری هم می‌پردازیم. برای مثال قرار است این شنبه یک پیک نیک داشته باشیم که اگر شما هم بتوانید شرکت کنید خوشحال می‌شویم. در ضمن بعضی از ما در این فکریم که یک تیم فوتبال هم تشکیل دهیم.

فکر می‌کنید که مثال بالا از کدام نوع است؟ البته در نوع دعوت فوق اشکالی نیست و فعالیت‌های ذکر شده هم از نوع فعالیت‌هایی هستند که کاملاً برای حلقه‌های مطالعه مناسب می‌باشند، مخصوصاً برای گروه‌هایی که بیشتر از جوانان هستند و اینکه این گونه فعالیت‌ها می‌تواند شخصی را متقاعد به شرکت در حلقه مطالعه کند کاملاً منطقی می‌باشد. ولی روشی که در اینجا پیشنهاد شده معمولاً از نوع ترغیب و تشویق موقتی است. برای مدت کوتاهی مؤثر است ولی به تدریج اثر خود را از دست می‌دهد. اگر فقط به این نوع عوامل متکی باشید خود را در موقعیت مشکلی قرار می‌دهید زیرا پیوسته باید در صدد این باشید که "فعالیت‌های تفریحی جالب‌تری" ارائه دهید و این باعث می‌شود که بالاخره شما را خسته نماید. اینکه کسب معارف می‌تواند لذتبخش باشد بدان معنی نیست که تحصیل به مثابه تفریح است.

برای اكمال هدف یک حلقه مطالعه که پرورش روحانی و عقلانی شرکت کنندگان - تقویت قوای روحانی و اخلاقی آنان می‌باشد - لازم است منابع شوق و اشتیاقی جستجو نمائید که همیشگی باشد. شما به خودی خود به خیلی از عواملی که باعث ایجاد این انگیزه می‌شود آشنا هستید و اگر به دلایلی که خود تصمیم به شرکت در دوره‌های مؤسسه گرفتید تعمق کنید به راحتی می‌توانید این عوامل را به خاطر بیاورید. چه عواملی باعث شد که دوره‌های مختلف را به اتمام برسانید و چه عواملی در حال حاضر شما را به اشتیاق می‌آورد که استعدادهای خود را تقویت کنید و به عنوان راهنمای همان دوره‌ها فعالیت نمائید.

---

---

---

---

---

---

---

## بخش سوم

حتماً شنیده‌اید که ذوق و شوق مسری است. بنابراین اشتیاق و حرارتی که شما در انجام وظایف خود نشان می‌دهید کمکی خواهد بود در ترغیب دوستانتان در شرکت در حلقه‌های مطالعه. این اشتیاق و حرارت نباید فقط به عنوان هیجان و یا یک احساس زودگذر و سطحی تعبیر شود بلکه این شور و حرارت یک ابراز احساسات طبیعی از مسرت درونی است. مسرتی که از خصوصیات روح و روان فرد است و نه نتیجه پیشامدهای زودگذر. در واحدهای مختلفی که با دوستان خود مطالعه خواهید کرد غالباً به این مسرت اشاره شده است. برای مثال در واحد اول کتاب دوم که عنوان آن «شوق تبلیغ» می‌باشد. همچنین بخش دوازدهم «مسیر روحانی» مربوط به شادی و سرور است. لطفاً آن بخش را دوباره بخوانید. چگونه آن مطالب با آرزوی شما که خدمت به عنوان راهنماست، مطابقت می‌کند؟ با گروهی که امروز این واحد را می‌خوانید در مورد اینکه چگونه تفکر در حیات حضرت عبدالبهاء، خواندن و از حفظ کردن کلمات و به خاطر آوردن عشق بی‌پایانشان می‌تواند سرچشمه سرور همیشگی برایتان باشد، صحبت کنید.

واضحاً سروری که شور و اشتیاق شما جهت خدمت به عنوان راهنما از آن سرچشمه می‌گیرد و باعث ایجاد اشتیاق در شرکت کنندگان می‌شود از خصوصیات یک قلب پاک می‌باشد. طهارت قلب مطلبی است که مکرراً مورد بحث ما بوده خصوصاً در یکی از واحدهای کتاب ۶ در مورد طهارت قلب و خلوص نیت صحبت کردیم و سه نوع عدم خلوص را که خدمات تبلیغی ما را تحت تأثیر قرار می‌دهد، بررسی نمودیم: آرزوی شهرت، حس برتری و جاه طلبی. حال تفکر کنید که چگونه اینها می‌تواند قابلیت یک راهنما را کاهش دهد.

۱. آیا فکر می‌کنید که شاگردان می‌توانند خلوص نیت راهنما را احساس کنند؟

---

۲. اگر شاگردان حس کنند که راهنمای آنها احساس برتری می‌کند چه اثری در انگیزه آنها خواهد داشت؟

---

۳. اگر شرکت کنندگان حس کنند که راهنمایشان حلقه مطالعه را تشکیل داده است که احساس اهمیت در جامعه کند چه تأثیری در انگیزه آنها می‌گذارد؟

---

برای کمک به شما در تفکر بیشتر در مفهوم پاکی قلب، جملات ذیل را که می‌تواند دلایلی برای تصمیم یک شخص برای راهنما شدن باشد ذکر کرده‌ایم. بعضی از این دلایل کاملاً بی‌ربط و غیر قابل قبول می‌باشند و فقط به خاطر ایجاد مقایسه در اینجا گنجانده شده‌اند. بقیه آنها با وجودی که قابل قبول هستند ولی درجات مختلفی از

انقطاع از عالم را منعکس می‌کنند. اول آنهایی را که اصلاً قابل قبول نیستند جدا کنید و بعد بقیه را به ترتیب درجه انقطاع مرتب نمایید.

یک راهنما ممکن است حلقه مطالعه را به این منظور تشکیل داده باشد که:

- \_\_\_ از پیشرفت دیگران شاد می‌شود.
- \_\_\_ می‌خواهد ترقی روحانی کند.
- \_\_\_ امیدوار است که به تدریج مدیر منطقه‌ای شود و مقرری کمی دریافت کند.
- \_\_\_ می‌خواهد عضو هیئت معاونت را تحت تأثیر قرار دهد.
- \_\_\_ در فکر این است که معلم مدرسه شود و می‌خواهد اول به عنوان راهنما خدمت کند.
- \_\_\_ می‌خواهد که مردم او را دوست داشته باشند.
- \_\_\_ می‌خواهد که مردم به او احترام بگذارند.
- \_\_\_ می‌خواهد که شاهد پیشرفت مراحل دخول افواج مقبلین باشد.
- \_\_\_ دوست دارد فعال باشد و از فعالیت خود نتیجه بگیرد.
- \_\_\_ می‌خواهد که در جامعه به عنوان رهبر شناخته شود.
- \_\_\_ شیفته محبوب ابهی است.
- \_\_\_ مشعوف فرامین حضرت پروردگار است.
- \_\_\_ می‌خواهد در اهداف نقشه‌های جهانی که از طرف بیت العدل اعظم الهی به دنیای بهائی ابلاغ شده سهمی داشته باشد.
- \_\_\_ راجحه خدمت بی‌غرض را به امر استشمام نموده است.
- \_\_\_ می‌خواهد جاذب عنایات الهی برای خود و جامعه خود باشد.
- \_\_\_ هیچ آرزویی در دل به جز رضای الهی ندارد.

## بخش چهارم

در حین اینکه کوشش می‌کنید به دیگران در مطالعه کتاب‌های ۱ تا ۶ کمک نمائید بیشتر به این امر واقف خواهید شد که فهم و درک مطالب به خودی خود بزرگ‌ترین عامل ایجاد انگیزه و شوق است. در قلب هر انسان آرزو و اشتیاق برای درک مفاهیم وجود دارد، یک نوع عطش طبیعی برای فراگیری معانی باطنی و ظاهری حقایق خلقت وجود دارد. تعلیم و تربیت می‌بایستی به این آرزو و اشتیاق توجه نماید و به این وسیله به ریشه عواملی که باعث ترغیب و شوق می‌شوند دست یابد. پیشنهاد می‌شود به بیان ذیل که از یکی از الواح حضرت عبدالبهاء استخراج شده است توجه فرمائید. در این لوح ایشان از خدمات یکی از احبای برجسته در تعلیم مبلغین امر از طریق جلساتی که به عنوان "جلسات تبلیغ" اشاره نموده‌اند، تقدیر می‌فرمایند:

”أيها الحزب الالهي قدرت قديمه، هر يك از كائنات و انواع موجودات را به مزيتي و منقبتي و كمالي مخصّص فرمود تا در رتبه خود آيات داله بر علو و سمو مرّبي حقيقي گردند و هر يك به منزله مرّاتي صافيه از فيض و تجلّي شمس حقيقت حكايه نمايند.“

”انسان را از بين كائنات به موهبت كبري مخصّص فرمود و به فيض ملاً اعلي فائز كرد و آن موهبت كبري هدايت عظمي است كه حقيقت انسانيه مشكاه اين مصباح گردد و اشعه ساطعه اين سراج چون بر زجاج قلب زند از لطافت قلب، سطوع انوار اشتداد يابد و بر عقول و نفوس تجلّي نمايد.“

”و هدايت كبري مشروط و منوط به علم و دانايي و اطلاع بر اسرار كلمات ربّاني است. لهذا بايد ياران الهي صغيراً و كبيراً، رجالاً و نساءً به قدر امكان در تحصيل علوم و معارف و تزويد اطلاع بر اسرار كتب مقدّسه و ملكه در اقامه دلائل و براهين الهي نمايند.“

”حضرت صدرالصدور الفائز بالمقام الاعلي في عالم السرور روح المقربين له الفداء تأسيس محفل تعليم نمودند. و ايشان اول شخص مباركي هستند كه اساس اين امر عظيم نهادند الحمد لله در آيام خويش نفوسي را تربيت نمودند كه اليوم در نهايت فصاحت و بلاغت مقتدر بر اقامه ادله و براهين الهي هستند و في الحقيقه اين تلامذه سلاله طاهره روحانيه آن مقرب درگاه كبريا هستند. و بعد از صعود ايشان بعضي از نفوس مباركه اقدام در ابقاء تعليم و تعلم فرمودند و اين مسجون از اين خبر بي نهايت مسرور شد“<sup>۱</sup>

اين فرمايشات حضرت عبدالبهاء بصيرتي ارزنده براي شناخت نيروهاي مطلوب يك حلقه مطالعه عرضه مي نمايد. بنا به نصّ فوق بزرگ ترين هديه خداوند به ما نائل شدن به هدايت الهي است. براي نائل شدن به اين هدايت اعظم محتاج به دانش و خرد هستيم و مي بايستي با اسرار نهفته در كلمات الهي آشنا شويم. بنا بر اين طبيعي است كه نائل شدن به فيض هدايت ربّاني و كشف اسرار آثار الهي به خودي خود منابع اوليه انگيزه و شوق را تشكيل مي دهد. يكي از وظائف مشكل شما اين است كه دائماً سعي كنيد تا شركت كنندگان حقيقتاً در چنين اكتشافات مهيجي شركت نموده و اين فيض الهي را دريافت كنند.

براي پي بردن به ارزش اين نکته لطفاً به كتاب هاي مؤسسه روحی كه قبلاً مطالعه نموده ايد مراجعه نماييد و حداقل ۵ بخش را كه باعث ازدياد قابل توجه درك شما از مسائل روحاني شده است مشخص نماييد. بعضي از مسائلي را كه به درك آن در مطالعه هر بخش نائل شديد، ذكر نماييد.

.۱

۲.

---

---

---

۳.

---

---

---

۴.

---

---

---

۵.

---

---

---

در همان لوحی که در بالا قسمتی از آن نقل شد حضرت عبدالبهاء مناجات زیبایی نازل فرموده‌اند که شما می‌توانید آن را از حفظ کنید و هر موقع که وظیفه خود را به عنوان راهنمای حلقه مطالعه به عهده می‌گیرید آن را به خاطر بیاورید.

”هو الله اللهم يا من تجلّى على الحقايق النوراء بتجلّى العلم و الهدى و ميّزها عن ساير الكائنات بهذه الموهبة العظمى و جعلها محيطة على كلّ الاشياء تدرك حقايق الموجودات و تخرج الاسرار المكنونة من حيز الغيب الى عالم الآثار و يختصّ برحمته من يشاء“ (مضمون بيان مبارک به فارسی چنین است: پروردگارا، ای خدائی که بر حقایق نورانی با جلوه علم و هدایت تجلّی فرمودی و آنها را به این موهبت عظمی از سایر کائنات ممتاز نمودی و آنها را به درک حقایق موجودات بر همه اشیا غالب گردانیدی و اسرار مکنونه را از عالم غیب به عالم شهود آوردی هر که را بخواهی به رحمت خود مختصّ می‌گردانی.)

”ربّ اید احبّاءک علی تحصیل العلوم و الفنون الشّتی و الاطلاع علی الاسرار المخزونة فی حقيقة الكائنات. و اطلعهم علی الرموز المندمجة المندرجة فی هویة الموجودات و اجعلهم آیات الهدی بین الوری و انوار النّهی المتثلثة فی هذه النّشأة الاولى. و اجعلهم ادلاء علیک هداة الی سبیلک سعاة الی ملکوتک. انک انت المقتدر المهيمن العزيز القویّ الکریم العظیم“<sup>۲</sup> (مضمون بیان مبارک به فارسی چنین است: ای پروردگار احبای خود را بر تحصیل علوم و فنون گوناگون و اطلاع بر اسرار مخزونه در حقایق کائنات تأیید فرما و آنها را بر رموز مندمجه در هویت موجودات آگاه نما و آنها را آیات هدی در بین مردم و انوار خرد و دانشی قرار

فرما که در این عالم می‌درخشند و آنها را راهنمایان مردم و هادیان سیل خود و تلاشگران و شتاب‌کنندگان به ملکوت خود قرار ده. تو مقتدر و مهیمن و عزیز و قوی و کریم و عظیم هستی.)

## بخش پنجم

به عنوان یک راهنما شما در گروه خود موظف هستید، تشخیص دهید که آیا شرکت‌کنندگان به اندازه کافی مطالب را درک کرده‌اند یا خیر. در توضیح دوره‌های مؤسسه روحی معمولاً به سه مرحله از فهم و ادراک اشاره شده و این مطلبی است که در یکی از بخش‌های بعد درباره‌اش صحبت خواهد شد. البته این مطلب به معنای آن نیست که فهم و ادراک سه مرحله دارد. بلکه منظور بیان این است که توجه همکاران مؤسسه روحی را به این نکته جلب کنیم که از شرکت‌کنندگان دوره‌ها انتظار می‌رود که در مرحله اول معنای آثار الهی را که مطالعه می‌نمایند درک کنند و بعد در به کار بردن آثار الهی در زندگی روزمره خود تفکر نمایند و همچنین به معنای ضمنی آن بیندیشند. در این مورد البته باید به خاطر داشت که به طور کلی فهم و ادراک چیزی نیست که انسان فوری به آن دست یابد و به کوشش خود خاتمه دهد. درست است که بعضی از مسائل را می‌توان درک نمود ولی فهم عمیق بسیاری از مسائل به تدریج و در طی سلسله مراحل طولانی به وجود می‌آید. سؤالی که باید مرتب در حلقه‌های مطالعه از خود بپرسید این نیست که آیا شرکت‌کنندگان هر موضوع را “درک کرده‌اند” بلکه این است که آیا در “درک پیشرفت کرده‌اند.”

توانائی شما برای پرورش و سنجش ادراک شرکت‌کنندگان مستلزم این است که همواره خصوصیات چو حساسیت، انقطاع و سخاوت را در خود پرورش دهید و از قوای ادراک و الهام ذاتی خود کمک بطلبید. لازم است با کمال دقت به همه گوش دهید. خیلی از مواقع یک فرد ممکن است قادر نباشد که با کلمات افکار خود را بیان کند ولی در واقع بخوبی متوجه موضوع مورد صحبت شده باشد. شما نباید تمرکزتان روی کلمات باشد بلکه باید توجه خود را به آنچه که ماورای کلمات و معانی نهفته است جلب نمایید. برای این کار می‌بایستی به دوستان خود اعتماد داشته و مطمئن باشید که هر کدام مطالب مهمی برای گفتن دارند.

عوامل معرف فهم و ادراک فقط جواب دادن به سؤالات و شرکت در بحث نیست. عامل دیگر سلوک و رفتار شرکت‌کنندگان، حالت چهره‌هایشان و طرز ارتباطشان با بقیه اعضای گروه است. حتی زمانی که نصوص را از حفظ می‌خوانند ممکن است بتوانید شما میزان ادراک آنان را با گوش کردن به طریقی که کلمات را ادا می‌کنند تشخیص دهید.

تمرین‌هایی که در قسمت‌های مختلف گنجانده شده وسیله مهمی در پرورش فهم و ادراک می‌باشد. با وجودی که غالباً مباحث و تمرین‌ها بایستی بدون کمک شما پیش رود، مواقعی خواهد بود که شما لزوماً باید نظریات خود را جهت کمک به شرکت‌کنندگان برای فهم مطلبی معین ارائه کنید. می‌توانید بخش‌هایی از سه واحد کتاب ۱ را انتخاب نمایید و تمرین‌های آنها را مرور کنید و مشخص نمایید که در چه مواردی به راهنمایی شما احتیاج دارند.





\_\_\_\_\_ وقتی به عنوان یک راهنما مشغول خدمت می‌باشم هیچ وقت نباید عقاید خود را بیان کنم.

\_\_\_\_\_ مقصود از تبادل نظر در حلقه‌های مطالعه ما این است که من بتوانم معنی صحیح مطالب را تدریس کنم.

\_\_\_\_\_ مقصود از تبادل نظر در حلقه‌های مطالعه ما این است که همه هر چه به فکرشان می‌رسد بیان کنند برای اینکه ابراز احساسات شخصی حائز والاترین ارزش‌هاست.

\_\_\_\_\_ مقصود از تبادل نظر در حلقه‌های مطالعه ما این است که اعضا در فهم هر چه عمیق تر مطلب مورد مطالعه به یکدیگر کمک نمایند.

\_\_\_\_\_ انقطاع از عقاید خود به این معنی است که باید اجازه دهم تبادل نظرها ادامه داشته باشد حتی وقتی می‌بینم که صحبت‌ها به جایی نمی‌رسد.

\_\_\_\_\_ معنای اینکه شرکت کنندگان باید از عقاید خود منقطع باشند اینست که اعضای گروه می‌بایستی هر چه همه می‌گویند را به عنوان حقیقت قبول کنند.

\_\_\_\_\_ انقطاع از عقاید خود به من کمک می‌کند تا به دیگران با توجه بیشتری گوش دهم.

### بخش ششم

یک نیروی روحانی پر قدرتی وجود دارد که با عطش برای کسب معارف و درک مفاهیم مستقیماً مرتبط می‌باشد و آن نیروی جذبه و گرایش به زیبایی است. برای مثال بیان مبارک ذیل از حضرت بهاء‌الله را ملاحظه نمائید:

”به اسم حجبات غلیظه را بردرید و اصنام تقلید را به قوت توحید بشکنید و به فضای رضوان قدس رحمن وارد شوید. نفس را از آرایش ماسوی الله مطهر نمائید و در موطن امر کبری و مقرر عصمت عظمی آسایش کنید. به حجاب نفس خود را محتجب مسازید چه که هر نفسی را کامل خلق نمودم تا کمال صنعم مشهود آید، پس در این صورت هر نفسی به نفسه قابل ادراک جمال سبحان بوده و خواهد بود.“<sup>۳</sup>

در بیان دیگری چنین ندا می‌فرمایند:

”... ای بلبلان فانی در گلزار باقی گلی شکفته که همه گلها نزدش چون خار و جوهر جمال نزدش بی مقدار پس از جان بخروشید و از دل بسروشید و از روان بنوشید و از تن بکشید که شاید به بوستان وصال درآید و از گل بی مثال ببوئید و از لقای بی زوال حصه برید و از این نسیم خوش صبا معنوی غافل نشوید و از این

رائحه قدس روحانی بی نصیب نمانید. این پند بندها بگسلد و سلسله جنون عشق را بجنباند دلها را به دلدار رساند و جانها را به جانان سپارد قفس بشکند و چون طیر روحی قصد آشیان قدس کند ...“

”... شمع باقی بی فانوس روشن و منیرگشته و تمام حجات فانی را سوخته. ای پروانگان بی پروا بشتابید و بر آتش زبید و ای عاشقان بی دل و جان بر معشوق بیائید و بی رقیب نزد محبوب دوید. گل مستور به بازار آمد بی ستر و حجاب آمد و به کل ارواح مقدسه ندای وصل می زند چه نیکو است اقبال مقبلین فهیناً للفائزین بانوار حسن بدیع“<sup>۴</sup>

شما باید در قلب خود مطمئن باشید که اعضای حلقه مطالعه شما دارای یک جاذبه طبیعی برای زیبایی می باشند اگر در طی دروس مؤسسه به آنها کمک شود که عظمت ظهور الهی را مشاهده نمایند و از لطافت و زیبایی کلمات الهی لذت ببرند مسرتی که در هر کلاس احساس خواهند کرد قوی ترین منشأ ترغیب برای آنان خواهد بود. در حالی که در این نکته تعمق می کنید مفید خواهد بود به کتاب هائی که تا به حال مطالعه کرده اید رجوع کنید و ۴ یا ۵ بخش را که باعث انعکاس جمال حضرت محبوب در قلبتان بود انتخاب نمایید. برای هر بخش چند کلمه درباره آنچه که شما را مجذوب حضرت محبوب نمود بیان کنید.

۱.

---

---

---

۲.

---

---

---

۳.

---

---

---

۴.

---

---

---

۵.

---

---

---

## بخش هفتم

مفهوم عمیق و زیبای بیانات الهی که در بسیاری از قسمت‌های کتاب‌های مؤسسه نقل شده پر قدرت‌ترین عامل جلب شرکت کنندگان می‌باشد. ولکن محیطی که شما در حلقه‌های مطالعه خود به وجود می‌آورید نیز بی اندازه مهم است. یک نیروی جاذبه عجیبی در گروهی که در یک جو محبت آمیز با یکدیگر کار می‌کنند ایجاد می‌شود. بنابراین شما می‌بایستی همیشه متوجه جو حلقه‌های مطالعه خود باشید و کاری کنید که آن جو در ازدیاد نشاط روحانی شرکت کنندگان مؤثر باشد.

یک عامل مهم البته محیطی است که گروه در آن دور هم جمع می‌شوند. متأسفانه در دنیای امروز زیبایی ظاهری اکثراً با ثروت ارتباط داده می‌شود. جایی که مورد نظر است جایی نیست که با پول فراوان تزئین شده باشد. زیبایی را می‌توان در طبیعت و در نظم و ترتیب مشاهده نمود. مکان تشکیل دوره‌های شما باید جایی باشد که خواسته‌های درونی شرکت کنندگان را برای جمال و کمال ارضاء کند. حال فرقی نمی‌کند که گروه شما در زیر یک درخت بنشینند و یا در یک اتاق که با اشیاء گران قیمت تزئین شده و یا در کلبه‌ای محقر و یا در مرکز مؤسسه دور هم جمع شوند.

سلوک و رفتار شما عامل دیگری است که در جو حلقه‌های مطالعه سهمی بسزا خواهد داشت. سلوک و رفتار می‌تواند زیبا باشد و بنابراین دارای قوه جاذبه است. زیبایی در محبت در ملاطفت و در احترام به دیگران نیز نهفته است. برای تفکر بیشتر در این موضوع مواردی را که به لطافت طبع شما اهانت شده به خاطر بیاورید. متأسفانه اینگونه موارد مرتباً در محل کار، در محل تفریح، در جمع دوستان، در جمع فامیلی و حتی در سازمان‌های تربیتی اتفاق می‌افتد مثال‌هایی از این موارد بدین قرارند:

داد زدن بر سر یکدیگر

استفاده از کلمات توهین آمیز

شرمنده کردن فردی در مقابل دیگران

با بقیه به چشم شهوت نظر و رفتار کردن

تحت تأثیر مشروبات الکلی رفتار کردن

آیا می‌توانید چند مثال دیگر بیاورید؟

---

---

---

---

---

حال به حلقه‌های مطالعه خود برگردید. البته مشکل بتوان تصور کرد که حرکات زشت بالا در گروه شما اتفاق بیفتد ولی باید در همه احوال متوجه حرکاتی باشید که اگر چه به شدت حرکات بالا نیست ولی می‌تواند به محیط محبت‌آمیز گروهتان لطمه زند. مثال‌های ذیل هر یک موقعیت مشکلی را معرفی می‌کند. برای هر یک از این موقعیت‌ها عکس العمل نامناسبی ذکر شده از شما خواسته می‌شود که جواب صحیح را یادداشت کنید.

۱. یکی از شرکت کنندگان بر روی کتاب خود خم شده و مشغول خط خطی کردن آن است: عکس العمل نامناسب این است: "شما توجه نمی‌کنید" باید بگوئید:

---

---

۲. یکی از شرکت کنندگان به قدری آهسته صحبت می‌کند که برای دیگران ممکن نیست بشنوند. عکس العمل نامناسب این است: "نمی‌توانی بلندتر صحبت کنی؟" باید بگوئید:

---

---

۳. یکی از شرکت کنندگان در گروه به یک سؤال، جوابی کاملاً اشتباه می‌دهد. عکس العمل نامناسب این است: "کسی جواب صحیح را می‌داند؟" باید بگوئید:

---

---

۴. دو نفر از شرکت کنندگان مشغول صحبت و خندیدن با یکدیگرند. عکس العمل نامناسب این است: "آیا می‌خواهید لطیفه خود را به دیگران هم بگوئید؟" باید بگوئید:

---

---

۵. یکی از شرکت کنندگان سؤالی می‌کند که ربطی به موضوع مورد بحث ندارد. عکس العمل نامناسب این است: "این ربطی به موضوع بحث ما ندارد." باید بگوئید:

---

---

۶. دو نفر از شرکت کنندگان در مورد یکی از تمرین‌ها جر و بحث می‌کنند و هر یک اصرار دارد نظر خودش صحیح می‌باشد. عکس العمل نامناسب این است: "بس کنید شما هر دو اشتباه می‌کنید." باید بگوئید:

---

---

۷. یکی از شرکت کنندگان جوابی می دهد که مطابق نصّ مورد مطالعه نیست. عکس العمل نامناسب این است: ”آیا نصّی را که الان خواندی نمی فهمی؟“ باید بگوئید:

---

---

۸. یکی از شرکت کنندگان از موضوع بحث خارج می شود. عکس العمل نامناسب این است: ”لطفاً فقط در مورد همین موضوع بحث کنید.“ باید بگوئید:

---

---

پیشنهاد می شود که این بخش را با حفظ کردن بیان ذیل خاتمه دهید. این نصّ از بیان بزرگ‌تری از کتاب قرن بدیع استخراج شده که در آن حضرت ولیّ امرالله چارچوب مشخصات اصلی کتاب مستطاب اقدس را توصیف می کنند:

”علاوه بر احکام و فرائض مذکوره، حضرت بهاء الله در این رَقّ منیع پیروان امر بدیع را به نصایح الهیه و مواعظ و حکم ربّانیه دعوت و امر صریح می فرماید که با جمیع اهل ادیان با کمال روح و ریحان معاشرت نمایند. تعصّب و فساد و نزاع و جدال و غرور و استکبار را منع و به تقوی و طهارت و عفت و امانت و صدق و صفا و مهر و وفا و صبر و اصطبار و عدل و انصاف دلالت و اهل بهاء را به این کلمه علیا که از مخزن قلم اعلی نازل هدایت می فرماید قوله العزیز: ”کونوا کالاصابع فی الید و الارکان للبدن“ و همچنین به قیام بر خدمت امر و ارتفاع شریعت مقدسه الهیه تشویق و آنان را به نصرت محتومه رحمانیه مطمئن و مستظهر می نماید.“<sup>۵</sup>

## بخش هشتم

در هفت بخش اول این واحد مسأله انگیزه را بررسی کردیم. واضح است که حقّ مطلب در مورد چنین موضوع حیاتی در این صفحات کوتاه بیان نمی شود. ولی کاری که می توانیم بکنیم این است که چند منبع انگیزه را مشخص کنیم به این امید که ضمن خدمت با کسب تجربیات قادر به کشف رموزی شویم که بتوانید به ثبات شوق و انگیزه شرکت کنندگان گروهتان کمک کنید. موضوع مورد بحث بعد مسأله مشارکت می باشد که طبیعتاً بعد از مسأله انگیزه قرار می گیرد زیرا فقط از طریق شرکت فعالانه در کسب معارف شرکت کنندگان می توانند حدّ اعلای انگیزه را حفظ نمایند.

اکثراً گفته شده که دوره های مؤسسه روحی دوره های مشارکت گروهی است. مثلاً در این زمینه ممکن است عباراتی شبیه ”روش مشارکتی“ و یا ”شیوه مشارکتی“ و یا ”فن مشارکتی“ شنیده باشید. ”روش“، ”شیوه“ و ”فن“ کلماتی هستند که در امر تعلیم و تربیت مکرراً استفاده می شوند و مهمّ است که در مورد معنی آنها تعمق نمائید. با

وجود اینکه به طور کلی ترجیح داده می‌شود که مفهوم کلمات از موارد استفاده آن درک شود ولی در این مورد بخصوص معانی بکار رفته در فرهنگ لغت می‌تواند کمک خوبی برای شما باشد. روش معمولاً به معنای ”وسیله یا رویه انجام کار است خصوصاً یک طریق عادی و منظم به انجام رساندن امری می‌باشد“ و یا ”استفاده از یک سلسله قسمت‌ها و یا مراحل منظمی برای به انجام رساندن هدفی می‌باشد.“ کلمه شیوه به طوری که ما از آن استفاده می‌کنیم به معنای ”طریقی است که برای رسیدن به هدفی استفاده می‌شود“ و یا ”روشی که در راه عمل و یا به دست آوردن استفاده می‌شود“ و کلمه فن را می‌توان به ”سلسله‌مراحلی که یک عمل پیچیده و علمی را به نتیجه می‌رساند“ معنی کرد. همین‌طور که می‌بینید این کلمات در معنی خیلی شبیه هم می‌باشند. تفاوت در معانی آنها را ضمن پیشرفت در این درس متوجه خواهید شد.

بیائید بحث خود را در این موضوع چنین آغاز کنیم که منظور اصلی مؤسسه روحی از مشارکت در مرحله روش و فن نمی‌باشد. آنچه ما از شاگردان می‌خواهیم این است که مسؤلیت یادگیری را خود به عهده بگیرند. این می‌تواند حتی موقعی که روش تعلیم مشارکتی نیست نیز پیش آید. یک مثال کمک خواهد کرد که این نکته برای شما روشن شود.

تصور کنید که یک بهائی دانشمند به منطقه شما سفر می‌کند و شما در یکی از صحبت‌های ایشان در مورد یکی از مسائل امری شرکت می‌کنید. ناطق صحبتش طولانی می‌شود و به خاطر جمعیت زیاد امکان تبادل نظر در اختتام جلسه نیست. واضح است که روش استفاده شده در این جلسه روش مشارکتی نیست. ولیکن به نسبت درجه علاقه‌تان به موضوع صحبت، شما در طول نطق مشغول فراگیری هستید. گوش می‌دهید، به کلماتی که ناطق ادا می‌کند فکر می‌کنید، یک سلسله سؤالات در ذهن خود ترتیب می‌دهید و بعداً در کتاب‌های متعدّد به دنبال جواب سؤالات خود می‌روید.

حال تصور کنید که هزاران شاگرد در سراسر دنیا در کلاس‌های خود نشسته و با بی‌حوصلگی به معلم خود گوش می‌دهند و خمیازه می‌کشند. البته این تصویری نیست که در تمام مدارس مشاهده می‌شود ولی از این نوع کلاس‌ها آنقدر هست که شما یکی یا دو تای آنها را دیده‌اید. چه فرقی بین دو مثال بالا که هر دو از یک روش تدریس استفاده می‌کنند می‌بینید؟

البته فرق اصلی در درجه مشارکت دانشجویان در جریان آموزش و یادگیری می‌باشد. در مثال اول شما عاملی فعال در یادگیری هستید. ناطق نطقی را ارائه می‌دهد ولی شما خودتان تعلیم خود را به عهده دارید. شما این مسؤلیت را قبول کردید که چیزی بیاموزید و با این روش در یادگیری خود کاملاً مشارکت می‌کنید. مثال دوم کاملاً بر عکس می‌باشد. شاگردان در یادگیری خود فعال نیستند و تمام کار را معلم انجام می‌دهد و سنگینی مراحل آموزش و یادگیری را به تنهایی به دوش می‌کشد.

این مقایسه مختصر از دو موقعیت آموزشی منظور ما را از اینکه روش مؤسسه یک روش مشارکتی است روشن می‌سازد. ما انتظار داریم که در حلقه‌های مطالعه که شما به عنوان راهنما خدمت می‌کنید شاگردان اعضای فعال یادگیری باشند. شما باید سعی کنید که آنها مسؤلیت یادگیری را خود به عهده بگیرند. در طی ساعاتی که با هم

مشغول مطالعه هستید فکر آنان باید کاملاً فعال باشد و تأکید آموزش و یادگیری، در یادگیری باشد که خود دانش آموزان مسؤلیت آن را حس کنند.

بر خلاف مثالی که در آن شما یکی از حضار جلسه نطق بودید خیلی بعید به نظر می‌رسد که شما بتوانید حد لازم مشارکت را فقط با سخنرانی برای دانشجویان به دست آورید. به این علت است که به روش‌ها و یک سری فنون احتیاج دارید. کتاب‌های مؤسسه روحی ابزار و وسائل لازم را برای پیروی از شیوه مشارکتی مؤسسه برای شما فراهم می‌کند. هدف اصلی این واحد این است که توانائی شما را در استفاده از این کتب افزایش دهد.

قبل از ادامه مطلب از شما می‌خواهیم که چند صحنه از وقایع مختلف را در فکر خود تصور کنید و به آنها به صورت حلقه‌های مطالعه فکر کنید. با وجودی که صحنه‌های ذیل هیچ کدام نمی‌تواند نقش شما را به عنوان یک راهنما کاملاً توجیه کند، ولی بعضی از آنها به درک مسأله نیروهای آموزشی و یادگیری که در اینجا مورد بحث است کمک می‌کند. بعضی از صحنه‌های ذیل کاملاً بی‌ربط می‌باشد. اول آنها را حذف کنید و بعد توضیح دهید که هر کدام از بقیه چگونه می‌تواند مفید باشد:

۱. آتشی که آن را شعله ورتر می‌کنید.

---

۲. لیوان‌های خالی که پر می‌کنید.

---

۳. حساب‌های بانکی که در آن پول واریز می‌کنید.

---

۴. شمع‌هایی که روشن می‌کنید.

---

۵. دوستی‌هایی که می‌پرورانید.

---

۶. گروهی که با آنها چیزی می‌سازید.

---

۷. زیربنای عمارت عظیمی که شما پایه‌گذاری می‌کنید.

---

۸. معدن‌های پراز جواهری که در آن کار می‌کنید.

---

۹. مسابقه فوتبالی که در آن داوری می‌کنید. \_\_\_\_\_

\_\_\_\_\_

۱۰. مسابقه‌ای که در آن قضاوت می‌کنید. \_\_\_\_\_

\_\_\_\_\_

۱۱. کشتی که شما می‌رانید. \_\_\_\_\_

\_\_\_\_\_

۱۲. گیاهی که به آن آب می‌دهید. \_\_\_\_\_

\_\_\_\_\_

صحبتی که راجع به مشارکت شد اشاره بر این می‌کند که هر شاگرد باید نقش فعالی در تعلیم خود به عهده بگیرد. بعضی از اموری که مردم انجام می‌دهند معمولاً با فعال بودن آنها در یک محیط یادگیری مرتبط است و بعضی از آنها نشان دهنده بی‌تفاوتی ایشان است. لطفاً مشخص کنید که اعمال ذیل نشانه حالت فعال بودن یا بی‌تفاوتی است.

گوش دادن با تمرکز تام، گوش دادن بدون توجه، خمیازه کشیدن،  
خیالبافی کردن، چرت زدن، سؤال کردن، فکر کردن، نوشتن، خواندن،  
بحث کردن، از حفظ کردن، توضیح دادن، تجزیه و تحلیل کردن،  
تمرکز کردن، خندیدن، بر روی کاغذ خط خطی کردن

بی تفاوت

فعال

_____	_____
_____	_____
_____	_____
_____	_____
_____	_____
_____	_____
_____	_____
_____	_____
_____	_____
_____	_____



## بخش نهم

در اینجا یک صحبت خیالی بین راهنمای کتاب ۷ و یکی از همراهان در موقع تنفس نقل شده که ممکن است به روشن شدن مطالب کمک کند.

- من تازه دارم فهم جدیدی از مسأله مشارکت کسب می‌کنم. قبلاً فکر می‌کردم که مؤسسه روحی منحصر به قرائت آثار مبارکه، جواب دادن به سؤالات و جلب نظریه افراد گروه می‌باشد.
- من هم قبلاً چنین توضیح بسیار ساده‌ای را در مورد مؤسسه روحی شنیده بودم. متأسفانه چنین توضیحی وانمود می‌کند که مسأله مشارکت یک نوع فرمول می‌باشد.
- ولی بعد از اتمام چند کتاب انسان متوجه می‌شود که چقدر این روش غنی‌تر از آن است که اول تصور می‌کند.
- البته درست است مطالبی را که مطالعه می‌کنیم اکثراً از آثار بهائی می‌باشد و تشویق بر تمرکز شدید در قرائت و درک بیانات مبارکه می‌نماید. همچنین درست است که سؤال‌ها و تمرین‌ها مستلزم آنند که شرکت کنندگان در مورد آنها بین خود بحث کنند.
- ولی بعضی‌ها می‌گویند که بحث و صحبت نباید تشویق شود و اینکه ما باید از اعضای گروه بخواهیم که جواب سؤال‌ها را بدهند تا هر چه زودتر به مطلب بعدی برویم.
- این یک اظهار نظر افراطی دیگری است که گهگاه شنیده می‌شود. البته اشخاص باید اجازه داشته باشند که ابراز عقیده نمایند. اما مسأله مورد نظر این است که یک مشورت با نظم و ترتیب باید ایجاد کرد. منظور از بحث و مشورت این است که فهم و ادراک افزایش یابد. اظهار نظرهای دور از مطلب بخودی خود در رسیدن به هدف کمکی نمی‌کند. وقتی شما به عنوان یک راهنما خدمت می‌کنید نباید سختگیر باشید. اشخاص آزادند که هر چه می‌خواهند بگویند حتی اگر نظرشان ربطی به موضوع مورد بحث نداشته باشد. البته وقتی می‌بینید که گروه به کلی برای مدت طولانی از موضوع خارج شده‌اند باید به دوستان خود کمک کنید تا توجهشان را به موضوع اصلی برگردانند. از آنجائی که روابط شما با گروه بر اساس ادب و مهربانی است، این کار مشکل نخواهد بود.
- البته این کار همیشه آسان نخواهد بود. در حلقه‌های مطالعه‌ای که من تا به حال شرکت داشته‌ام گاهی کسانی بودند که نمی‌توانستند ساکت شوند و کسانی هم بودند که هیچ وقت چیزی نمی‌گفتند.
- مطمئن باشید که با کسب تجربه بیشتر یاد می‌گیرید که چگونه با هر دو مورد مواجه شوید. چیزی که باید به خاطر بسپارید این است که هیچ وقت نباید باعث خجالت کسی شوید، چه آن کس که پر حرف است و چه

آن کس که ساکت است. اول باید مواظب باشید که با کسی که وقت گروه را زیاد می‌گیرد عصبانی نشوید. به قلب خود رجوع کنید و او را غرق محبت صمیمانه خود نمائید. وقتی که این رشته محبت را در بین خودتان به وجود آوردید قادر خواهید بود که با حالات و اشارات کوچک و یا دوسه کلمه محبت آمیز به آن شخص بفهمانید که باید صحبت‌هایش را مختصرتر کند و به بقیه هم فرصت مشارکت بدهد.

• آنهایی که ساکت هستند چگونه؟

• این موضوع خیلی جالبی است. می‌دانید گاهی ما زیاده از حد به صحبت کردن اهمیت می‌دهیم. اگر کسی ساکت است باعث نگرانی ما می‌شود. حتی بعضی وقت‌ها فکر می‌کنیم که اشخاص ساکت و خجالتی زیاد باهوش نیستند. بدترین کاری که می‌توانید بکنید این است که اشخاص را مستقیماً مورد اشاره قرار دهید و از آنها بخواهید که چیزی بگویند وقتی که مایل به صحبت نیستند. صحبت کردن حتماً نشانه مشارکت نیست. اگر به دقت به گروه که معمولاً گروه کوچکی است توجه کنید می‌توانید تشخیص دهید که چه کسی مشغول یادگیری است - چه کسی گوش می‌دهد - چه کسی فکر می‌کند و چه کسی تمرین‌ها را با جدیت انجام می‌دهد. اشخاص خجالتی گروه کم‌کم اعتماد به نفس خود را تقویت کرده و در بحث‌ها شرکت خواهند نمود ولی باید اجازه دهید که این به تدریج انجام پذیرد.

تداوم یک مشاوره کار آسانی نیست ولی به تدریج با کسب تجربه عملی در این کار ماهر خواهید شد. چند مورد در ذیل نقل شده است. دو جواب پیشنهاد شده در هر مورد صحیح است ولی تحت شرایط متفاوت. موقعیتهائی که در آن هر کدام از جواب‌ها بیشتر مؤثر است ذکر کنید.

۱. سؤالی از یکی از شرکت‌کنندگان شده است و آن شخص در جواب خیلی تأمل می‌کند:

الف. شما با حوصله صبر می‌کنید تا آن شخص بالاخره جواب دهد:  
\_\_\_\_\_  
\_\_\_\_\_

ب. به طور غیر محسوس سؤال را به شرکت‌کننده دیگری معطوف می‌کنید و می‌پرسید که آیا او می‌تواند در جواب کمک کند.  
\_\_\_\_\_  
\_\_\_\_\_

۲. یکی از شرکت‌کنندگان همیشه اولین نفری است که در جواب دادن داوطلب می‌شود و زمینه را برای صحبت کردن دیگران مشکل می‌سازد.

الف. بعضی از سؤال‌ها را مستقیماً از شرکت‌کنندگان می‌پرسید و آنها را با اسم برای جواب دادن صدا می‌زنید.  
\_\_\_\_\_  
\_\_\_\_\_

ب. در یک فرصت مناسب وقتی که در خارج از حلقه مطالعه مشغول صحبت دوستانه و گرمی با او می‌باشید از اینکه او خیلی سریع فکر می‌کند تعریف کرده ولی اشاره می‌کنید که بعضی وقت‌ها باید صبر کند تا دیگران هم موقعیت مشارکت داشته باشند.

---

---

۳. یکی از شرکت‌کنندگان مدت زیادی است که در بحث شرکت نکرده است.

الف. هر از گاهی وقتی که مطمئن هستید مطلبی برای گفتن دارد مستقیماً سؤال را از او می‌پرسید.

---

---

ب. او را به خود وا می‌گذارید و اجازه می‌دهید تا موقعی که دوست دارد ساکت بماند.

---

---

۴. متوجه می‌شوید که همه شرکت‌کنندگان در شروع به صحبت در مورد سؤالاتی که مطرح شده مردد هستند.

الف. موضوع مورد بحث را با زبانی که برای همه بیشتر قابل فهم است تشریح می‌کنید و اگر لازم باشد مثال می‌آورید.

---

---

ب. یکی از شرکت‌کنندگانی را که از دیگران اعتماد به نفس بیشتری دارد انتخاب می‌نمائید و از او مستقیماً سؤالی می‌کنید که رشته صحبت را باز کند.

---

---

## بخش دهم

بگذارید حال به مسأله روش بپردازیم. در این مورد باید اشاره کنیم که مؤسسه روحی برنامه‌های زیادی دارد که شامل چند برنامه توسعه اجتماعی و اقتصادی است. مسائلی که تا به حال در مورد آن صحبت کرده‌ایم و در ادامه صحبت مورد توجه‌مان خواهد بود جنبه‌های مختلفه برنامه مؤسسه در مورد توسعه و تحکیم امر مبارک می‌باشد. بعضی از مشخصات روش مورد استفاده مؤسسه روحی در این برنامه که هدفش ازدیاد قوای مؤمنین در خدمت به امرالله است در ذیل ذکر شده است.

دوره‌هایی که مؤسسه عرضه می‌کند در سطح محلی و در گروه‌های کوچک منعقد می‌شود و هر گروه از کمک شخص با تجربه‌تری که به عنوان راهنما خدمت می‌کند بهره‌مند است. حتی زمانی که یک دوره با تعداد قابل ملاحظه‌ای در چند روز متوالی در مرکز مؤسسه تشکیل می‌شود شرکت‌کنندگان به گروه‌های کوچکتر تقسیم می‌شوند و یک یا چند راهنما در بین آنها به نوبت چرخیده و به آنها در مطالعه مطالب کمک می‌کند.

برنامه مورد نظر در محور دوره‌های پی در پی تنظیم شده است. این دوره‌های متسلسل یک مسیر خدمت را توجیه می‌کند. همینطور که شرکت‌کنندگان یک سری از کتاب‌ها را تمام می‌کنند، معارف امری می‌آموزند- بصیرت روحانی کسب می‌کنند و مهارت‌های مختلفه را در خود می‌پروراند که خدمات مخصوصه در زمینه وسیع توسعه و تحکیم امر انجام دهند. از این سلسله اصلی دوره‌های دیگری به وجود آمده که برای کسب معارف و مهارت‌هایی در زمینه‌های فعالیت مخصوص مثل تعلیم کلاس‌های درس اخلاق لازم می‌باشد.

یکی از وظائف مؤسسه این است که به هر شرکت‌کننده کمک کند تا با سرعت خود در مطالعه کتاب‌ها پیشرفت کند. بنابراین هیچ محدودیت زمانی برای اتمام یک واحد تعیین نشده است. معمولاً گروه کوچکی از افراد که سرعت پیشرفتشان در یک حد می‌باشد خود بخود دور هم جمع شده و با هم مطالعه می‌کنند. آنها هر بخش را می‌خوانند - راجع به آن صحبت می‌کنند و تمرین‌هایش را چه به طور انفرادی و چه گروهی انجام می‌دهند. در این مرحله راهنما نکات مهم را خاطر نشان ساخته و در صورت لزوم به سؤالات جواب می‌دهد

واحدهای مربوط به دوره‌های متسلسل اصلی و مطالب سایر دوره‌هایی که از آن منشعب می‌شود همگی تأکید خاص در مطالعه آثار امری دارند. افزایش درک شرکت‌کنندگان از آثار مبارکه هدف اساسی مؤسسه روحی می‌باشد. البته به همان اندازه نیز به تطبیق تعالیم الهی در زندگی روزمره خود، حیات جامعه و به مراحل توسعه مداوم امر مبارک اهمیت داده شده است. از حفظ نمودن نصوص مبارکه اهمیت شایانی دارد ولی نباید کسانی را که این کار برایشان مشکل است تحت فشار قرار داد.

با وجودی که اجرای پروژه‌های ترویج و تحکیم از وظایف یک مؤسسه نیست، بعضی از واحدهای کتب روحی خواهان تجربه عملی در خدمات امری شخصی می‌باشد. مؤسسه روحی با همکاری سایر مؤسسات امری شرکت‌کنندگان خود را در مراحل اولیه خدمتشان همراهی می‌کند تا بتوانند آنچه را که آموخته‌اند به مرحله عمل بگذارند. در یک زمینه بخصوص از خدمت یعنی تعلیم و تربیت کودکان و نوجوانان همکاری مؤسسه بیشتر از جنبه تمرینی خواهد بود. در این مورد مؤسسه فعالیت شرکت‌کنندگانی را که تعلیم می‌دهد پیگیری کرده و وظایف اداری ترتیب کلاس‌های کودکان و نوجوانان را در سطح ناحیه‌ای به عهده می‌گیرد.

تمام مراحل تعلیمی مؤسسه روحی با روح همکاری و شادمانی اجراء می‌شود. این مراحل تعلیمی از یک نوع سادگی بخصوص برخوردار است. هیچ گونه آداب و تشریفات و یا مراحل مشخصی وجود ندارد که حتماً باید اجراء شود. شرکت‌کنندگان خود بخود با نظم و جدیت خاصی در تعلیم خود کوشا می‌شوند. این نظم و جدیت ثمره مقررات مستبدانه تحمیلی نیست بلکه از اشتیاق به فراگیری و میل به خدمت سرچشمه می‌گیرد.

اغلب بخش‌های بعدی این واحد به توضیح بیشتر در مورد بعضی از عناصر روش فوق‌الذکر اختصاص داده شده. در اینجا ممکن است مفید باشد در مورد نظریات ذیل با گروه خود مشورت کنید و چند جمله راجع به هر کدام بنویسید. با گذشت زمان خود متوجه خواهید شد که چگونه درک شما از این نظریات شکل می‌گیرد و تکامل می‌یابد.

۱. خدمت به عنوان یک راهنما \_\_\_\_\_

---

---

۲. پی‌گیری یک سلسله از دوره‌ها \_\_\_\_\_

---

---

۳. مشارکت در یک حلقه مطالعه \_\_\_\_\_

---

---

۴. افزایش درک خود از آثار مبارکه \_\_\_\_\_

---

---

۵. انجام تمرین‌هایی که در ضمن مطالب آمده \_\_\_\_\_

---

---

۶. عمل به مطالبی که هر شخص آموخته است \_\_\_\_\_

---

---

۷. تعلیم در سیستمی که انعطاف پذیر است. \_\_\_\_\_

---

---

## بخش یازدهم

اگر یک نکته بیانگر صفت مشخصه مؤسسه روحی است، جنبه انعطاف پذیری آن می باشد. البته حفظ یک سیستم از مقررات انعطاف ناپذیر کار آسانی نیست مخصوصاً که آن سیستم به طور گسترده در دنیا تحت شرایط مختلف مورد استفاده باشد. در اکثر ما این تمایل وجود دارد که یک سری مقررات غیر لازم برای کارهایی که در پیش می گیریم به وجود بیاوریم. البته این کار همیشه با نیت خیر همراه است و در واقع کمتر متوجهیم که تابع یک نوع تمایل طبیعی هستیم. صحبت خیالی ذیل که بین یک راهنمای کتاب ۷ و گروهی از شرکت کنندگان که تازه بخش های قبل این کتاب را به اتمام رسانده اند ممکن است به شما کمک کند تا با بعضی از این مقررات انعطاف ناپذیر آشنا شده و چگونگی اجتناب از آنها را یاد بگیرید.

- شرکت کننده اول: من کمی راجع به آنچه در بخش دهم مطالعه کردیم گیج شدم. در ابتداء وقتی که دوره اول روحی را شروع کردم به ما گفتند که ”روش روحی“ شامل یک سری مراحل است: اول یک نص از بیانات مبارکه خوانده می شود- هر کس یک سؤال راجع به بیانی که خوانده شده تهیه می کند- یک نفر دیگر به آن سؤال بر طبق نص مبارک جواب می دهد و بعد ما آن نص را حفظ می کنیم. فکر می کنم یکی دو مرحله دیگر هم بود ولی من الان آنها را به خاطر نمی آورم
- شرکت کننده دوم: من اول کتاب یک را در یک دوره سه روزه تمام کردم و در آن دوره همه چیز ثابت و معین بود. مقررات از اینکه چه کار می توانیم بکنیم و چه نمی توانیم بکنیم زیاد بود. من شخصاً خیلی لذت بردم زیرا که جو روحانی خوبی بود. ولی به خاطر دارم که بعضی از دوستان ناراحت شدند و بعد از اولین جلسه صبح، دوره را ترک کردند. چیزی که جالب است اینکه وقتی در یک حلقه مطالعه شرکت کردم و کتاب دوم را با سرعتی که خود گروه می خواست طی کردیم به همان اندازه از نظر روحانی به نشاط آمدم ولی بدون فشارهایی که در گروه قبل بود.
- شرکت کننده سوم: برای من جالب بود که در این واحد کلمه ”راهنما“ به ندرت در اشاره به شخصی استفاده شده است. در عوض عباراتی مثل ”عمل کردن به عنوان یک راهنما“ یا ”خدمت به عنوان راهنما“ مرتباً مشاهده می شود. من کتاب یک را با کسی تمام کردم که در واقع شخص کاملاً خاضعی بود ولی اصرار داشت که خود را ”مرئی روحی“ بخواند و به نظر می آمد که خودش از کسی به عنوان ”مدیر روحی“ تعلیم گرفته است.
- شرکت کننده چهارم: من در یک دوره هیجان انگیزی که برای تعلیم راهنماهای کتاب یک تشکیل شده بود شرکت کردم. ساعت های اول دوره فقط بازی های مختلف کردیم تا با یکدیگر آشنا شده به یکدیگر اعتماد کنیم. بعداً شخصی پیشنهاد کرد که احساسات و افکارمان را ”بیان“ کنیم. بنابراین چند ساعت بعد را مشغول صحبت از آنچه که در فکرمان بود شدیم. من فکر کردم که این جزو روش روحی بود و وقتی

حلقه‌های مطالعه خود را شروع کردم سعی کردم که همان برنامه را اجرا کنم ولی باید اعتراف کنم که خیلی از شرکت کنندگان خوششان نیامد.

• راهنما: فکر نمی‌کنم که هیچ یک از حالاتی که وصف نمودید در اصل اشتباه یا غیر مطلوب باشد. اشکال این است که به آنها به عنوان عناصر "روشن" روحی نگاه کنیم و اجازه دهیم که یک نوع مقررات انعطاف ناپذیر در سیستمی پیاده شود که در واقع ساده و مسرت بخش است و دارای حساسیت لازم برای احتیاجات مختلفه می‌باشد. به عنوان مثال همه به خاطر دارید که در اوائل کتاب یک روشی استفاده شده که در آن شرکت کنندگان سؤالات ساده‌ای از یکدیگر می‌نمایند. استفاده از این روش هدف آشکاری دارد و آن این است که به شرکت کنندگان در تمرکز آثار مبارکه کمک می‌کند. ولی زمانی که این عادت خودبخود به وجود آمد چه لزومی دارد روشی را ادامه دهیم که می‌تواند به آسانی تبدیل به یک حالت مکانیک وار شود. البته مواقعی خواهد بود چه در این واحد و چه واحدهای دیگر که استفاده از این تکنیک مفید خواهد بود ولی نباید آن را "روش روحی" نامید. تازه احتیاجی نیست که از همه خواست تا همان سؤال را یکی پس از دیگری تکرار کنند چون این طبیعتاً باعث دلزدگی آنها خواهد شد. معمولاً بعد از یک یا دو بار تکرار هدف تمرین به دست می‌آید.

در مورد مسأله بازی‌ها هم باید حساسیت به خصوصی به خرج داد. من مطمئنم که بسیاری از حلقه‌های مطالعه بازی‌هایی را که شما عنوان کردید، انجام نمی‌دهند ولی می‌دانم که حلقه‌های مطالعه دیگری هم هستند که دوست دارند آنها را جزو برنامه‌های خود قرار دهند. و اما راجع به مسأله "بیان کردن" افکار و احساسات خود - البته گروه‌هایی هستند که شرکت کنندگانش ممکن است احساس کنند که احتیاج دارند مدتی در مورد افکار و احساسات خود صحبت کنند تا بتوانند همدیگر را بهتر بشناسند ولی مسلماً این جزو شرایط لازمه یک حلقه مطالعه نمی‌باشد. در ضمن شنیده‌ام که حلقه‌های مطالعه نیز هستند که دوست دارند نامی برای خود انتخاب کنند و هویتی برای گروه خود مشخص نمایند. در این کار هم اشکالی نیست ولی این جزو شرایط دوره‌های روحی نمی‌باشد. البته مهم است شما درک کنید که مؤسسه روحی نمی‌تواند یک سری قوانینی که باید انجام داد و یا نباید انجام داد تعیین کند زیرا که این عمل خود، به انعطاف ناپذیری منجر می‌شود. بنابراین بیشتر این موارد به عهده راهنما گذاشته شده که تشخیص دهد چه فعالیت‌هایی را می‌توان به برنامه اضافه کرد تا در آموزش مطالب کمک کند.

## بخش دوازدهم

حال بیایید خصوصیات برجسته روش مؤسسه روحی را بررسی کرده با دقت دوره‌های متسلسل اصلی را بررسی نماییم. قبلاً خاطر نشان کردیم که این سلسله مثل تنه درختی است که از آن دوره‌های دیگر منشعب می‌شود و هر

یک از دوره‌ها معمولاً راجع به خدماتی است که غالباً بر اساس موقعیت‌های اجتماعی و یا فرهنگی مشخصی می‌باشد.

در قسمت‌های قبل این کتاب در ماهیت مسیر روحانی که هر یک از ما مطابق استعداد فردی طی می‌کنیم تفکر نمودیم. یکی از مسائلی که مؤسسه روحی در طول سالیان گذشته سعی نموده با آن مقابله نماید این است که چگونه می‌تواند به همراهان در طی این مسیر روحانی کمک کند. همان طور که می‌دانید مسئله مهم این است که نباید شرکت کنندگان را در این راه به زور به پیش برد. بلکه باید آنها را در مساعی شان همراهی نمود تا به طور منظم در مسیر خود ترقی کنند. مدت کوتاهی بعد از اینکه مؤسسه روحی تأسیس شد، به این نتیجه رسید که برای وصول به این هدف می‌بایست در قادر ساختن شرکت کنندگانش در انجام خدمات مخصوصه تمرکز نماید. از آن موقع به بعد مسیر تحت مطالعه "مسیر خدمت" عنوان شد.

بیانید جمله "من در مسیر خدمت قدم بر می‌دارم" را بررسی کنیم. هویت واقعی کلمه "من" در این جمله چیست؟ کیفیت و نوع این مسیر چیست؟ و گام برداشتن در این مسیر شامل چه چیزهایی می‌باشد؟

کتاب یک روحی به سؤال اول جواب می‌دهد. در آن کتاب سه جنبه هویت بهائی مورد بررسی قرار گرفته است: "واقعیت وجودی من روح من است که از این دنیا عبور می‌کند تا صفاتی را که برای سفری ابدی و شکوهمند به سوی خدا لازم دارد کسب نماید. ارزشمندترین لحظات زندگی من لحظاتی است که در گفتگو با خدا می‌گذرد، زیرا دعا و مناجات غذای روزانه روح است و روح من اگر بخواهد به مقصد عالی خود نائل گردد باید آن را دریافت دارد. یکی از علایق اصلی من در این زندگی آن است که آثار حضرت بهاءالله را مطالعه کنم، بکوشم درک خود را از تعالیم او افزایش دهم و بیاموزم که آنها را در زندگی روزانه خود و حیات جامعه بکار بندم." ایجاد آگاهی به این که در اصل اینها عوامل اصلی هویت بهائی است، هدف تعمق در حیات روح می‌باشد.

حال اگر سه واحد کتاب یک را با درک نکات فوق به دقت مورد بررسی قرار دهید توانایی شما در خدمت به عنوان یک راهنما افزایش می‌یابد. البته متوجه هستید که سه جنبه فوق‌الذکر در کتاب اول روحی بطور برعکس بحث شده است. علت آن است که مؤسسه به این نتیجه رسیده که این باعث می‌شود بصیرت انسان از حیاتی که تمرکزش بر خدا و امر است نه بر وجود خود او، افزایش یابد. اظهار نظرها و تمرین‌های ذیل به مشورت گروهتان در این موضوع کمک می‌کند.

واحد اول کتاب ۱ "درک آثار مبارکه بهائی" در بیانات یک خطی از آثار مبارکه تمرکز می‌کند. در مفهوم هر بیان و استفاده مستقیم آن در زندگی روزمره، تأکید می‌نماید بعلاوه اصرار بر این است که صحبت‌ها در سطح ساده‌ای انجام پذیرد. ولی سادگی به هیچ وجه مبنی بر سطحی بودن نمی‌باشد و در ضمن نباید آن را با تسهیل افراطی اشتباه





عقاید دنیوی فقط با نظریات زودگذر شکل می‌گیرد.

تصمیم‌ها در پرتو تعالیم الهی گرفته می‌شود.

برای رسیدن به توافق حتی در مورد ساده‌ترین مسائل، جامعه همیشه در حال تقلای شدید است.

برای ارزشیابی گفتار و اعمال مرتباً از معیارهای امری استفاده می‌شود.

خیلی مشکل است بین خوب و بد، راست و غلط تفاوت گذاشت، همه چیز نسبی است.

وحدت افکار و اعمال به سهولت در جامعه به وجود آمده و پیشرفت حاصل می‌شود.

تصمیم‌ها فقط مبتنی بر احساسات زودگذر گرفته می‌شود.

یک چهارچوب مناسب به وجود آمده که دنیا از آن طریق مشاهده می‌شود.

یکی از اهداف واحد بعدی کتاب اول رسیدن به این درک است که معنی زندگی کردن در حال دعا چیست. زندگی کردن در حالت دعا به این معنی نیست که تمام روز مشغول تلاوت آیات باشیم، بلکه دلالت بر این می‌کند که شخص در همه احوال در حال تضرع به حضرت احدیت و ملتمس عنایت و بخشش و کمک او باشد. ممکن است مفید باشد که واحد "دعا و مناجات" را دوباره مرور نمائید و متون و تمرین‌هایی را که فکر می‌کنید بیشتر به مساعی شرکت‌کنندگان برای رسیدن به این حالت کمک می‌کند مشخص نمائید.

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

واحد سوم "زندگی و مرگ" تمرکزش بر روی طبیعت واقعی زندگی ماست. مشخص کنید که کدام یک از تمرین‌های آن واحد بیشتر به شرکت‌کنندگان در توصیف هویت بهائی آنها کمک می‌کند.

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

## بخش سیزدهم

تا به حال مشاهده کردیم که چگونه کتاب یک ما را دعوت می‌کند که در مورد مفهوم کلمه ”من“ در جمله ”من در مسیر خدمت قدم برمی‌دارم“ تفکر کنیم. کتاب دوم ”قیام به خدمت“ شروع و بررسی این مسیر و چگونگی حرکت در آن می‌باشد.

در تنظیم دوره‌هایی که به شرکت کننده در تعیین و دنبال کردن یک مسیر خدمت کمک می‌کند، مؤسسه روحی چند امکان مختلف داشت. مثلاً می‌توانست شیوه معمول برنامه‌های تزئید معلوماتی را دنبال کند و معارف امری لازم شامل اصول امر، تعالیم روحانی و اجتماعی، تاریخ، قوانین و امور اداری را به شاگردان عرضه کند که در آن صورت انتظار بر این بود که این معارف به خودی خود باعث ترغیب شخص در قیام به خدمت امر شود. چیزی که علاوه بر تزئید معلومات لازم است، تعلیم مهارت‌های مخصوص و تقویت آنها با تشویق مداوم می‌باشد.

بعد از بررسی دقیق طرق مختلف، مؤسسه تصمیم گرفت که یک روش تعلیم و تربیتی را پیروی کند تا آنهایی که می‌خواهند زندگی خود را وقف خدمت امر کنند بتوانند هم زمان معارف، مهارت‌ها و خصوصیات لازم را کسب نمایند. با در نظر گرفتن این شرایط در روش خود، مؤسسه به شرکت کنندگان کمک می‌کند تا ضمن طی این مسیر با انجام خدمات مخصوص، یادگیری در مورد مسیر نیز حاصل شود.

وظیفه دشوار بعدی، مشخص نمودن اولین خدمت بود، خدمتی که بر اساس مفاهیم درک شده از کتاب اول باشد. البته مؤسسه امیدوار بود که با وجود اینکه مطالب کتاب ۱ بیشتر در مورد مسأله هویت بود اشتیاق فعالیت را نیز در شرکت کنندگان برانگیزد، مثلاً مطالعه آیات با سایر مؤمنین و یا انعقاد جلسات دعا و مناجات. در هر صورت سؤال این بود که آیا چه خدمتی را باید رسماً به عنوان خدمت کتاب دوم تعیین نمود؟

امکانات برای انتخاب زیاد بود مثل وظائف محافل روحانی محلی، تعلیم و تربیت اطفال، ضیافت نوزده روزه و به اجراء گذاشتن پروژه‌های تبلیغی - هر یک از اینها احتیاج به دوره‌هایی با مطالب و روش‌های مخصوص داشتند.

ولی مؤسسه توجّهش اختصاصاً به توسعه وسیع و مستمر امر مبارک بود. تجارب سالیان متمادی ثابت کرد که این توسعه مستمر و وسیع امکان پذیر نخواهد بود مگر اینکه برنامه‌های منظم برای تزئید معلومات مؤمنین که تعدادشان همواره در حال ازدیاد بود آماده باشد. یکی از این برنامه‌ها که موفقیت آمیز بود شامل یک سری ملاقات‌هایی بود که دوستان از خانواده‌های تازه تصدیق به عمل می‌آوردند، تا با آنها راجع به موضوع‌های مشخص و اساسی صحبت کنند که درک آنها را از امر مبارک زیاد نموده و باعث تحکیم ایمانشان بشود. این ملاقات‌ها از هزاران مؤمنینی که در ناحیه خدمت مؤسسه بودند به عمل می‌آمد و کاملاً واضح بود که این برنامه فقط زمانی می‌توانست دامنه فعالیت خود را گسترش دهد که تعداد بسیاری از دوستان برای انجام این کار با اعتماد به نفس کامل تعلیمات لازم را ببینند. بنابراین اولین خدمتی که مؤسسه انتخاب کرد در میان نهادن مطالب تزئید معلوماتی با مؤمنین تازه تصدیق بود.

برای پرورش این قابلیت و توانائی، واحد ۲ کتاب دوم "مطالبی برای تزئید معلومات" داستانی را ارائه می‌دهد که در آن شاگردان چندین ملاقات از منزل یک زوج تازه بهائی به عمل می‌آوردند که در طی این دیدارها بعضی از مواضع را مورد بحث قرار می‌دهند. در مناطقی که توسعه امر وسیع می‌باشد احتیاج شدید به این خدمت است ولی حتی در مناطقی که شاهد توسعه وسیع امر نبوده واحد ۲ خیلی مفید است زیرا شرکت کنندگان این دوره بصیرت و دید لازم را در مورد توسعه و تحکیم امر در سطح وسیع کسب می‌نمایند. ولی مهمتر از آن، مطالعه باعث تقویت دو استعدادی می‌شود که همگی باید در خود بهرورانییم: یکی توانائی صحبت در مطالب روحانی است و دیگری توانائی پرورش دیگران است. خیلی آسان می‌شود عادت کنیم که به تبلیغ مردم پردازیم ولی آنها را بعد از ایمان آوردن به حضرت بهاء الله به حال خود گذاریم.

بعضی از خصوصیات، حالات و توانائی‌هایی که به توانمندی ما در پرورش دیگران می‌افزاید در ذیل ذکر شده است. شاید مایل باشید واحد دوم (کتاب ۲) را مرور کنید و مواردی را که در داستان نمایانگر این خصوصیات، حالات و توانائی‌ها می‌باشند مشخص نمایید:

۱. سخاوت
۲. تواضع
۳. صداقت و خلوص نیت
۴. قابل اطمینان بودن

۵. صبر و حوصله
- 
- 
۶. مهربانی
- 
- 
۷. خوش بینی و امیدوار بودن
- 
- 
۸. اعتماد به توانایی افراد
- 
- 
۹. ارج نهادن به تنوع
- 
- 
۱۰. عدم تعصب
- 
- 
۱۱. آمادگی قبول نقص و اشتباه
- 
- 
۱۲. توانایی تشویق دیگران
- 
- 
۱۳. توانایی گوش دادن به دیگران
- 
- 
۱۴. توانایی شناخت استعدادهای شخص
- 
- 
۱۵. توانایی نشان دادن عشق و محبت
- 
- 
۱۶. توانایی نشان دادن حس اعتماد
- 
-

واحد سوّم کتاب دوم ”معرفی عقاید بهائی“ مربوط به یک خدمت بخصوص نیست بلکه در مورد مهارت‌ها و عادت‌هایی می‌باشد که برای تبلیغ امر مبارک لازم هستند. هدف این واحد کمک به شرکت‌کننده است که توانایی گنجاندن مواضع بهائی را در صحبت‌های خود کسب نماید. همگی ما نیازمندیم که این عادت را در خود پیورانیم که در مورد جنبه‌های مختلف امر به طور طبیعی صحبت کنیم. هر چه این عادت را بیشتر در خود پیورانیم کمتر فکرمان پراکنده خواهد بود و با ثبات و هماهنگی بیشتری عمل خواهیم نمود. پیشنهاد می‌شود چند نمونه که در نتیجه مطالعه واحد ۳ از کتاب ۲، توانستید بعضی از مباحث بهائی را در صحبت‌های خود بگنجانید با گروهی که اکنون این واحد را مطالعه می‌کنید در میان گذارید.

در اوائل ارائه محتویات واحد ۲ (کتاب ۲) مؤسسه روحی متوجه شد که بعضی از دوستان در ملاقات با تازه تصدیقان پشتکار مستمر نشان می‌دادند ولی بعضی‌ها بزودی خدمات خود را قطع می‌کردند. به نظر می‌آید که این تفاوت به خاطر این بود که آنهایی که پشتکار نشان می‌دادند صرفاً از نفس تبلیغ کردن لذت می‌بردند و فعالیت‌هایشان به خاطر نتایج فوری نبود. واحد اول کتاب ۲ ”شوق تبلیغ“ برای بررسی این مسأله طرح شد. همان طور که در قسمت مقدمه ”همکاران گرامی“ درج شده آن واحد سلسله نظریات ذیل را بررسی می‌کند. این نظریات را بخوانید و راجع به آنها در رابطه با خدمات خود به عنوان یک راهنمای حلقه مطالعه تفکر کنید. یک پاراگراف کوتاه در مورد اینکه چگونه این خدمت باعث سرور دائمی قلب شما خواهد بود، بنویسید.

۱. وقتی مشغول تبلیغ امر هستیم از فیض الهی خاصی بهره‌مند می‌باشیم - و آن ارائه کلمات الهی نازله از قلم مبارک حضرت بهاءالله به دیگران می‌باشد. این فیض الهی وجود ما را از سرور روحانی سرشار می‌کند.
۲. آثار حضرت بهاءالله را می‌توان به بحری تشبیه کرد که در عمق آن گهرهای هدایت ربّانی نهفته است. ما باید تا آنجایی که ممکن است جهد نمائیم تا خود را به ساحل این بحر رسانیم و از آن بهره‌مند شویم.
۳. بحر آثار حضرت بهاءالله بی اندازه به ما نزدیک است. فقط اگر اراده نمائیم می‌توانیم خود را در یک چشم به هم زدن به ساحل آن برسائیم.
۴. حال که از فیض شناخت مظهر ظهور مستفیض شده‌ایم می‌خواهیم که دیگران را هم از گهرهای هدایت ربّانی که در آثار حضرت بهاءالله نهفته بهره‌مند کنیم. در این کار از قدرت کلمات خود آن حضرت استفاده می‌کنیم زیرا فقط آن کلمات است که می‌تواند تقلیب قلوب نماید.
۵. از تمام فعالیت‌های روزانه لحظاتی که آثار الهی را به دیگران ارائه می‌دهیم دارای ارزش مخصوص است.
۶. لذتی که در موقع تبلیغ امر قلوبمان را سرشار می‌کند از خود تبلیغ سرچشمه می‌گیرد - و آن بهره‌مند کردن دیگران از کلمات الهی نازله از قلم حضرت بهاءالله است. اگر فکر خود را متوجه چیزهای دیگر مثل تحسین شدن و یا شهرت پیدا کردن نمائیم این لذت از بین می‌رود. انقطاع یکی از خصوصیات تبلیغ مسرت بخش است.



هدفشان تدریس کلاس‌های کودکان نیست. اما تربیت روحانی کودکان مسأله‌ای است که مورد توجه هر شخص بهائی می‌باشد. ما به عنوان پدر و مادر، برادر یا خواهر، عضو جامعه و یا عضو تشکیلات می‌بایستی به این مسؤلیت بی اندازه خطیر توجه کامل داشته باشیم. در پیام رضوان سال ۲۰۰۰ بیت العدل اعظم می‌فرمایند:

”در دارائی یک جامعه کودکان گرانبهارترین گنجینه‌اند زیرا اطفال امید و ضامن آینده‌اند. کودکان حامل بذرهایی هستند که خصوصیات جامعه فردا را در بر دارد، خصوصیات که بیشتر در اثر رفتار بزرگسالان، یا در اثر قصور و کوتاهی‌های آنان، شکل می‌پذیرد. کودکان اماناتی هستند که هر جامعه‌ای که آنها را نادیده گیرد نمی‌تواند از کیفر چنین غفلتی در امان بماند. محبت همه جانبه به اطفال، نحوه رفتاری که با آنان داریم، کیفیت توجهی که به آنها مبذول می‌کنیم، طرز سلوک و رفتار بزرگسالان نسبت به کودکان، همه عبارت از جنبه‌های حیاتی طرز توجه و تلقی مورد لزوم است. محبت لازمه‌اش انضباط است و شهامت اینکه کودکان را به سختی عادت دهیم، نه اینکه اطفال را به هوی و هوس خود واکذاریم تا کاملاً خودرو بار آیند. باید محیطی به وجود آورد که اطفال احساس کنند به جامعه تعلق دارند و در اهداف و مقاصد جامعه شریک و سهیم گردند. باید با محبت و پافشاری اطفال را راهنمایی نمود تا مطابق اصول و موازین امری زندگی کنند و امر بهائی را فراگیرند و آن را به نحوی که با شرایط آنان سازگار باشد تبلیغ نمایند.“<sup>۶</sup>

وقتی که به عنوان راهنمای کتاب سوم خدمت می‌کنید باید متوجه باشید که اعضای حلقه مطالعه علاقه‌ها و استعداد‌های مختلف و متفاوت دارند. افرادی خواهند بود که این خدمت را سالیان متوالی انجام خواهند داد. بعضی ممکن است بخواهند که این درس را فقط به یک کودک مثلاً فرزند خودشان، خواهر یا برادر و یا طفل همسایه تدریس کنند. در صورتی که بقیه ممکن است فقط بخواهند خود را با مسأله‌ای که همیشه یک جزو اساسی زندگی جامعه بهائی خواهد بود آشنا سازند. شما باید تمام این اهداف را تشویق کنید و هر شرکت کننده را در وصول به هدف خویش کمک نمائید.

برای اینکه راهنمای مؤثری برای این کتاب باشید باید ۳ واحد آن را به دقت بررسی کنید. واحد اول مربوط به تعالیم عمومی در باره تعلیم و تربیت بهائی است. اگر چه اصول آن با هر نوع سیستم تعلیم و تربیتی مرتبط است ولیکن در اینجا در رابطه با پرورش اخلاق مورد بررسی قرار گرفته است. کوشش در راه پرورش و ساختن شخصیت البته می‌تواند صور مختلف داشته باشد. امروزه مریدان در تمام نقاط دنیا تأکید بیشتری در تربیت اخلاقی دارند. معمولاً این مسأله را با دیدی غیرمذهبی عنوان می‌کنند و سعی می‌نمایند خصوصیات را که به نظرشان یک انسان خوب باید دارا باشد تدریس کنند. جوامع بهایی که همیشه مشتاق همکاری با گروه‌ها و جوامع همفکر هستند سعی خود را می‌کنند که تا حد ممکن به این گونه خدماتی که رسماً به وسیله اداره آموزش و پرورش کشور به عهده گرفته می‌شود کمک کنند. البته باید به خاطر سپرد که بین دروس اخلاقی مراجع کشوری و پرورش خصوصیات روحانی در ظل تعالیم نازله حضرت بهاء‌الله تفاوت زیاد می‌باشد. همین طور که واحد ”برخی از اصول تعلیم و تربیت بهائی“ را بررسی می‌کنید باید به خاطر داشته باشید که هدف کلاس‌های بهائی برای کودکان تعلیم و تربیت روحانی است که



شامل پرورش اخلاقی آنها هم می‌باشد. آیا می‌توانید لیستی از مفاهیم اصلی این واحد تهیه کنید که انتظار می‌رود کسانی که خود را برای تدریس کلاس اول آماده می‌نمایند، آنها را درک کنند؟

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

واحد دوم "درس‌هایی برای کلاس‌های کودکان، سال اول" شامل ۱۵ درس است که هر کدام بر روی یک خصوصیت روحانی تمرکز می‌کند. ممکن است این درس‌ها را مختصراً مطالعه نمائید و لیستی از خصوصیات ذکر شده تهیه کنید و بعداً یک یا دو جمله راجع به نقشی که عناصر مختلفه در هر درس مثل از حفظ کردن، آهنگ و موسیقی، نقل داستان، بازی و نقاشی کردن در پرورش اخلاق ایفا می‌کند بنویسید.

_____	درس اول:	_____	درس نهم:
_____	درس دوم:	_____	درس دهم:
_____	درس سوم:	_____	درس یازدهم:
_____	درس چهارم:	_____	درس دوازدهم:
_____	درس پنجم:	_____	درس سیزدهم:
_____	درس ششم:	_____	درس چهاردهم:
_____	درس هفتم:	_____	درس پانزدهم:
_____	درس هشتم:	_____	

از حفظ کردن مناجات و نصوص مبارکه:

---

---

---

آهنگ‌ها:

---

---

---

داستان‌ها:

---

---

---

بازی‌ها:

---

---

---

نقاشی:

---

---

---

حال به واحد سوّم ”اداره کلاس‌های کودکان“ نظر کنید و راجع به مفاد آن تفکر نمایند. یکی از مسائلی که در مورد آن صحبت شده نظم و انضباط است. در ذیل چند عبارت ذکر شده است. مشخص نمایند کدام یک از عبارات ذیل با مفهوم انضباط به نحوی که در آن واحد ذکر شده مطابق می باشد:

\_\_\_ انضباط باید سخت و خشن باشد.

\_\_\_ انضباط حقیقی و همیشگی باید از درون وجود شخص سرچشمه گیرد.

\_\_\_ آزادی واقعی لازمه اش انضباط نفس است.

\_\_\_ وقتی انضباط تحمیل شود، قوه خلاقه را از بین می برد.

\_\_\_ انضباط قوه ابتکار را از افراط گری و تکرار اشتباهات حفظ می کند.

\_\_\_ اگر معلّمی در وجود شاگردانش عشق الهی را القاء نماید احتیاجی به مقرّرات و انضباط نخواهد بود.

\_\_\_ بدون انضباط پرورش خصوصیات روحانی غیر ممکن است.

\_\_\_ کودکان احتیاج به آزادی دارند تا بتوانند برای خود چیزهایی کشف کنند- انضباط فقط می تواند مانع مراحل کشف و یادگیری شود.

\_\_\_ در محیط با انضباط کودکان رشد می کنند و قدرت یادگیری آنها بهتر می شود.

\_\_\_ افراد با داشتن حالت تواضع در یادگیری، حکمت کسب می کنند. انضباطی که با این حالت یادگیری ایجاد می شود انسان را از ترس اشتباه بودن رها می سازد و راه را برای استفاده از قوه ابتکار باز می کند.

\_\_\_ صداقت عمل، چهارچوبی از نظم و انضباط برای پیشرفت فردی و اجتماعی مهیا می سازد.

\_\_\_ برقراری انضباط به هیچ وجه شامل خشونت و آزار نیست چه روحی باشد و چه جسمانی، زیرا که خشونت اساساً با شرافت روح انسانی مغایر می باشد و به پیشرفت عالم انسان صدمه می زند.

سؤال ذیل را با گروه خود در میان گذارید: چگونه مفهوم انضباط با حلقه مطالعه که هر یک از شما تشکیل داده اید و یا در آینده تشکیل خواهید داد مرتبط است. البته باید در نظر داشته باشید که این گروه ها شامل نوجوانان و بزرگسالان است نه کودکان.

## بخش پانزدهم

حال که دو خدمت شایسته را در کتاب های ۲ و ۳ بررسی کردیم بیائید به کتاب بعدی در دوره های متسلسل اصلی مؤسسه نظر افکنیم که در اینجا هم خدمت اصلی رابطه با هویت فرد بهائی دارد، یعنی کلمه ”من“ در عبارت ”من در مسیر خدمت قدم بر می دارم“ تاریخ در پرورش هویت فرد و جامعه نقش مؤثری ایفا می کند. وقتی تماس با تاریخ قطع می شود سردرگمی به وجود می آید و مردم مثل درختان بدون ریشه می شوند. ولی حال که نظم قدیم در حال از هم پاشیدن است و نظم جدیدی در حال خلق شدن، سؤال ما اینست که آیا در کجا افراد می توانند ریشه های تاریخی خود را بیابند؟ این برای بیشتر مردم سؤال سختی می باشد ولی برای بهائیان جواب آن کاملاً ساده است: ما می بایستی عناصر هویت خود را در حوادث بيشماری که بعد از آن شب سرنوشت ساز اظهار امر حضرت ربّ اعلی به ملاّ حسین باعث پیشرفت امر مبارک شد جستجو کنیم.

کتاب چهارم روحی ”دو مظهر ظهور الهی“، به مطالعه زندگی حضرت ربّ اعلی و حضرت بهاء الله اختصاص داده شده است. در واحد اول اهمیت این یوم، یوم الله، به طور خلاصه بررسی شده. واحد ۲ و ۳ شرکت کننده را با دوره رسالت این دو وجود مقدّس آشنا می سازد. مفهوم روحانی حوادث به وسیله مطالعه بیانات مربوطه مورد تأکید قرار گرفته است. همان طور که در قسمت ”همکاران گرامی“ کتاب ذکر شده شرکت کنندگان تشویق شده اند تا یاد بگیرند که تاریخ را با ذکر بعضی از جزئیات آن بازگو نمایند. پرورش مهارت های لازم برای انجام این خدمت یکی از اهداف کتاب را تشکیل می دهد.



متذکر شد که همه شرکت کنندگان حلقه مطالعه شما معلمان رسمی کلاس‌ها نخواهند بود. ولی با وجود این برای همه اعضای گروه مهم است که این بخش‌ها را مطالعه کنند و افرادی که تجربه دارند مطالبی را که یاد گرفته‌اند با دیگران در میان گذارند.

کتاب سی درس به معلم ارائه می‌دهد. انتظار می‌رود این دروس را با موقعیتهای مخصوص کلاسی که اداره می‌کند تطبیق دهد. ۱۵ درس اول مشابه دروس کتاب سوم است چون هر درس هدفش پرورش خصوصیات روحانی می‌باشد. اما ۱۵ سری دوم کودکان را با زندگی حضرت نقطه اولی و حضرت بهاء الله آشنا می‌سازد. این دروس جزئیات تاریخی زندگانی حضرت ربّ اعلی و حضرت بهاء الله را ارائه نمی‌دهد بلکه به کودکان کمک می‌نماید تا ذره ای از مقام و رسالت این دو مظهر امر الهی را درک نمایند. بنابراین از طریق این دروس کودکان شروع به کسب معارف در مورد مظاهر ظهور الهی کرده و به سرچشمه خوبی و نیکی پی می‌برند.

همان طور که ۳۰ درس را امروز با گروهتان مرور می‌کنید سعی نمائید که مفادش را نه تنها در رابطه با تجربیات خود بلکه با تجربیات جوامع محلی در ناحیه خود بررسی نمائید. کتابهای مخصوص تعلیم معلم برای کلاس‌های بعدی یکی از شعبات مخصوصی را تشکیل خواهد داد که بعد از کتاب ۵ از دوره‌های متسلسل اصلی منشعب می‌شود. وقتی که این کتب آماده شد و در دسترس جوامع قرار گرفت جوامع بیشتری میتوانند از وجود تعداد زیادی از معلمان استفاده نموده و همزمان کلاسهای برای سنین مختلف کودکان در یک محل تشکیل دهند. البته ایده آل این است که این هدف هر چه زودتر انجام پذیرد. ان شاء الله شما بتوانید این احساس نیاز مبرم را به شرکت کنندگان حلقه مطالعه خود انتقال دهید. در حال حاضر پیشنهاد می‌شود که ۱۵ درس اول کتاب ۵ را مرور نموده و لیستی از خصوصیات آنی که در هر درس مطرح شده تهیه کنید.

_____	درس اول:	_____	درس نهم:
_____	درس دوم:	_____	درس دهم:
_____	درس سوم:	_____	درس یازدهم:
_____	درس چهارم:	_____	درس دوازدهم:
_____	درس پنجم:	_____	درس سیزدهم:
_____	درس ششم:	_____	درس چهاردهم:
_____	درس هفتم:	_____	درس پانزدهم:
_____	درس هشتم:	_____	

بعد لیستی از مفاهیمی که ۱۵ درس بعدی بر آن اساس تنظیم شده، تهیه نمائید:

_____	درس شانزدهم:
_____	درس هفدهم:
_____	درس هیجدهم:

- \_\_\_\_\_ درس نوزدهم:
- \_\_\_\_\_ درس بیستم:
- \_\_\_\_\_ درس بیست و یکم:
- \_\_\_\_\_ درس بیست و دوم:
- \_\_\_\_\_ درس بیست و سوم:
- \_\_\_\_\_ درس بیست و چهارم:
- \_\_\_\_\_ درس بیست و پنجم:
- \_\_\_\_\_ درس بیست و ششم:
- \_\_\_\_\_ درس بیست و هفتم:
- \_\_\_\_\_ درس بیست و هشتم:
- \_\_\_\_\_ درس بیست و نهم:
- \_\_\_\_\_ درس سی ام:

با شرکت کنندگان گروهتان راجع به اینکه چگونه عناصر مختلفه سری دوم ۱۵ درس در درک مفاهیم به کودکان کمک می‌کند بحث نمائید و افکار خود را بنویسید.

\_\_\_\_\_ مقدمه کتاب:

\_\_\_\_\_ سؤالات:

\_\_\_\_\_ از حفظ کردن مناجات و بیانات مبارکه:

\_\_\_\_\_ آهنگ‌ها:

\_\_\_\_\_ حوادث تاریخی:

حقایق:

---

---

نمایش:

---

---

نقاشی:

---

---

## بخش هفدهم

قدم برداشتن در مسیر خدمت در طول زندگی هر فرد مستلزم تبلیغ است. همان طور که قبلاً در موارد متعددی متذکر شدیم تبلیغ امر مبارک فقط نباید در مواقع معین صورت گیرد. اگر چه انتشار امر مبارک حضرت بهاء الله یکی از اساسی ترین خدماتی است که می توانیم انجام دهیم، ولیکن باید دانست که تبلیغ یک حالت بودن است، حالتی که ضمن آن به طور مداوم دیگران را از فضل بی منتهائی که به ما عنایت شده بهره مند می سازیم. با این بینش موضوع ”بودن“ و ”عمل کردن“ مطلبی است که در تمام سه واحد کتاب ششم بررسی می شود. به عنوان یک راهنما شما مسؤول هستید مطمئن شوید که شرکت کنندگان حلقه مطالعه شما وابستگی متقابل این دو موضوع را به یکدیگر کاملاً متوجه شده اند.

باید برایتان واضح باشد که قابلیت تبلیغ امرالله چه از طریق برنامه های شخصی و چه از طریق برنامه های عمومی نمی تواند فقط در یک دوره پرورش یابد. شرایط مردم در محل های مختلف به طور قابل ملاحظه متفاوت می باشد و هر فرهنگ، گروه سنی، و شرایطی دشواری های مخصوص به خود را به مبلغ ارائه می دهد. ولی با وجود این یک سری حقایق کلی وجود دارد که می توان قابلیت ها را بر روی آن بنا نمود و این حقایق است که هسته مرکزی کتاب ۶ را تشکیل می دهد.

در تلاش خود برای کمک به دوستان در پرورش این قابلیت لازم است که قسمت ”همکاران گرامی“ را به دقت بخوانید و مطالب آن را با آنها بی که می خواهند راهنمایان مؤثر کتاب ۶ شوند در میان گذارید. البته آشنایی کامل شما با سه واحد کتاب ۶ ضروری می باشد و برای این منظور لازم است که هر یک از واحدها را به دقت بررسی کنید و مفاهیم، خصوصیات، حالات و مهارت های مختلفی که مورد بررسی قرار گرفته مشخص نمایید. برای شروع می توانید دو تمرین ذیل را انجام دهید.

یکی از اهداف کتاب این است که بر اساس آثار الهی نظریات مختلف راجع به کیفیت امر تبلیغ و اینکه چگونه می‌توان آن را عنوان کرد بررسی شود. ذیلاً بعضی از نظریاتی که ممکن است شرکت کنندگان حلقه مطالعه شما در موقع شروع کتاب ۶ در مورد تبلیغ داشته باشند عنوان شده است. طرز تفکر آنها در آخر دوره چگونه عوض خواهد شد؟ آنچه را که ممکن است در نتیجه مطالعه این کتاب فرا گرفته باشند، بنویسید.

۱. "فقط کسانی که در معارف امریه فاضل هستند باید تبلیغ کنند."

---

---

۲. "قبل از اینکه تبلیغ کنیم باید صبر کنیم تا کاملاً و عمیقاً معلومات کسب کنیم."

---

---

۳. "هر چند وقت یک بار با شرکت کردن در پروژهای تبلیغی و وظیفه تبلیغی خود را انجام می‌دهیم و برنامه‌های شخصی تبلیغی لازم نداریم."

---

---

۴. "مسأله مهم اینست که باید مطالب صحیح را به مبتدی ارائه داد - حالت روحانی مبلغ در مرحله دوم اهمیت است."

---

---

۵. "حالات معنوی مبلغ است که در واقع اهمیت دارد. بنابراین تا کاملاً خصوصیات یک بهائی واقعی را کسب نکرده‌ایم نباید مشغول به تبلیغ شویم. و وقتی به آن مرحله رسیدیم اعمالمان بهترین مبلغ خواهد بود و احتیاجی به بیان کردن ندارد."

---

---

۶. "طریقه‌ای که پیام خود را ارائه می‌دهیم تنها چیزی است که حائز اهمیت می‌باشد."

---

---



۷. تبلیغ امر مثل این است که اشخاص را به عضویت در یک نهضت اجتماعی دعوت می‌کنیم. کافی است که فقط تعالیم امر را با مردم در میان گذاریم زیرا فقط تعالیم امر باعث جلب آنها خواهد شد.

---

---

۸. “آمادگی مخصوصاً در میان توده مردم زیاد است، کاری که باید بکنیم این است که آنها را گروه گروه تبلیغ نمائیم. از آنجائی که مطالب را عمیقاً درک نمی‌کنند باید فقط چند نظریه جالب راجع به امر به آنها معرفی کنیم تا امر را قبول کنند.”

---

---

۹. ”در توسعه وسیع امر مسأله تزئید معلومات در مرحله دوم اهمیت است زیرا که نسل‌ها باید بگذرد تا مردم عوض شوند نکته‌ای که باید در آن دقت کنیم این است که تعداد زیادی از آنها عضویت جامعه بهائی را قبول کنند.”

---

---

حال پیشنهاد می‌شود کیفیت ارائه امر را به مبتدی در نظر بگیرید. کتاب ۶ نمونه‌ای از معرفی امر را به صورت داستان بین آن و امیلیا پیشنهاد می‌کند. مطمئناً نحوه‌ای که آن پیام حضرت بهاء الله را به امیلیا ارائه می‌دهد در همه شرایط مناسب نخواهد بود. این نکته باید کاملاً به وسیله شرکت کنندگان حلقه مطالعه شما درک شود. به عنوان یک راهنما باید خاطر نشان سازید که شرکت کنندگان در مورد نحوه‌ای که خودشان امر را به مبتدیان‌شان معرفی می‌کنند تفکر نمایند. ولی چیزی که لازم به توجیه است این که هر طریق ممکن برای معرفی امر نمی‌تواند مؤثر باشد. بررسی نحوه‌ای که آن امر را به امیلیا معرفی می‌کند به شرکت کنندگان در درک این مسأله کمک می‌کند. تمام نحوه‌های مؤثر معرفی امر دارای خصوصیات معین مشترکی می‌باشند. با در نظر گرفتن نحوه معرفی آن، مشخص نمائید که کدام یک از عبارات ذیل خصوصیات یک نحوه مؤثر است و کدام یک از عبارات حتماً مؤثر نیستند.

یک نحوه ارائه مؤثر:

- صریح و قابل درک است
- بلی  خیر
- روشن و واضح است
- بلی  خیر
- حالت صادقانه دارد.
- بلی  خیر
- قدرت ایمان مبلغ را بیان می‌کند.
- بلی  خیر

- تمرکزش در حضرت بهاء‌الله به عنوان مظهر ظهور الهی می‌باشد و  
صراحتاً تعالیم ایشان را به عنوان منبع نکات بیان شده مشخص  
می‌نماید.  بلی  خیر
- ذکر اینکه قوانین در امر وجود دارد و توضیح اینکه اطاعت از این  
قوانین لازمه حیات فرد بهائی است.  بلی  خیر
- توضیح واضح در باره نظم اداری و لزوم اطاعت از این نظم.  
هیاکل مقدسه امر بهائی را معرفی می‌نماید  بلی  خیر
- تا اندازه‌ای تاریخ امر را شرح می‌دهد که رابطه‌ای بین شنونده و دو  
مظهر ظهور الهی به وجود آورد.  بلی  خیر
- از بررسی طولانی و دقیق رابطه حضرت بهاء‌الله با مظاهر ظهور قبل  
اجتناب می‌کند.  بلی  خیر
- شور و شوق نشان می‌دهد  بلی  خیر
- به وفور از آثار مبارکه استفاده می‌کند.  بلی  خیر
- از مثال‌ها استفاده می‌کند  بلی  خیر
- منطقی است.  بلی  خیر
- سعی می‌کند هم قلب و هم عقل مبتدی را جذب نماید.  بلی  خیر
- روشن می‌سازد که بهائی شدن مسؤلیت‌هایی را هم به همراه دارد.  بلی  خیر
- از تحمیل کردن جزئیات اضافی به مبتدی اجتناب می‌کند  بلی  خیر
- پیامش دعوت‌کننده است.  بلی  خیر
- نمایانگر ایمان به استعداد مبتدی در شناخت مظهر ظهور الهی است.  بلی  خیر
- خیلی مصرّ است  بلی  خیر
- در جزئیات تمرکز می‌کند.  بلی  خیر
- با احساسات مبتدی بازی می‌کند  بلی  خیر
- مجادله‌آمیز است.  بلی  خیر

- دلالت بر این می کند که جامعه بهائی امروزه کاملاً بی نقص است.  بلی  خیر
- از ترس و وحشت مبتدی استفاده می کند.  بلی  خیر
- مبهم است.  بلی  خیر
- بیشتر مبتنی بر بشارات کتب الهی است.  بلی  خیر

## بخش هیجدهم

ما شش کتاب اول مؤسسه روحی را مرور نموده ایم. امیدواریم که این مرور کمکی در درک مفهوم عبارت "قدم برداشتن در مسیر خدمت" کرده باشد. کتاب هفتم را که اکنون مطالعه می کنید به خدمتی بسیار مهم در اداره خود مؤسسه اختصاص داده شده - خدمتی که به عده ای از دوستان کمک می نماید تا شش کتاب اول دوره های متسلسل اصلی مؤسسه روحی را به اتمام برسانند. این تسلسل با کتاب های دیگر ادامه خواهد داشت ولی لازم نیست که آنها را در اینجا بررسی کنیم. آنچه ممکن است مفید باشد این است که بعضی از دوره های فرعی که از این رشته اصلی منشعب می شوند را در اینجا مختصراً مورد بحث قرار دهیم. این نوع از دوره ها معمولاً مخصوص موقعیت ها و یا احتیاجات بخصوصی طرح شده اند. چند مثال یک تصویر کلی از مطلب را ارائه می دهد.

- همین طور که تعداد بیشتری از مردم دوره های مؤسسه روحی را به اتمام می رسانند و مطالبی را که یاد گرفته اند در خدمت به جامعه خود به کار می برند موقعیت های جدیدی از خدمات خود بخود به وجود می آید. مثلاً در خیلی از قسمت های دنیا مطالعه کتاب یک، دوستان را به تشکیل جلسات دعا در جامعه خود برمی انگیزد. یک محفل ملی و یا شورای منطقه ای به احتمال زیاد چنین فعالیتی را تشویق و تقویت می کند. زمانی که تجربیاتی در این خدمت کسب شد مؤسسه آن کشور و یا منطقه ممکن است مأمور شود که موارد موفقیت آمیز را تشخیص دهد، مؤثرترین روش ها را بررسی کند و یک دوره کوتاه در مورد تشکیل جلسات دعا در جامعه های محلی ترتیب دهد. این دوره که شاید هم خیلی کوتاه باشد در واقع می تواند اولین دوره فرعی منشعب از کتاب ۱ باشد. همه کسانی که کتاب ۱ را مطالعه می کنند ممکن است مایل به تشکیل این جلسات نباشند ولی ممکن است حداقل به یک یا دو نفر از شرکت کنندگان کمک کرد تا این خدمت را انجام دهند. دوره فرعی دیگر این شاخه می تواند دوره ای باشد که دقایق لطیفه و مهمه نماز کبیر را توضیح دهد.
- شعبه دوم ممکن است بعد از کتاب ۲ به وجود بیاید. همان طور که می دانید در خاتمه واحد دوم کتاب ۲ شرکت کنندگان تشویق شده اند که یک جلسه تزئید معلومات برای بهائیان تازه تصدیق تشکیل دهند. در کشورهای جنوب شرقی آسیا با استفاده از تجربیات آن نقاط و نقاط دیگر مطالبی تهیه شده که در طول

یک سری جلسات آگاهی دوستان را در مسأله تساوی حقوق زن و مرد افزایش می‌دهد. این مطالب که تا بحال به وسیله چندین مؤسسه در سراسر دنیا استفاده شده کاملاً مؤثر شناخته شده است. دوباره می‌بایستی متذکر شد که همه شرکت کنندگان که کتاب ۲ را مطالعه می‌کنند ممکن است مایل نباشند که در این کلاس‌ها شرکت نمایند و گروه‌هایی برای مطالعه آنها در جامعه محلی خود تشکیل دهند ولی مسلماً در هر حلقه مطالعه چند نفری خواهند بود که مشتاق به انجام این خدمت باشند. به علاوه در ادامه همان شاخه ممکن است دوره‌هایی تشکیل شود تا افرادی را تعلیم دهد که علاقه‌مند به خدمات مختلفی برای پیشرفت زنان هستند.

- یک سری دوره‌های دیگر که ممکن است بعد از اتمام کتاب ۲ منشعب شود می‌تواند در رابطه با تعلیم بهداشت عمومی باشد. در افریقا سلسله دوره‌هایی در سطوح مختلف برای تعلیم کسانی که می‌خواهند در رشته‌های بهداشت اولیه کارکنند در حال تهیه است. نخستین دوره این واحد تمرکزش در تعلیم یک مربی بهداشت خانوادگی است - شخصی که تعلیم می‌بیند می‌تواند چندین عضو یک فامیل را در جایی جمع کند و بعضی از مسائل اولیه بهداشتی را به آنها توضیح دهد که آنها بتوانند در بهبود بهداشت و سلامت بقیه افراد فامیل کمک کنند. تعدادی از مؤسسات مختلف در سراسر دنیا مخصوصاً در کشورهایی که بهداشت عمومی ضعیف می‌باشد به احتمال زیاد این شعبه از دوره‌ها را تهیه نموده و تعلیم می‌دهند.

- شاخه‌ای که خود مؤسسه روحی توسعه می‌دهد شامل دوره‌هایی برای تعلیم معلمان درس اخلاق می‌باشد. همان طور که می‌دانید کتب ۳ و ۵ در سلسله اصلی دوره‌های مؤسسه هدفش پرورش معلومات، مهارت‌ها و خصوصیات لازم برای اداره کلاس کودکان شش و هفت ساله می‌باشد. همانطور که قبلاً توضیح داده شد تربیت روحانی کودکان به قدری مهم است که تمام آنهایی که کتب مؤسسه را مطالعه می‌کنند در کسب تجربه در این مورد و توسعه این خدمت تشویق شده‌اند - حتی اگر این تجربه در تدریس یک یا دو طفل در خانواده خودشان باشد و در پیشرفتش سهم بسزائی داشته باشد. ولی همه کسانی که دوره‌های اصلی را به پایان می‌رسانند ممکن است مایل به ادامه خدمت در این زمینه نباشند. بنابراین بعد از کتاب ۵ شعبه‌ای به وجود خواهد آمد که شامل دوره‌هایی برای تعلیم معلمان کودکان هشت ساله به بالاتر می‌باشد. این دوره‌ها تدریجاً پیچیده‌تر خواهد شد تا اینکه بعد از اتمام سری کامل آن معلمان درک و بصیرت جامعی در زمینه تعلیم و تربیت کسب نمایند.

- مثال دیگر دوره‌هایی هستند که بعد از اتمام کتاب ۶ می‌توانند از دوره اصلی منشعب شوند. دوره‌های این شاخه تمرکزش در پرورش دانش، مهارت‌ها و خصوصیات و روش‌های لازم برای در میان گذاشتن پیام امر با گروه‌هایی مخصوص می‌باشد. کتاب ۶ مسائل عمومی امر تبلیغ را مورد بحث قرار می‌دهد. بعد از اتمام آن شاگردان می‌توانند از بررسی شرائط و امکانات تبلیغ برای گروه خاصی، بهره‌مند شوند. مثلاً بخش شانزدهم واحد دوم بعضی از روش‌هایی را که شاگردان باید در موقع معرفی امر مبارک اتخاذ نمایند مورد بررسی قرار می‌دهد ولی مفهوم مسائلی که مورد بحث قرار گرفته می‌تواند در فرهنگ‌های مختلف متفاوت باشد. به

عنوان مثال مسأله بحث‌انگیز بودن و یا آرام و بی‌خیال بودن در امر تبلیغ بستگی به فرهنگ و آداب مردم دارد. اینها انواع مسائلی است که دوره‌هایی که از کتاب ۶ منشعب می‌شود می‌تواند آنها را مورد بررسی عمیق‌تر قرار دهد.

مطالب فوق طریقی را که یک مؤسسه می‌تواند برای برنامه خود در پرورش قوای انسانی برای ترویج و تحکیم امر مبارک پیش بگیرد توضیح می‌دهد. ولی آنچه مهم است در نظر داشته باشید این است که این برنامه برای تمام مؤسساتی که کتب روحی را استفاده می‌کنند یکسان نخواهد بود. به عنوان راهنمای یک حلقه مطالعه لازم نیست شما نگران تهیه دوره‌های مختلف باشید. مؤسسه‌ای که شما در آن مشغول خدمت هستید مسؤول این امر خواهد بود و مطالب لازمه را تهیه و اجراء خواهد کرد. ولیکن شما باید آگاه باشید که دوره‌هایی علاوه بر دوره‌های اصلی وجود دارد و با در نظر گرفتن شرکت کنندگان حلقه مطالعه خود سعی نمائید تا اشخاص قابل و مایل برای شرکت در آن دوره‌ها تشویق شوند. در ضمن امیدواریم که یک مسأله را که در اولین مثال بالا به آن اشاره شد به خاطر داشته باشید و آن این است که اگر مطالب آموزشی جدا از تجربیات عملی تهیه شود خیلی مؤثر نخواهد بود. کتب روحی نتیجه افکار یک شخص بخصوص و یا حتی مشورت بین یک گروه که تجربیات عملی ندارند، نیست. این کتب در طی سالیان متوالی و همگام با فراگیری مؤسسه از درک اینکه چگونه هر خدمتی می‌تواند موفقیت‌آمیز باشد تهیه شده است. وقتی چنین روشی به کار گرفته شود تمام هر کتاب سالیان متوالی، اغلب هم ده سال یا بیشتر به طول می‌انجامد. مراحل تهیه این مطالب بسیار آهسته پیش می‌رود ولی نتایج صبر و حوصله همیشه رضایتبخش است.

## بخش نوزدهم

حال بیائید به عنصر بعدی روشی که مؤسسه روحی استفاده می‌کند یعنی حلقه مطالعه توجه کنیم. مثل بسیاری از مؤسسات، مؤسسه روحی خدمات خود را این گونه آغاز کرد که تعدادی از احباء را که عددشان گاهی به ۴۰ نفر هم می‌رسید در یک محل مرکزی برای شرکت در دوره‌هایی با مدت معین جمع می‌کرد. این دوره‌ها تقریباً از ۲ تا ۳ روز، تا چندین هفته بود. حتی امروزه بعضی از دوره‌ها در مرکز اصلی مؤسسه تشکیل می‌شود. مثلاً دوره دو ماهه برای جوانانی که مایلند مدتی را به خدمت امر اختصاص بدهند.

ولیکن از همان اول بعلت ارزشی که مؤسسه بر روش‌های مشارکتی داشت باعث راهنمایی مؤسسه در به وجود آوردن مطالب برای گروه‌های کوچک شد. همچنین مؤسسه از همان اوایل متوجه شد که روشش باید به سرعتی که هر شرکت کننده مختلف در فراگیری دارد احترام بگذارد. بنابراین آنهایی که در ساختمان مرکزی برای مطالعه مطالب جمع شده بودند باید به گروه‌های کوچکتر تقسیم می‌شدند تا دوستانی که سرعتشان یکسان بود با هم کار کنند. به شرکت کنندگان گفته شد که رقابت در مؤسسه جایی ندارد. هر کسی بنابه قابلیت خود که همواره در طی مراحل تعلیمی که در حال تحویل بود پیشرفت خواهد کرد. این سابقه‌ای است که کتاب‌های موجود مؤسسه بر طبق آن به وجود آمد.

بعداً وقتی که مؤسسه با توسعه فعالیت‌های خود روبرو شد خصوصیات ذاتی مطالب تهیه شده، انتقال آسان دوره‌ها را به سطح محلی از طریق ایجاد "حلقه‌های مطالعه" امکان پذیر و آسان ساخت. البته شما با این سیستم تعلیم از راه دور آشنا هستید. در طی توسعه این سیستم سؤالات زیادی در مورد کیفیت حلقه‌های مطالعه مطرح شده که تعداد کمی از این سؤالات در ذیل قید شده است:

- آیا یک حلقه مطالعه مستلزم یک سری قوانینی می‌باشد که اعضای آن حتماً باید پیروی کنند؟
- آیا یک حلقه مطالعه به طور مرتب برای یک مدت معین تشکیل می‌شود؟
- آیا یک حلقه مطالعه از یک سری برنامه ثابت پیروی می‌کند؟
- آیا اعضاء یک حلقه مطالعه می‌توانند عوض شوند؟
- آیا اعضاء یک حلقه مطالعه می‌توانند شامل اشخاص غیر بهائی باشند؟
- آیا یک حلقه مطالعه می‌تواند ضیافت نوزده روزه یک جامعه محلی را ترتیب دهد؟
- آیا یک حلقه مطالعه می‌تواند ضیافت نوزده روزه برای اعضاء خودش تشکیل دهد؟
- آیا یک حلقه مطالعه می‌تواند اهداف تبلیغی برای خود بگذارد؟
- آیا یک حلقه مطالعه فعالیت‌های تبلیغی برای اعضایش ترتیب می‌دهد؟
- آیا اعضاء یک حلقه مطالعه به عنوان یک گروه در فعالیت‌های تبلیغی جامعه شرکت می‌کنند؟
- آیا یک حلقه مطالعه کلاس‌های کودکان را در جامعه ترتیب می‌دهد؟
- آیا یک حلقه مطالعه می‌تواند یک برنامه موسیقی برای جامعه محلی خود ترتیب دهد؟
- آیا یک حلقه مطالعه می‌تواند برنامه‌های تفریحی برای اعضاء خود ترتیب دهد؟
- آیا یک حلقه مطالعه می‌تواند برنامه تفریحی برای جامعه محلی خود ترتیب دهد؟
- آیا یک حلقه مطالعه پروژه‌های خدماتی برای جامعه محلی خود انجام می‌دهد؟
- آیا یک حلقه مطالعه علاوه بر مطالعه برنامه‌های مؤسسه می‌تواند جلسات تزئید معلوماتی داشته باشد؟
- آیا یک حلقه مطالعه می‌تواند جلسات دعا برای جامعه محلی خود ترتیب دهد؟
- آیا یک حلقه مطالعه می‌تواند جلسات دعا برای اعضاء خود ترتیب دهد؟
- آیا یک حلقه مطالعه می‌تواند بعد از اتمام یک دوره جشن فارغ التحصیلی برای خود بگیرد؟

اگر بخواهیم تمام سؤالات را در اینجا بگنجانیم لیست طولانی خواهیم داشت. همان طور که خودتان مسلماً حدس می‌زنید جوابمان به اکثر سؤالات این خواهد بود "خوب بستگی دارد." اما در مورد خصوصیات کلی حلقه‌های مطالعه نکات معینی را می‌توان مطرح کرد. عبارات ذیل را به دقت بررسی نمائید و با گروهتان در مورد آن بحث کنید. امیدواریم که آنها حاوی مطالب ضروری برای جواب دادن به سؤالاتی که ممکن است در موقعیت مشخص برای شما پیش آید باشد.

یک حلقه مطالعه عنصری از سیستم تحصیل از راه دور می‌باشد که توسط مؤسسه اداره می‌شود و برای این طرح شده که برنامه پرورش نیروهای انسانی را در سطح محلی گسترش دهد. حلقه مطالعه معمولاً شامل ۸

تا ۱۰ نفر از دوستان یک جامعه محلی می باشد که به کمک یک راهنما دوره های برنامه را به ترتیب و با سرعت خودشان مطالعه می کنند. باید متوجه بود که یک حلقه مطالعه یکی از ترکیبات نظم اداری مثل محفل روحانی و یا لجنه نیست. انعطاف پذیری زیادی در نحوه عمل و شرکت در یک حلقه مطالعه وجود دارد. بعضی از گروه ها ممکن است هفته ای یکبار برای ساعت های متوالی دور هم جمع شوند در صورتی که دیگران ممکن است بخوانند هر روز و یا هر از گاهی در آخر هفته ها گرد هم آیند. در خاتمه یک کتاب تمام اعضاء ممکن است بخوانند کتاب بعد را با هم شروع کنند ولی بعضی ها ممکن است بخوانند از گروه جدا شده و بعداً به گروه دیگری بپیوندند. همین طور که یک حلقه مطالعه در دوره خود پیش می رود ممکن است دوستان جدیدی که قبلاً با گروه های دیگر مطالعه می کردند بخوانند به آن گروه بپیوندند. این امر ممکن است در شروع دوره اتفاق بیفتد و یا حتی در وسط آن البته به شرط آنکه عضو جدید بتواند به راحتی خود را به بقیه برساند و موجب تأخیر سایرین نشود. یک راهنما ممکن است بعد از اتمام یک کتاب، کتاب دیگر را با همان گروه شروع کند ولی امکان هم دارد که یک راهنما گروه خود را بعد از اتمام یک کتاب عوض کند. بعضی از شرکت کنندگان به نقطه ای در دوره های متسلسل اصلی مؤسسه می رسند که خودشان راهنما می شوند و حلقه های مطالعه جدید تشکیل می دهند و به این صورت به خدمت می پردازند در حالی که مطالعات خود را هم ادامه می دهند.

حدّ اقلی برای تعداد شرکت کنندگان برای شروع یک حلقه مطالعه نیست. حلقه های مطالعه موفق با فقط ۲ یا ۳ شرکت کننده بسیار است. البته اگر تعداد شرکت کنندگان زیاد شود بهتر است که به گروه هایی کوچکتر تقسیم شوند و اگر مایل باشند این گروه های کوچکتر همه می توانند در آن واحد و در یک محل تشکیل شوند و از راهنما های دیگر کمک بطلبند. اعضاء یک حلقه مطالعه ممکن است شامل دوستانی باشد که مدت طولانی همدیگر را می شناسند. ولی گروه ممکن است شامل کسانی باشد که به طور جداگانه به دعوت مؤسسه جواب داده و یک حلقه مطالعه در جامعه خود تشکیل داده اند. در یک برنامه فشرده تبلیغی مؤسسه بعضی از همکاران خود را به جوامع محلی می فرستد تا حلقه های مطالعه برای بهائیان تازه تصدیق و آشنایی که به امر مبارک علاقه مند می باشند تشکیل دهند. در بسیاری از جوامع، احباء به مدارس، کلوب های فرهنگی و سازمان های محلی رجوع می کنند و افرادی را می یابند که مایل به شرکت در دوره های مؤسسه هستند حتی اگر این اشخاص بهائی نباشند.

به عنوان عنصری از سیستم تحصیل از راه دور یک حلقه مطالعه دو نقش اساسی دارد:

یکی مطالعه دوره های مؤسسه و دیگری به مرحله عمل در آوردن آنچه مطالعه شده، می باشد. با وجود اینکه تمام دوره های متسلسل اصلی و شاخه هایی که از این سلسله منشعب می شود همگی در از دیاد معارف امری و بصیرت روحانی و پرورش استعداد و مهارت برای خدمات مختلفه تمرکز دارند ولیکن بعضی از دوره ها توجه بخصوصی به مسأله دوم می کنند. برای کسب این مهارت ها فقط مطالعه مطالب و انجام تمرین ها برای شرکت کننده کافی نیست. باید موقعیت های لازم را برای تجربه عملی برای شرکت کنندگان

به وجود آورد. مثلاً اگر شرکت کنندگان یک حلقه مطالعه می‌خواهند اعتماد به نفس لازم را برای کمک به یاران تازه تصدیق در تعمق در مواضع مختلفه به دست آورند که این هدف واحد دوم در کتاب ۲ می‌باشد مطلوب این است که با یکی از دوستان با تجربه به منزل یکی از خانواده‌ها بروند تا تجربیات لازم را برای این خدمت به دست آورند. البته موقعی می‌رسد که تمرین‌های عملی پایان می‌پذیرد و خدمات جاری در نقشه‌ها و پروژه‌های جامعه شروع می‌شود. باید متوجه بود که این تمرین‌ها آنقدر پیچیده و منظم نباشد که یک حلقه مطالعه تبدیل به یک لجنه شده و بطور مثال مسئول تزئین معلومات مؤمنین شود که البته در این صورت هدف اصلی‌اش را از دست می‌دهد.

به غیر از مطالعه مطالب و صحبت در مورد آنها در بین گروه، اعضای یک حلقه مطالعه فعالیت‌های هنری را هم در زمینه‌هایی مثل موسیقی، شعر، نقاشی، کاردستی، نمایش و قصه‌گویی می‌توانند دنبال کنند و مخصوصاً حوادثی از کتاب "تاریخ نبیل زرنندی" که تأثیر شدیدی در درک مسائل و رشد روحانی دارد، را روایت کنند. عناصر مختلفه دیگری نیز وجود دارد که استفاده از آنها بستگی به احتیاجات و حالت گروه دارد. به عنوان مثال در بعضی از مناطق حلقه‌های مطالعه تصمیم گرفته‌اند که در بازی‌های دسته جمعی با هم شرکت کنند تا مهارت‌هایشان را در کار کردن با یکدیگر افزایش دهند و فراگیری را راحت‌تر نمایند. اضافه کردن این نوع برنامه‌ها به عهده راهنما است که قبل از تصمیم‌گیری باید فرهنگ، سن و علاقه شرکت کنندگان را در نظر بگیرد.

علاوه بر دو نقش اساسی مطالعه و تمرین عملی، یک حلقه مطالعه اکثراً فعالیت‌های فوق برنامه نیز بنا به کیفیت گروه و موقعیت جامعه خود به عهده می‌گیرد. بعضی از حلقه‌های مطالعه ممکن است برنامه‌های اجتماعی برای جامعه ترتیب دهد. بعضی دیگر ممکن است پروژه‌های خدماتی بر عهده بگیرند. اعضای یک حلقه مطالعه ممکن است در بعضی موارد تشکیل و ترتیب دادن جلسات هفتگی دعا را به عهده بگیرند. در خاتمه یک دوره، اعضاء ممکن است جامعه را به یک جشن مخصوص دعوت نمایند. طبیعتاً یک حلقه مطالعه وظایف و مسؤولیت‌هایی را که مخصوص تشکیلات امری است به عهده نخواهد گرفت. مثلاً تشکیل ضیافات نوزده روزه به عهده محفل روحانی محل است و نه یک حلقه مطالعه. ولی یک حلقه مطالعه می‌تواند تصمیم بگیرد که تا جای ممکن قوای خود را صرف تقویت ضیافات نماید و در تشکیل آنها در مواقع لازمه کمک نماید. البته اگر جامعه‌ای در مراحل اولیه توسعه خود باشد و محفل روحانی نداشته باشد آن وقت یک حلقه مطالعه می‌تواند هسته مرکزی حیات جامعه گردد.

باید متوجه بود که نتیجه اقدامات یک حلقه مطالعه به عنوان یک عنصر مجزاً مسلماً محدود خواهد بود. فقط زمانی که تعدادی از حلقه‌های مطالعه در یک ناحیه تشکیل شوند طبیعتاً ارتباط آنها با یکدیگر قوای روحانی لازم را برای پیگیری توسعه سریع به وجود می‌آورد. مؤسسه از طریق خدمات مدیران محلی و ناحیه‌ای خود باید روح خدمت و نشاط را در آن ناحیه حفظ نماید. مدیران محلی و ناحیه‌ای با تشکیل جلساتی برای کلیه حلقه‌های مطالعه، جلسات مرتب برای همکاران، طرح پروژه‌های مخصوص که در طی



آن از تمام حلقه‌های مطالعه ملاقات شود و از طریق جشن‌ها این روحیه عالی روحانی را حفظ می‌کنند. بدین ترتیب است که مطالعه دوره‌های مؤسسه جزئی از فرهنگ جامعه در یک منطقه می‌شود.

در کلیه فعالیت‌هایی که یک حلقه مطالعه به عهده می‌گیرد مهم است که هیچگونه احساس اختصاصی بودن در بین اعضا به وجود نیاید. تمام فعالیت‌ها باید به همبستگی و دوستی افراد گروه به یکدیگر کمک کند و در عین حال باعث جلب دیگران به این روش فراگیری شود. جلسات یک حلقه مطالعه بخودی خود شاد و آرامش بخش است. هیچ احتیاجی به آداب و تشریفات در مطالعه مطالب نیست. این البته به این معنی نیست که هیچ‌گونه رسمیتی در این جلسات نیست. قوانین معمول مربوط به وقت شناسی و احترام که در جلسات دیگر مورد توجه می‌باشد باید در حلقه‌های مطالعه هم مورد توجه باشد، ولی نباید باعث ایجاد برنامه‌های انعطاف ناپذیر گردد. مهم‌تر از همه باید به خاطر داشت که هدف مؤسسه افزایش قوای انسانی برای توسعه و تحکیم امر است. بنابراین شرکت کنندگان حلقه‌های مطالعه باید خودشان را در اختیار تشکیلات امری بگذارند و در انجام نقشه‌ها و برنامه‌ها به آنها کمک کنند.

بعد از مذاکره در مورد پاراگراف‌های بالا مشخص کنید که کدام یک از کلمات ذیل معرف جو صحیح یک حلقه مطالعه می‌باشد:

_____ مملو از شادی	_____ فَعَال
_____ آرام	_____ موقر
_____ ملال انگیز	_____ آرامش بخش
_____ مرموز	_____ متمرکز
_____ منحصر به فرد، انحصاری	_____ پر سرو صدا
_____ ناراحت کننده و معذب	_____ فشرده و عمیق
_____ محبت آمیز	_____ شاد
_____ موجب یاد گیری	_____ مضطرب
_____ پرانرژی	_____ فاضلانه
_____ دشوار، سخت	_____ زنده و پر هیجان
_____ احساساً تحلیل رفته	_____ با انگیزه عقلانی
_____ عقلاً تحلیل رفته	_____ جدی
_____ روحانی	_____ انعطاف ناپذیر
_____ زاهد نما، پارسا نما	_____ متحد
_____ از لحاظ روحانی شور انگیز	_____ هماهنگ
_____ از لحاظ احساسی شور انگیز	_____ رقابت طلب
_____ رسمی	_____ موجب کمال

\_\_\_\_\_ خلاق  
\_\_\_\_\_ با انضباط  
\_\_\_\_\_ غیر رسمی  
\_\_\_\_\_ هیجان انگیز  
\_\_\_\_\_ با هدف  
\_\_\_\_\_ وجدآور

مردم به منظوره‌های مختلفی مرتباً دور هم جمع می‌شوند. خصوصیات یک حلقه مطالعه را با جلسات ذیل مقایسه نمایید:

۱. جلسه کمیون \_\_\_\_\_

---

---

---

۲. کلاس درس \_\_\_\_\_

---

---

---

۳. عده‌ای از دوستان مشغول بحث خردمندانه می‌باشند \_\_\_\_\_

---

---

---

۴. یک میهمانی \_\_\_\_\_

---

---

---

### بخش بیستم

حال که کیفیت و هدف حلقه مطالعه روشن شد می‌توانیم منحصراً طرز کار و جنبه عملی آن را بررسی کنیم. شما می‌دانید که هیچ‌گونه برنامه معینی نیست که گروه مجبور باشد از آن متابعت نماید. پس به جای اینکه یک سری دستورهایی برای اجراء به شما بدهیم از شما می‌خواهیم که در مورد موقعیت‌های مختلف در حلقه مطالعه تفکر نمائید. موقعیت‌هایی که در اینجا وصف شده متفاوت می‌باشد و شما ممکن است با بعضی از آنها در خدمات آینده

خود اصلاً مواجه نشوید. ولی تفکر در مورد یک رشته وسیع از موقعیت‌های مختلف به شما کمک می‌کند تا بتوانید تصویری از نوع حلقه مطالعه که می‌خواهید تشکیل دهید در فکر خود پیورانید.

در خاتمه هر موقعیت یک یا دو سؤال مطرح می‌شود. این سؤالات احتیاجی به جواب‌های دقیق و طولانی ندارد بلکه برای این مطرح می‌شود که در ایجاد تصویر صحیح در فکر شما کمک کند.

۱. شما تازه شروع به تشکیل یک حلقه مطالعه با ۸ نفر از دوستان نموده‌اید. سن آنها بین ۱۶ تا ۱۹ سال می‌باشد. بعد از دعا و مناجات شما چند کلمه‌ای در مورد کیفیت دوره‌های مؤسسه به طور کلی بیان می‌کنید و از آنها می‌خواهید که در صورت تمایل در مورد اینکه در این دوره انتظار یاد گرفتن چه چیزی را دارند صحبت کنند. فقط سه نفر از آنها اظهار نظر می‌کنند و وقتی می‌بینید که بقیه در صحبت کردن مردد هستند شما اصراری برای صحبت کردن آنها نمی‌کنید. شما شروع به معرفی واحد اول کتاب یک می‌کنید و بطور خیلی مختصر هدف و مطالب آن و اینکه گروه چگونه آن را مطالعه خواهد کرد را شرح می‌دهید. متن بیانات شما چیست؟

---

---

---

---

---

---

---

---

۲. در همان جلسه درست بعد از معرفی شما شرکت‌کنندگان شروع به مطالعه بخش اول واحد اول می‌نمایند. شما تصمیم می‌گیرید که بهتر است این بخش را بجای دو نفری، گروهی انجام دهند. از یکی از شرکت‌کنندگان می‌خواهید که نص اول را بلند بخواند و بعد سؤالی را که بعد از بیان آمده از همه می‌پرسید. از توضیحاتی که شما داده‌اید شرکت‌کنندگان می‌دانند که هدف این تمرین این است که به آنها کمک کند تا اول در معنی صریح یک بیان تمرکز کنند و بعد راجع به کاربرد و مفاهیم ضمنی تفکر نمایند. همگی نگاهی به مطالب می‌کنند و چند نفر از آنها با خواندن بیان به سؤال جواب می‌دهند. بعد شما از شرکت‌کننده دیگری می‌خواهید که همین کار را با بیان دوم انجام دهد و به این طریق تا آخر بخش ادامه می‌دهید. بعداً وقتی که به سری دوم بیانات می‌رسید شرکت‌کنندگان را به چهار گروه دو نفره تقسیم می‌کنید و از آنها می‌خواهید که همین طریق را بین گروه‌های دو نفره انجام دهند. وقتی که آنها مشغول این کار هستند شما چه می‌کنید؟ تا چه اندازه در کار این گروه‌های دو نفره مداخله می‌نمائید؟ اگر گروهی تهیه سؤال برایشان مشکل باشد چه کار می‌کنید؟ اگر گروهی تمرین برایشان آسان باشد و به خوبی اما به سرعت آن را انجام دهند، چه کار خواهید کرد؟ اگر یکی از شرکت‌کنندگان از جواب دادن صریح اجتناب ورزد و به دلیلی اهمیت قسمت اول فهم و درک را متوجه نشود شما چه کار می‌کنید؟

---

---

---

۳. چند هفته بعد همان گروه بخش دوم واحد سوم کتاب ۱ را که در مورد رابطه بین جسم و روح است مطالعه می‌کنند. پاراگراف مقدماتی به صدای بلند دو بار خوانده شده و همه مشغول انجام تمرینات به طور انفرادی هستند. اتاق ساکت است و جو جلسه جدی و همه در حال تفکر می‌باشند. وقتی احساس می‌کنید که یکی از شرکت کنندگان احتیاج به کمک دارد به طرف آن شخص می‌روید و با صدای آرام به سؤالاتش جواب می‌دهید. چند کلمه راجع به نظمی که در این جا حکمفرماست بنویسید. منبع این نظم از چیست؟

---

---

---

۴. در همان جلسه بعد از اینکه همه تمرینات را انجام داده‌اند گروه مشغول صحبت در مورد نکات برجسته این بخش می‌شود. کدام یک از تمرین‌ها را برای بحث دسته جمعی انتخاب می‌کنید؟

---

---

---

۵. در یک جامعه دیگری شما حلقه مطالعه تشکیل داده‌اید که از دو خانواده بزرگ تشکیل شده است و این گروه مشغول مطالعه واحد اول از کتاب ۱ می‌باشد. جوان‌ترین اعضاء گروه دو پسر عموی ۱۵ ساله هستند و مسن‌ترین عضو گروه مادر بزرگی است که ۶۰ سال دارد. در موقع حفظ بیانات متوجه می‌شوید که به خاطر تفاوت سن در بین شرکت کنندگان قدرت حفظ کردن آنها خیلی متفاوت است. همان طور که انتظار می‌رود برای جوان‌ها این کار خیلی آسان است. مادر بزرگ هم چون هیچ وقت سنت از حفظ کردن بیانات را از دست نداده در این کار ماهر است و می‌تواند بیانات را براحتی از حفظ کند. ولی بعضی از اعضای میان سال در این کار اشکال دارند. شما سعی می‌کنید که به این عده توجه کنید و آنها را در این کار کمک و تشویق نمائید. وقتی موقع آن می‌رسد که هر کس نصی را که حفظ کرده تلاوت کند شما پیشنهاد می‌کنید که این دوستان اگر لازم دارند کتاب‌های خود را باز بگذارند. چرا این کار بهتر از این است که بکلی آنها را از حفظ کردن معاف کنیم؟ آیا آنهایی که می‌توانند به آسانی و سرعت حفظ کنند هم باید کتاب‌های خود را در موقع تلاوت نصوصی که حفظ کرده‌اند باز نگاه دارند؟

---

---

---

۶. شما مشغول خدمت به عنوان یک راهنما در یک حلقه مطالعه هستید که بیشتر شرکت کنندگان جوان هستند. این جوانان از جامعه‌ای می‌باشند که فعالیت امری کمی دارند با وجودی که بهائیان تازه تصدیق زیادی در سال‌های اخیر داشته‌اند. محفل روحانی این محل هر سال با مساعدت انتخاب شده ولی به ندرت تشکیل می‌شود. تشکیل حلقه مطالعه شما قسمتی از برنامه‌های تشکیلات بهایی برای احیای فعالیت‌های امری در این جامعه است. شما تازه کتاب ۱ را تمام کرده‌اید و شرکت کنندگان آماده شروع فعالیت هستند. تصمیم می‌گیرید این موقعیتی است که خود گروه جلسه دعای هفتگی تشکیل دهد و اعضاء خانواده و دوستانشان را دعوت کند. چگونه به شرکت کنندگان پیشنهاد می‌کنید که برای تشکیل این جلسات اقدام نمایند؟

---

---

---

۷. در یک موقعیت دیگر حلقه مطالعه شما در جامعه‌ای است که برای سالیان متوالی محفل روحانی محلی داشته است. گروه کتاب ۱ را تمام کرده است و شرکت کنندگان مشتاق‌اند که خدمتی انجام دهند. جلسات هفتگی دعا که به وسیله محفل روحانی محل ترتیب داده شده بطور نامرتب تشکیل می‌شود و تعداد شرکت کنندگان خیلی کم است. شما احساس می‌کنید که صلاح نیست که اعضاء حلقه مطالعه جلسه دعای جدا ترتیب دهند. چیزی که در این موقعیت احتیاج هست این است که آنها به تشکیل جلسات دعایی که محفل روحانی ترتیب داده کمک کنند. تصمیم می‌گیرید که به عنوان قدم اول با محفل روحانی محل مشورت کنید. چگونه اقدام می‌کنید؟

---

---

---

۸. در یک جامعه دیگر به دو گروه کمک می‌کنید. یکی از آنها ۱۰ شرکت کننده جوان بین سنین ۱۵ تا ۱۷ هستند که مشغول مطالعه دوره‌های متسلسل اصلی مؤسسه می‌باشند. گروه دیگر شامل یازده نوجوان می‌باشد که مشغول مطالعه کتاب "قدرت کلام" می‌باشند. این دو گروه یکی پس از دیگری هفته‌ای یک بار دور هم جمع می‌شوند. جوانان بزرگتر مشغول مطالعه واحد ۲ از کتاب ۲ "مطالبی برای تزئید معلومات" می‌باشند. با وجود

اینکه بعضی از آنها در ابتدا که دور هم جمع شدند خیلی خجالتی بودند ولی حال کاملاً راحت هستند. آنها اخیراً نمایشنامه کوتاهی را که در رابطه با تمرین آخر بخش یک کتاب است اجراء کرده‌اند و وارد بخش بعد شده‌اند در این بخش باید یک عبارت طولانی را در مورد عهد و میثاق الهی یاد بگیرند تا بتوانند آن را به یاران تازه تصدیق ارائه دهند. شما از آنها می‌خواهید که هر یک پاراگرافی را با صدای بلند بخوانند. تمام عبارت دو بار به این طریق خوانده می‌شود. حال از یکی از جوانان می‌خواهید که پاراگراف اول را بخواند و بعد کتاب را کنار گذاشته و مطالب آن را به زبان خودش ارائه دهد. همه شرکت کنندگان به آن جوان کمک می‌کنند بدون اینکه فشاری به او آورده شود. وقتی تمام بیان به این طریق تمام شد، آنها را به گروه‌های دو یا سه نفره تقسیم می‌کنید از آنها می‌خواهید همین کار را در گروه‌های کوچکتر انجام دهند. در چه موقع تصمیم می‌گیرید که این قسمت به هدف خود رسیده و وقت آن است که به مطلب بعدی بپردازید؟

---

---

---

---

۹. چند هفته بعد گروه جوانان بزرگ‌تر واحد دوم کتاب ۲ را تمام کرده و وقت آن رسیده آنچه را که یاد گرفته‌اند عملاً تمرین کنند. تعداد زیادی بهائی در آن محل هستند. جامعه بهائی مشغول تدارکات لازم برای انتخاب محفل روحانی در رضوان که چند ماه دیگر است، می‌باشد. در یک جلسه منطقه‌ای از لجنه تبلیغ ناحیه می‌خواهید که لیستی از اسامی افراد جامعه در اختیارتان بگذارد. وقتی دفعه بعد حلقه مطالعه تشکیل می‌شود آن لیست را به جوانان نشان می‌دهید و به نظر می‌آید که هر کدام ۴ یا ۵ خانواده را در آن لیست می‌شناسند. با همدیگر برنامه‌ای می‌ریزید که شرکت کنندگان بتوانند مطالبی برای تزئید معلومات را با یارانی که می‌شناسند در میان بگذارند. شما در ملاقات اول هر کدام از شرکت کنندگان آنها را همراهی می‌کنید. در هفته‌های بعدی هر کلاس با جوانان راجع به تجربیاتشان صحبت می‌کنید. بعضی از آنها نتایج موفقیت آمیزی گرفته‌اند ولی دو یا سه نفر هستند که احساس می‌کنند خانواده‌ها خیلی مشغولند که آنها به ملاقاتشان بروند و یا حقیقتاً به صحبت‌های آنها علاقه‌ای ندارند. چون این فعالیت برای اکثریت موفقیت آمیز بوده شما احساس می‌کنید که شاید طرز برخورد آن دو سه نفر طوری بوده که باعث ایجاد مشکلات شده است. چگونه در صدد کمک به آنها بر می‌آئید؟

---

---

---

---

۱۰. گروه نوجوانانی که در همان جامعه شما با آنها حلقه مطالعه تشکیل داده‌اید می‌خواهند تمرین‌های عملی خود را اجراء کنند. آنها مشغول آماده کردن یک برنامه برای خانواده و دوستان خود هستند که هر یک از نوجوانان راجع به موضوعی نطق خواهد کرد. به چه طریق می‌توانید کاری کنید که جوانان بزرگ‌تر به نوجوانان کمک کنند تا این برنامه موفقیت آمیز باشد و آنها حس کنند تشویق شده‌اند؟

---

---

---

۱۱. در نتیجه مطالعه واحد دوم کتاب ۲ جوانان بزرگ‌تر در همان جامعه خیلی در مورد مسأله ضیافت نوزده روزه به هیجان آمده‌اند. شما حلقه مطالعه آنان را تشویق می‌کنید تا برنامه‌های قسمت‌های روحانی و اجتماعی ضیافت را ترتیب دهند. در ضمن پیشنهاد می‌کنید که مدتی وقت برای مشورت نیز در هر جلسه اختصاص دهند. ولی توضیح می‌دهید که برای اجرای قسمت اداری ضیافت باید منتظر انتخاب محفل روحانی محل در رضوان بود. تا قبل از انتخاب محفل روحانی به کدام یک از تشکیلات بهائی این اقدامات حلقه مطالعه را گزارش می‌دهید؟

---

---

---

۱۲. شما مشغول مطالعه کتاب ۲ با گروهی از جوانان در یک جامعه کوچکی که سال‌هاست دارای محفل روحانی می‌باشد هستید. این محفل روحانی مرتباً با مشکل عدم تبلیغ و رشد جامعه روبرو می‌باشد. چون بهائیان تازه تصدیقی وجود ندارد که شرکت کنندگان حلقه مطالعه بتوانند مطالبی برای تزئید معلومات واحد دوم را با آنها در میان بگذارند شما تقاضا می‌کنید که یکی از آنها نقش مبلغ و بقیه نقش یک فامیل بزرگ را به عهده بگیرند. بعداً وقتی که بخش سوم "معرفی عقاید بهائی" را مطالعه می‌کنند از آنها می‌خواهید که آنچه را که یاد می‌گیرند عملاً در مدرسه ضمن بحث‌های اجتماعی و روحانی تمرین کنند. به آنها توضیح می‌دهید که در نتیجه این گونه صحبت‌ها ممکن است به آسانی بتوانند بعضی از دوستانشان را دعوت کنند تا یک حلقه مطالعه دیگر در آن جامعه تشکیل دهند و شما هم با کمال میل حاضرید که در آن به عنوان راهنما خدمت کنید. چرا برای آنهایی که کتاب ۲ را مطالعه می‌کنند مهم است تا مطالب واحد ۲ یا ۳ و در صورت امکان مطالب هر دو واحد را عملاً تمرین کنند؟

---

---

---

---

---

۱۳. در موقعیت دیگری به گروهی از جوانان کمک می‌کنید که کتاب ۳ «تدریس کلاس‌های کودکان - سال اول» را مطالعه کنند. در حال حاضر مشغول مطالعه واحد دوم که شامل ۱۵ درس برای کلاس‌ها است می‌باشند. بعد از اینکه چند درس اول را مفصلاً مطالعه کردید به آنها پیشنهاد می‌کنید که این درس را به یک یا دو طفل که می‌شناسند- مثلاً خواهران یا برادران کوچکتر خود- بچه‌های فامیل و یا بچه‌های همسایه- تدریس کنند. دفعه بعد که حلقه مطالعه تشکیل می‌شود راجع به تجربیاتشان با آنها صحبت می‌کنید. کاملاً واضح است که تدریس به کودکان حتی به دو کودک برایشان کار مشکلی است و احتیاج به تشویق بیشتر دارند. چه می‌گوئید؟

---

---

---

۱۴. در هنگام مطالعه کتاب ۵ با گروه دیگری به آنها توضیح می‌دهید که درس‌ها برای کودکان سال دوم چه خصوصیتی دارد که در درس‌های کودکان سال اول نیست. مثلاً توضیح می‌دهید که مقدمه دروس و داستان‌ها برای کلاس اول طوری نوشته شده که در سطح قابل ادراک برای بچه‌ها می‌باشد. تنها کاری که معلم باید بکند این است که آنها را به همان صورت نقل کند. در کتاب ۵ مخصوصاً در ۱۵ درس سری دوم مقدمه و داستان‌های تاریخی برای معلمین نوشته شده است. معلم باید آنها را برای بچه‌ها آسان نماید و به زبانی آنها را ادا کند که برای بچه‌ها به آسانی قابل درک باشد. شما این را برای حلقه مطالعه با خواندن یکی از وقایع تاریخی و نقل آن به صورتی که برای بچه‌ها مناسب باشد عملاً توضیح می‌دهید. سعی کنید امروز به گروهتان نشان دهید که چگونه این کار را انجام خواهید داد.

۱۵. مطالعه واحد دوم کتاب ۴ را با گروه جوانانی که همگی شاگردان دبیرستان هستند به اتمام رسانیده‌اید. همین طور که بخش‌های مختلف این واحد را مطالعه کرده‌اند این جوانان یاد گرفته‌اند که هر کدام از وقایع زندگانی حضرت ربّ اعلی را روایت کنند. حال مشغول ترتیب برنامه‌ای برای گروه کوچکی از دوستان هستند که در آن هر کدام به نوبت وقایع زندگانی حضرت ربّ اعلی را از دوران طفولیت تا شهادت آن حضرت در تبریز روایت خواهند کرد. آیا می‌توانید برنامه احتمالی را برای آن شب شرح دهید؟

---

---

---



۱۶. کمیسیون تبلیغی ناحیه‌ای که شما در آن زندگی می‌کنید مشغول ترتیب یک پروژه تبلیغی برای تابستان است. شما تازه مطالعه کتاب ۶ را با یک حلقه مطالعه که شامل گروهی جوان است شروع کرده‌اید. با آنها راجع به پروژه صحبت می‌کنید و آنها تصمیم می‌گیرند که با تشکیل جلسات اضافی کتاب را زودتر و به موقع برای برنامه تبلیغی تابستان تمام کنند. شما با کمال میل موافقت می‌نمائید. چه کارهایی می‌بایستی شما انجام دهید تا آن جوانان بتوانند در آن برنامه تبلیغی شرکت جویند؟

---

---

---

---

۱۷. شخصی را در جامعه می‌شناسید که در یک نوع کاردستی مهارت به سزایی دارد. با آن شخص صحبت کرده‌اید و پرسیده‌اید که آیا برایش امکان دارد به شرکت کنندگان حلقه مطالعه شما در مورد هنرش چند درس ارائه دهد. آن شخص به شما گفته که در چهار جلسه می‌تواند مهارت‌های ابتدائی هنر خود را به شرکت کنندگان تعلیم دهد. گروه شما معمولاً هفته‌ای یکبار تشکیل می‌شود. بعد از مشورت همه موافقت کرده‌اند برای مدت یکماه دو بار در هفته جمع شوند تا یکبار مطالب کتاب را مطالعه کنند و بار دیگر به فراگیری آن هنر بپردازند. چرا صحیح است که آن جلسات هنری را هم قسمتی از حلقه مطالعه تلقی کرد و نه به عنوان یک فعالیت فوق برنامه؟

---

---

---

---

۱۸. یکی از شرکت کنندگان در حلقه مطالعه شما استعداد بسزائی در موسیقی دارد. در یکی از صحبت‌های خود با آن شخص متوجه می‌شوید که قبلاً کلاس موسیقی می‌رفته ولی برخلاف میل پدر و مادرش الان کلاس‌های مذکور را ترک کرده است. چگونه می‌توانید با گفتار خود او را تشویق نمائید تا در پرورش این استعدادی که خدا به او عطا کرده سعی نماید؟

---

---

---

---

۱۹. شرکت کنندگان حلقه مطالعه شما می‌خواهند که یک تیم فوتبال تشکیل دهند و با تیم‌های جوامع نزدیک مسابقه دهند. شما فکر می‌کنید که عقیده خیلی خوبی است و آنها را در این کار تشویق می‌کنید. ولی به زودی





کتاب برای "تربیت راهنمایان" نیست. کتاب ۷ برای این طرح شده که بعضی از مفاهیم را به شما معرفی کند و قدرت شما را در کمک به گروه‌های مختلف برای مطالعه دوره‌های متسلسل اصلی مؤسسه روحی افزایش بخشد. یکی از مؤثرترین طرق برای افزایش درک شما از مفاهیم مربوطه، تهذیب خصوصیات و رفتار شما و افزایش مهارت‌ها و استعدادتان با حضور مرتب در جلساتی که توسط مؤسسه برای راهنماها در منطقه شما تشکیل می‌شود، می‌باشد. در این نوع جلسات تجربیات مختلف بررسی می‌گردد و جواب بسیاری از سؤالات پیدا می‌شود.

غالباً در این نوع جلسات برای روشن شدن مسائل از مقدمه‌های هر کتاب یعنی قسمت "همکاران گرمی" استفاده می‌شود. برای اینکه حالت چنین برنامه‌ای را احساس کنید از شما خواسته شده که قسمت "همکاران گرمی" کتاب ۱ را با گروه فعلی مرور کنید. به طور حتم مطالب بسیاری را بحث خواهید کرد که احتمالاً شامل موارد زیر می‌باشد:

- کلیه شرکت کنندگان دوره‌های مؤسسه روحی چه آنهایی که برای بار اول شرکت می‌کنند و چه آنهایی که به عنوان راهنما خدمت می‌کنند در یک جریان فراگیری دو جانبه مشغول خدمت هستند.
- مسئولیت فراگیری به عهده هر شرکت کننده می‌باشد.
- در یک جریان آموزشی در مقابل صرفاً آموختن مهارت‌های ساده، بی‌اندازه مهم است که شرکت کنندگان هر چه بیشتر به مفهوم و اهمیت قدمی که بر می‌دارند، آگاه باشند.
- از شرکت کنندگان مؤسسه روحی انتظار می‌رود که به سه مرحله از درک بیاناتی که مطالعه می‌کنند نائل شوند: درک صحیح معانی کلمات و جملات آثار مبارکه، اینکه مفهوم مذکور در نص مبارک چگونه در زندگی روزمره شخص انطباق پیدا می‌کند و دیگر درک و فهم بعضی از معانی ضمنی نهفته در آیات مبارکه.
- روشی که در آن شرکت کنندگان به گروه‌های دو نفره تقسیم می‌شوند و یکی بیانی را می‌خواند و دیگری از آن بیان سؤال طرح می‌کند هدف بخصوصی دارد و بنابراین محدودیت‌هایی نیز در مفید بودن این روش وجود دارد.
- توانایی تمرکز در مفهوم صریح بیانات مبارکه برای ایجاد وحدت در جامعه بهائی تأثیر دارد.
- مذاکرات طولانی در مورد معنی یک کلمه خارج از مفهوم کلی مطلب می‌تواند تأثیر منفی داشته باشد.
- در هر دوره‌ای باید یک روند و سرعت پیشرفت در مطالعه مطالب آن وجود داشته باشد.
- حلقه‌های مطالعه باید از یک طرف از مطالعه سطحی و بدون دقت بررسی تمرین‌ها اجتناب نمایند و از طرف دیگر از مذاکرات طولانی راجع به موضوعی که از هدف اصلی واحد دور می‌شود بر حذر باشند.

- بعضی از سؤالات را نمی‌شود صریحاً جواب داد و هدف از آن سؤالات ایجاد آگاهی راجع به موضوع مورد بحث می‌باشد.
- هر واحد کتاب یک هدف کلی دارد.
- هر بخش معمولاً حاوی یک یا دو موضوع اصلی است که سعی دارد آن را بیان کند.

در رابطه با مراحل مختلف درک مطالب، قسمت ”همکاران گرامی“ پیشنهاد می‌کند آنهایی که مشغول آماده شدن برای خدمت به عنوان یک راهنما هستند هر واحد از کتاب را بررسی نمایند و تمرین‌ها را بنا به سه مرحله ذکر شده طبقه بندی کنند. خوب است که این فعالیت را امروز با گروهتان انجام دهید. البته باید در نظر داشته باشید که منظور مؤسسه از ذکر سه مرحله مختلف از درک این نیست که فرمولی را در مورد مسأله ”درک و فهم“ به وجود آورد. مطمئناً مراحل مختلفی از درک و فهم وجود دارد. و حتی در رابطه با این طریق ساده آنقدر مهم نیست که تمرینی در مرحله اول، دوم یا سوم طبقه بندی شده باشد. تفکر در مورد تمرین‌ها در رابطه با این مراحل به این خاطر است که به شما کمک کند تا تصمیم بگیرید تا چه اندازه وقت برای هر تمرین اختصاص دهید- چه نکاتی را می‌بایستی تأکید کنید و چه نتیجه‌ای می‌خواهید از مطالعه بخش‌های مختلف بگیرید.

## بخش بیست و سوم

برنامه دیگری در جلسه راهنمایان اجرا می‌شود و آن مرور یک یا چند واحد می‌باشد. در این دوره‌ها مطالب به دقت بررسی شده و در مورد بعضی از بیانات و تمرین‌ها صحبت می‌شود. برای اینکه نشان دهیم که چه نوع مشاوره‌هایی در این جلسات صورت می‌گیرد یک سری صحبت‌های خیالی بین یک شخص با تجربه و گروهی از راهنمایان که در یک جو دوستانه و متواضع و با حالت یادگیری انجام شده در این بخش و سه بخش بعدی به شما ارائه می‌دهیم. هر صحبتی یک یا دو تمرین به دنبال دارد که شما انجام می‌دهید. برای این صحبت‌ها حروف ”الف، ب، پ“ برای سه نفر راهنمایی که در جلسه شرکت کرده‌اند در نظر گرفته شده و ”ر“ برای شخص با تجربه. اکنون مشغول صحبت در مورد تمرین‌هایی هستند که بعد از اولین سری نصوص در واحد اول کتاب اول ”تفکر در باره روح انسان“ آمده است. ممکن است مفید باشد که الان نظری به آن بخش بنمائید.

الف: باید بگویم که یک نکته در قسمت ”همکاران گرامی“ کتاب ۱ برای من بی‌اندازه مفید بود. این نکته مربوط می‌شود به تمرین ۳ بخش دوم و عبارتی که می‌گوید: ”تعداد افراد خوب آنقدر در جهان کم است که اعمالشان هیچ تأثیری ندارد“ همه شرکت کنندگان گروه ما گفتند که این عبارت صحیح نمی‌باشد. وقتی از آنها پرسیدم چرا- دلایل بسیاری آوردند که همه آنها خوب بود ولی بالاخره از آنها خواستم تا به بیان اول در بخش قبل توجه کنند و این عبارت را در رابطه با آن بسنجند. بعد همه متوجه شدند که عبارت کاملاً مخالف کلمات حضرت بهاء الله است. این آگاهی باعث کسب اعتماد به نفس و هیجان بیشتری برای گروه شد.

ب: ولی چنین جواب‌های صریحی برای همه تمرین‌ها در بیانات پیدا نمی‌شود. مثلاً عبارت بعدی در همان تمرین “هر امری با آراء دیگران موافق باشد درست است” هیچ کدام از بیانات مبارکه قسمت‌های قبلی این مسأله را بطور واضح جواب نمی‌دهد. همه معمولاً می‌گویند که این عبارت اشتباه است. آیا می‌بایستی فقط این جواب را قبول کرد یا کمی صحبت در این مورد لازم است؟

ج: این چیزی است که بنا به موقعیت گروه باید در موردش تصمیم گرفت. گروه‌هایی را می‌شناسم که با کمی صحبت در مورد این عبارت درک شرکت کنندگانش بیشتر شده است. درست است که تعالیم الهیه معین می‌کند که چه چیزی صحیح و چه چیزی اشتباه است ولی باید به نظریات مردم نیز گوش داد. ولیکن اهمیتی که برای این نظریات قائل می‌شویم و اندازه‌ای که به آنها اجازه می‌دهیم در ما تأثیر داشته باشد مسائلی است که باید در موردش تفکر نمود. به عنوان مثال در یک گروه که من به عنوان راهنما در آن خدمت می‌کردم صحبت‌ها به موضوع‌هائی مثل حکمت و مراجع اخلاقی کشیده شد. ولی راستش را بگویم اگر چه واضح و روشن کننده بود ولی بحث خیلی مبهم و پیچیده شد. البته به طرز مؤدبانانه و با محبت می‌بایستی کاری می‌کردم که بحث زودتر خاتمه پیدا کند

د: تمرین ۵ در همان بخش سؤال کرده که آیا یک سری اعمال با گفتار یک بهایی مطابق است یا نه. جواب‌های فوری را خیلی آسان می‌توان پیدا کرد و فکر می‌کنم که منظور هم همین بوده. ولی اینطور به نظر می‌رسد که هدفی برای این تمرین هست. بعضی وقت‌ها به راحتی عادت می‌کنیم که به مردم بگوئیم چه کار بکنند و یا چه کار نکنند، مثلاً مشروب نخورید، نجیب باشید، دروغ نگوئید. ولی به راحتی می‌توانیم ببینیم که کتاب‌های مؤسسۀ روحی سعی می‌کنند به مردم موعظه نکنند. بلکه به آنها کمک می‌کنند تا با تفکر تصمیم‌های اخلاقی بگیرند. در مورد این تمرین ادراک اینکه با بعضی اعمال انسان می‌تواند خود را جزو آنهایی قرار دهد که “اعمالشان مطابق گفتارشان نیست” - یعنی جزو کسانی که حضرت بهاء‌الله به آنها چنین هشدار سختی داده‌اند- اثر عمیقی در اعضای گروه ما داشت. و من شخصاً از این تمرین خیلی لذت بردم زیرا توانستیم در مورد حکمت بعضی از قوانین اخلاقی بدون اشاره به شخص بخصوصی و با حفظ ارزش و احترام همه شرکت کنندگان صحبت کنیم.

ه: نکته خوبی را متذکر شدید. اینجا نمونه‌ای است که تمرین ظاهراً به نظر آسان می‌آید. این تمرین معیار اعمال بهائی را نشان می‌دهد بدون اینکه صریحاً این را بیان کند. بلکه به شرکت کنندگان اجازه می‌دهد که خودشان به کسب استنباطی از قوانین اخلاقی امر موفق شوند. حتماً پی برده‌اید که ۵ سؤالی که بعد از این تمرین آمده با وجود اینکه خیلی صریح نیستند ولیکن تأثیر مشابهی دارند. معمولاً فکر خوبی است که اجازه دهیم شرکت کنندگان راجع به آنها مشورت کنند. البته نمی‌خواهید که مشورت خیلی از موضوع اصلی دور شود ولیکن شرکت کنندگان فرصتی لازم دارند که در مورد رفتار اخلاقی تفکر کنند. شرکت کنندگان همچنین می‌بایستی دریابند که اعمال یک شخص تأثیر شدیدی در دنیا و رفاه عالم انسانی دارد و به این مسأله توجه کنند که هر شخصی مسؤول اعمالش می‌باشد

با توجه به صحبت‌های خیالی بالا تمرین‌های ذیل را انجام دهید:

۱. به نکته‌ای که به وسیله "ب" در بالا ذکر شده توجه کنید. همیشه جواب سؤالات تمرین‌ها را نمی‌شود فقط با مراجعه به نصوص نقل شده در کتاب پیدا کرد. همین طور که می‌دانید بعضی از تمرین‌ها هدفشان این است که به شرکت کنندگان کمک کند تا در مورد تطبیق بیانات مبارکه در زندگی روزمره فرد تفکر کنند. مطالعه آثار الهی باید نتیجه‌اش جدیت در تطبیق تعالیم الهیه در زندگی هر فرد باشد. این البته مستلزم تفکر و مشورت و بررسی درک شخص با در نظر گرفتن تجربه او می‌باشد. اگر این سلسله مراحل بخوبی فهمیده نشود خصوصیات ناسالم می‌تواند در یک شخص و یا حتی در یک جامعه رخنه کند. به عنوان مثال اگر شخصی همیشه مشغول نقل بیانات از آثار الهی باشد ولی سایر منابع علم و دانش را کاملاً نادیده بگیرد و از استفاده از تجربیات امتناع ورزد آن شخص مسلماً کوه فکر می‌باشد. از طرف دیگر کسی که اهمیت زیادی به تجربه و نظریات شخصی می‌دهد ولی موثق بودن آثار الهی را کم ارزش می‌داند قربانی یک نوع نسبت‌گرایی می‌شود که بنا به آن همه چیز بستگی به فرهنگ و علاقه شخصی دارد. در گروه خود راجع به اینکه چگونه هر دوی این حالات منجر به خرافات، نابردباری، تعصب و بی‌دقتی می‌شود صحبت کنید.

۲. جواب شخص با تجربه به "ب" احتیاج به کمی تفکر دارد. ممکن است کافی نباشد که شرکت کنندگان گروهتان عبارت "هر امری که با آراء دیگران موافق باشد درست است" را فقط اشتباه تلقی کنند. ممکن است لازم باشد که شما با آنها در مورد اهمیت گوش دادن به دیگران در خیلی از موارد زندگی مثلاً در باره کسب راهنمایی در مواضع مشخص صحبت کنید. جهت تسهیل یک چنین مذاکره‌ای طبیعتاً شما در باره این موضوع قبلاً تفکر کرده‌اید. به نظر شما در کدام یک از موارد زیر انسان احتیاج به کسب راهنمایی دارد؟

\_\_\_\_\_ تحصیلات آینده فرد

\_\_\_\_\_ خدمات امری آینده فرد

\_\_\_\_\_ خدمت امر چه نقشی را باید در زندگی فرد ایفا کند

\_\_\_\_\_ آیا باید به امر خدمت کرد؟

\_\_\_\_\_ توضیح در مورد بیانی از آثار مبارکه

\_\_\_\_\_ معنی خوابی که شخص دیده

\_\_\_\_\_ تطبیق یکی از قوانین امری در موقعیت بخصوصی

\_\_\_\_\_ آیا باید از قوانین اطاعت کرد؟

\_\_\_\_\_ نحوه تعلیم و تربیت فرزندان

\_\_\_\_\_ آیا باید فرزندان را تعلیم داد و تربیت کرد؟

\_\_\_\_\_ آیا باید کسی را که کار اشتباهی کرده بخشید؟

\_\_\_\_\_ آیا باید به کسی در موقع احتیاج کمک کرد؟

\_\_\_\_\_ آیا باید فردی وسائل لازم برای منزل را بطور قسطی بخرد؟

\_\_\_\_\_ معالجه یک بیماری  
\_\_\_\_\_ مشکلی که شخص با دوستش دارد  
\_\_\_\_\_ آیا به یک نفر می شود اعتماد کرد؟  
\_\_\_\_\_ آیا می توان به خدا اعتماد کرد؟

۳. برای شما مفید خواهد بود اگر به نظریاتی که توسط ”پ“ بیان شده و صحبت های شخص با تجربه که به دنبال آن آمده فکر کنید. در خیلی از مواقع وقتی انسان می خواهد نظری را برای دیگران بیان کند خیلی راحت به عادت ”موعظه“ می افتد ولی این کار به ندرت نتایج مطلوب خواهد داشت. به تمرینی که توسط ”پ“ مورد بحث قرار گرفته نگاه کنید. در اتمام این تمرین یک راهنما می تواند از شرکت کنندگان بخواهد لیستی از کارهایی را که به عنوان یک بهائی نباید انجام دهند، تهیه نمایند و بعد با آنها در مورد اهمیت رفتار مفضلاً صحبت کند و حتی مسأله مجازات اداری را هم مطرح نماید. توضیح دهید که چرا چنین کاری نه مؤثر و نه صلاح خواهد بود.

---

---

---

---

---

---

---

---

### بخش بیست و چهارم

حال بگذارید به مکالمه خیالی در جلسه راهنماها برگردیم. الان آنها مشغول صحبت در مورد بقیه بخش های واحد اول کتاب ۱ هستند.

الف: من در باره سؤال چهارم بخش ۴ کمی اشکال داشتم. شرکت کنندگان در حلقه مطالعه من نظریات مختلفی راجع به اینکه آیا امکان دارد به خود دروغ گفت یا نه، داشتند و مشکل بود که به توافق برسند.

ز: سؤال های بسیاری در واحدهای مختلف هست که به منظور ایجاد تفکر و مشورت گنجانده شده است. مسائل مربوطه پیچیده تر از آن است که بتوان بسرعت به آنها جواب داد. و یک شخص می تواند نظریه خود را نسبت به یک موضوع چندین بار طی سال ها عوض کند. جواب سؤالی که شما ذکر نمودید البته مثبت می باشد. کاملاً امکان دارد که شخصی به خود دروغ بگوید و خیلی ها هم این کار را می کنند. ولی کسانی هستند که



فکر می‌کنند بالاخره خود شخص می‌تواند تشخیص دهد که به خود دروغ می‌گوید. این مسأله‌ای نیست که بتوان آن را به آسانی حل کرد. کاری که می‌شود کرد این است که چند مثال از موقعیت‌های مختلف آورد و از گروه خواست تا تصمیم بگیرند در هر یک از این موقعیت‌ها شخص به خود دروغ می‌گوید یا نه. بعد باید تمام جواب‌ها را قبول کرد و راضی بود که بحث کافی در مورد موضوع به عمل آمده و هر کس در درک خود پیشرفت نموده است. در واقع این سؤال از جنبه رفتاری مطرح شده و نه از جنبه فلسفی.

پ: ممکن است که من بسیار جلورفته باشم ولی می‌خواهم یکی از تجاریم را با شما در میان گذارم و بعد سؤالی بپرسم. وقتی که گروه ما به تمرین ۴ در بخش آخر رسید احساس کردم که همه سعی می‌کردند که با عجله قسمت صحیح/ اشتباه را تمام کنند. بنابراین من پیشنهاد کردم که صبر کنیم و راجع به موضوع آن تمرین، یعنی انضباط لازمه برای جلوگیری کردن از غیبت صحبت کنیم. بحث بسیار جالبی داشتیم. متوجه شدیم که غیبت در واقع یک رسم اجتماعی است و قسمتی از فرهنگمان می‌باشد. در بحث خود سعی کردیم یک سری اقدامات عملی برای جلوگیری از غیبت مشخص نماییم. این بحث حدود ۱۵ دقیقه طول کشید و بعد به تمرین برگشتیم و این دفعه به نظر من تمرین‌ها با درک بهتری انجام شد. آیا فکر می‌کنید صحیح بود که تقاضای چنین بحثی را بکنم؟

ز: من فکر می‌کنم کاملاً صحیح بود. شما از کیفیت انعطاف‌پذیری که خصوصیت مهم دوره‌های روحی می‌باشد برای افزایش درک شرکت‌کنندگان استفاده کردید. البته همه می‌دانیم که تمرین‌های صحیح/ اشتباه این واحد مثل امتحانات مدارس نیست. معمولاً نکات ظریف را موشکافی کرده و اثرات گفتار و اعمال را روشن می‌سازد.

الف: کاش من هم همین کار را در گروهم کرده بودم. با ملاحظه اینکه اخیراً اختلافاتی در جامعه ما به وجود آمده، می‌شود نتیجه گرفت که هنوز بخوبی واقف نیستیم که غیبت چه تأثیرات بدی می‌تواند بین گروهی از دوستان داشته باشد.

ب: اتفافی برای من افتاد که ممکن است برایتان جالب باشد. دفعه اول که این واحد را مطالعه کردم متوجه شدم که بعضی اوقات لازم است مثال‌هایی از موقعیت‌هایی که با بیانی از آثار الهی مغایرت دارد ارائه داد تا باعث تفکر در مورد نحوه صحیح تطبیق آن شود. بنابراین وقتیکه گروه ما به تمرین ۲ در بخش ۶ که این تمرین از شرکت‌کنندگان می‌خواهد چند عبارت را مطالعه کنند و تشخیص دهند که آیا آن عبارات از "لسان شفقت" صادر می‌شود یا نه، من هم چند عبارت از خودم تهیه کردم. یکی از شرکت‌کنندگان زبانی خشن دارد و من پیش خود فکر کردم که اگر بعضی از جملاتی را که او استفاده می‌کند در عبارات خود بکار برم او متوجه عادت بدش می‌شود. آه اگر بدانید که چقدر او را زنجاندم. وقتی جمله اول را خواندم سکوت سنگینی گروه را فراگرفت و من متوجه نگاه تعجب‌آمیز آن شخص شدم. یکدفعه متوجه شدم که چقدر عمل خودم خارج از محبت و شفقت بوده و بی‌اندازه ناراحت شدم. این کاری است که دیگر هرگز نخواهم کرد.

ز: تمرین‌هایی که مثال‌ها و موقعیت‌های منفی را ارائه می‌دهد فقط زمانی مؤثر است که با بی‌طرفی عنوان شود که البته وقتی شخصی بخصوصی مورد اشاره می‌باشد غیر ممکن است. اگر آن شخص حاضر باشد شرمسار می‌شود اگر هم حاضر نباشد که البته گروه در باره کسی که می‌شناسند غیبت می‌کنند.

قبل از اینکه بحثمان را در مورد واحد اول تمام کنیم می‌خواهم توجهتان را به یک نکته دیگر جلب کنم. خیلی مهم است که پاراگراف کوچکی که در انتهای واحد در مورد تلاوت روزانه آیات الهی آمده نادیده نگرفت. می‌بایستی که حتماً در مورد آن در گروه‌های خود صحبت کنید و حتی اگر لازم باشد به شرکت کنندگان کمک کنید تا بیانی را انتخاب کنند که برای مدتی، هر روز صبح و شب بخوانند. برای این منظور باید خاطر نشان سازید که همه شرکت کنندگان اقلأ یک نسخه از «کلمات مکنونه» را داشته باشند. اگر ندارند مطمئن شوید یک نسخه تهیه نمایند. در جلسات بعدی می‌توانید از آنهایی که مایل هستند تقاضا کنید تا بیاناتی را که خوانده‌اند با دیگران در میان گذارند.

ممکن است مفید باشد که تمرین ذیل را انجام دهید:

همان طوری که آن شخص با تجربه عنوان کرد تمرین‌های صحیح/ اشتباه در مطالب مؤسسه روحی با آنهایی که در امتحانات مدارس که اغلب بدون فکر و از روی عادت جواب داده می‌شود کاملاً متفاوت است. هدف از آنها این است که شرکت کنندگان را در سلسله تفکرات خویش همراهی کنند و به آنها کمک نمایند تا مسأله را از کلیه جوانب بررسی کنند. پیشنهاد می‌شود که تمرین‌های صحیح/ اشتباه واحد اول کتاب ۱ را با گروهتان مرور کنید و مثال‌های دقیقی بیاورید تا نشان دهید که چگونه این تکنیک برای افزایش ادراک استفاده شده است.

## بخش بیست و پنجم

حال که در نظریات یک گروه از راهنماها و شخص با تجربه در مورد مطالب واحد اول کتاب ۱ تفکر نموده‌اید ممکن است بخواهید به مکالمه احتمالی در مورد واحد دوم این کتاب تحت عنوان «دعا و مناجات» گوش کنید.

الف: گروه من مشتاق بود که واحد دوم را شروع کند. حال موقع را مغتنم می‌دانستند که بیانات طولانی‌تری بخوانند و در مورد مسائل پیچیده‌تری صحبت کنند. در ضمن به تمرین‌هایی که در باره معانی کلمات بخصوصی مثل «التماس»، «ابتهاج»، «تلاوت»، «از حفظ خواندن»، «نشر» و «فریضه» سؤال کرده علاقه خاصی نشان دادند. جملات مختلفی با آن کلمات درست کردیم و مطمئن شدیم که معانی برایمان روشن است. یکی دو بار هم از فرهنگ لغت استفاده کردیم.

ز: به نظر من کاری که شما کردید خوب است. عبارتی که در قسمت ”همکاران گرامی“ راجع به استفاده از فرهنگ لغت آمده به این منظور نیست که استفاده از لغتنامه را منع نماید بلکه فقط به این منظور است که معانی لغات باید در متن جملات درک شود بخصوص وقتی که جملات از آثار مبارکه باشد. گاهی ممکن است بحث در مورد معنی یک لغت زیاده از حد به طول انجامد. بعضی اوقات مردم سعی می‌کنند که بیان را لغت به لغت درک کنند لذا هدف مهم‌تری که درک معنی کلمه بیان است فراموش می‌شود. مثلاً در بخش چهار واحد دعا و مناجات معانی کلمات ”تلاوت“، ”از حفظ خواندن“ و ”نشر“ برای این سؤال شده که توجه شرکت کنندگان را به بعضی از مفاهیم نقل شده در بیان جلب کند، آنها تمرین‌هایی برای یادگیری معانی لغات نمی‌باشد.

ب: یک نوع تمرین دیگر در بخش پنجم این واحد است که به نظر اعضای حلقه مطالعه من خیلی مؤثر بود و آن تمرینی است که در آن از شرکت کنندگان خواسته شده تا جاهای خالی را در جملات با مطابقت با آثار الهی پر کنند.

ز: آن هم تکنیک دیگری است که در واحدهای مختلف در سراسر کتاب‌های مختلف استفاده شده. این تمرین‌ها برای این طرح شده که با تمرکز در کلمات جا افتاده شرکت کنندگان را وادار به تفکر در مورد بیان مبارک نماید. همین طور که می‌دانید در بعضی از تمرین‌های کتاب‌های بعدی جملات غالباً تکرار شده‌اند با این تفاوت که هر دفعه کلمات مختلفی حذف شده‌اند. خوب است بیائید مسأله تکنیک را فعلاً کنار بگذاریم و به بعضی از مفاهیم مهم این واحد بپردازیم.

پ: در بخش اول سؤال شده است ”آیا هدف دعا و مناجات فقط درخواست آنچه که احتیاج داریم می‌باشد؟“ گروه ما بحث خوبی در مورد هدف دعا و مناجات داشت. این بحث نه تنها در مورد اینکه چرا دعا و مناجات می‌خوانیم بلکه در مورد رابطه خود با خداوند نیز بود.

الف: بخش سوم مفهوم ”حالت دعا“ را معرفی می‌کند. خیلی از شرکت کنندگان گروه من هیچ وقت به دعا و مناجات باین صورت نگاه نکرده بودند. همانطور که خود من در ابتدای مطالعه این واحد دعا و مناجات را به عنوان عملی که انجام دادنی است تلقی می‌کردم، آنها هم همینطور فکر می‌کردند و نه حالتی که انسان سعی می‌کند به آن نائل گردد. بنابراین قبل از ادامه و مطالعه بخش بعد کمی تأمل کرده و راجع به این موضوع صحبت نمودیم.

ب: علاوه بر هدف و حالت دعا و مناجات مفهوم دعا کردن با ایمان مسأله‌ای بود که گروه ما دوست داشت راجع به آن بطور مفصل بحث کند. این خودش بحث را برای حالتی که باید با آن روش به دعا و مناجات پرداخت باز می‌نماید.

ز: تمام این مفاهیم مسائل مهمی است که می‌بایستی بررسی شود. متأسفانه همین طور که احساسات مذهبی عمیق خود را در دنیا از دست داده تعداد زیادتری از مردم یا اصلاً دعا نمی‌خوانند و یا اینکه به دعا و مناجات به صورت آداب و تشریفات نگاه می‌کنند. بعضی‌ها هم فقط در مواقع ناراحتی و بحران دعا می‌کنند. به این علت است که تفکر در این نوع مسائل مربوط به دعا و مناجات برای آنهایی که در جستجوی حیات روح هستند یک مسئله اساسی است.

الف: من سؤالی راجع به بخش ششم دارم. در آن بخش شرکت کنندگان تشویق شده‌اند که سه قسمت از نماز کبیر را از حفظ کنند. آیا می‌بایستی آنها را تشویق می‌کردم تا تمام نماز را از حفظ کنند؟

ز: مثل خیلی از موارد دیگر این هم بستگی به شرکت کنندگان دارد. بعضی از آنها ممکن است که تازه عادت به دعای روزانه کرده باشند. بنابراین برای آنها حفظ کردن سه قسمتی که پیشنهاد شده کافی خواهد بود، بعداً می‌توانند تمام نماز را یاد بگیرند. البته بقیه افراد ممکن است تمام نماز را از حفظ باشند در هر صورت من احساس می‌کنم فکر خوبی باشد به عنوان راهنمایان دوره اگر تا به حال نماز کبیر را از حفظ نکرده ایم آن را حفظ کنیم.

پیشنهاد می‌شود که تمرین‌های ذیل را انجام دهید:

۱. تصوّر کنید که اعضای حلقه مطالعه شما در جواب دادن به سؤالات ذیل که در بخش ۷ آن واحد آمده اشکال دارند. چه نکاتی را در مورد هر کدام ذکر می‌کنید تا به تفکر آنها کمک شود؟  
الف. چگونه می‌توانیم ما سوی الله را فراموش کنیم؟  
ب. چرا اهمیت دارد که دعا و مناجات با ایمان و اطمینان باشد؟  
ج. اگر در حین دعا افکار ما به امور دیگر مشغول باشد نتیجه آن چه خواهد بود؟

۲. در مواقع متعدد راجع به اهمیت از حفظ کردن آیات صحبت کرده‌ایم. تا کنون خود شما بیانات متعددی را از حفظ نموده‌اید و ارزش توانائی تمسک به قوه کلمات الهیه را چه در لحظات دعای شخصی، چه در مواقع ناراحتی و یا در هنگام تبلیغ به خوبی می‌دانید. شما ممکن است به کودکان خردسال هم در حفظ کردن نصوص در کلاس‌های بهائی برای کودکان کمک کرده باشید. بیشتر تجاربی که کسب نموده‌اید به شما در همکاری با اعضای حلقه مطالعه شما کمک می‌نماید. در اینجا مفید خواهد بود اگر بعضی از طرقی را که با آن می‌توانید به شرکت کنندگان کمک کنید تا در حفظ کردن موفق شوند بررسی کنید. بعد از این کار می‌توانید نص کوتاه ذیل را از حفظ کنید:

”... و هر صدری که کلمات او را حفظ نماید خداوند مملو فرماید او را از محبت خود اگر مؤمن به او باشد...”<sup>۹</sup>

## بخش بیست و ششم

شما از مطالعه خود در قسمت ”همکاران گرامی“ می‌دانید که واحد سوم کتاب اول ”زندگی و مرگ“ مشکلات مخصوصی برای راهنما و شاگردان بطور یکسان ایجاد می‌کند. حال اجازه دهید ببینیم که یک گروه شرکت کنندگان در جلسه راهنمایان چگونه ممکن است آن بخش را مرور نماید. الان می‌توانید توجه خود را به آن بخش معطوف سازید.

الف: با وجود اینکه راهنما بودن برای این دوره مشکل بود برای من ارزش بخصوصی داشت. من حالا می‌فهمم منظور از آن عبارت در قسمت ”همکاران گرامی“ که می‌گوید تمام اعضاء حلقه مطالعه در یک فراگیری دوجانبه مشغول هستند، چیست. من در طی مطالعه این مطالب با گروه خود به خیلی از مسائل پی بردم. مثلاً من قبلاً فکر می‌کردم که عبارات صحیح/ اشتباه قسمت اول یک تمرین ساده بود. بنابراین خیلی تعجب کردم وقتی دیدم که تعدادی از شرکت کنندگان عبارت تمرین ۲ را که می‌گوید ”زندگی عبارت از اموری است که روزانه بر ما می‌گذرد ”صحیح“ علامت زدند. و وقتی به تمرین صحیح/ اشتباه قسمت بعد رسیدیم یکی دونفر از همان شرکت کنندگان عبارت ”مرگ انتهای زندگی است“ و ”زندگی با مرگ منتهی می‌شود“ را صحیح علامت زدند. بنابراین به این نتیجه رسیدم که ما احتیاج داشتیم در مورد این موضوع بیشتر بحث کنیم. بعضی از نکاتی که در طی مشورت‌ها مطرح شد خیلی جالب بود و باعث روشن شدن افکار شرکت کنندگان شد.

ب: من هم متوجه شدم که تمرین‌های صحیح/ اشتباه واقعاً به ما کمک کردند که راجع به مسائل فکر کنیم. در بخش ششم خیلی از شرکت کنندگان عبارت ”زندگی واقعی هنگامی شروع می‌شود که انسان این جهان را ترک می‌کند و به عالم ملکوت می‌رود“ را صحیح علامت زدند ولی بعداً وقتی به عبارت بعدی رسیدند ”حیات واقعی حیات روح است“ به این نتیجه رسیدند که اگر آن عبارت صحیح است پس این عبارت اخیر می‌بایستی اشتباه باشد. به خوبی می‌دیدم که همگی مشغول تفکر عمیق درباره مسأله روح بودند. ما مجبور بودیم که بعد از اتمام آن جلسه در آن روز به بحث خود خاتمه دهیم ولی اگر اشتباه نکنم وقتی دوباره هفته بعد گرد هم جمع شدیم تغییراتی در همه شرکت کنندگان احساس کردم.

ز: دلیل اینکه اکثراً این واحد را الهام بخش می‌یابند. دقیقاً به خاطر این است که سؤالات بسیاری در مورد زندگی روح در این دنیا و عوالم بعدی الهی را مطرح می‌کند. در رابطه با حیات بهائی داشتن گفته شده که حضرت عبدالبهاء فرموده‌اند اولین کاری که باید کرد این است که عطشی برای روحانیت کسب نمود. برای کسب این عطش حضرت عبدالبهاء فرموده‌اند که انسان باید در مورد زندگی بعد از مرگ تفکر کند.

پ: وقتی که ما بخش نهم را مطالعه می‌کردیم بحث خیلی جالبی راجع به سؤال ”چرا روح محل آسمانی خود را از برای آب و گل این جهان عوض می‌نماید“ داشتیم؟ یکی از اعضاء این گروه به این نکته اشاره کرد که روحانیت چیزی نیست که انسان بتواند کسب کند و برای همیشه داشته باشد بلکه انسان باید همیشه در حال

کنترل طبیعت نفسانی خود باشد. او گفت “ همیشه عاملی وجود دارد که باعث سقوط ما می‌شود” این حرف باعث شد که شرکت کننده دیگری مسأله آماں و آرزو را به میان آورد. آن شرکت کننده گفت که طبیعت قلوب انسانی این است که به دنبال آماں و آرزو باشد و ما باید سعی کنیم تا خودمان را مقدس از هوی و هوس نماییم. بعد در مورد کیفیت آماں و آرزو صحبت کردیم. گفته شد که بعضی از آماں و آرزوها خوب هستند مثل آماںی که شخص برای سخت کاری در خود می‌پروراند تا زندگی بهتری برای خود فراهم کند. ولی به این نتیجه رسیدیم که این آماں هم باید حد و حصری داشته باشد. اگر شخصی برای زندگی مادی بهتر آندر کار کند که در خدمت امری او وقفه به وجود آید آماں و آرزوهایش به حرص و طمع تبدیل شده است. بعد شخصی سؤال کرد “ در مورد آرزوی کسب رضای الهی چه می‌گوئید؟” و همگی متوجه شدیم که آرزوهایی نیز هست که نباید برای آنها حد و حصری قائل شد. نهایتاً به این نتیجه رسیدیم که هر چه آرزوهای روحانی ما قوی‌تر شود بیشتر باعث کنترل هوی و هوس ما می‌گردد.

الف: چیزی که راجع به آماں و آرزو گفتید مرا به یاد بخش دیگری در این واحد انداخت که من با آن کمی اشکال داشتم. در بخش چهاردهم از شرکت کنندگان خواسته شده است که چند خیال واهی را نام ببرند. به هر دلایلی که بود اعضاء گروه من نمی‌توانستند چیزی را نام ببرند. من هم به خیال اینکه آنها خودشان چند چیزی را اسم می‌برند لیستی تهیه نکرده بودم. برای همین حالت ناجوری به وجود آمد.

ز اشکالی ندارد اگر این حالت ناجور گاهی به وجود آید. نباید مأیوس شوید. “کسب تجربه” به همین معناست. حال که این تجربه را با ما در میان گذاشتید همگی واقف شدیم که فکر خوبی است لیست کوتاهی از خیال‌های واهی داشته باشیم برای مواقعی که ممکن است در موقعیت مشابهی قرار بگیریم.

بدون شک موارد بی‌شمار دیگری در واحد سوم می‌باشد که ممکن است در جلسه راهنمایان مورد بحث و گفتگو قرار بگیرد. ولی ما صحبت خیالی خود را در اینجا به پایان می‌رسانیم. چیزی که در این مرحله ممکن است مفید باشد این است که بخش آخر واحد را با گروهتان بحث کنید. در آن بخش از هر شرکت کننده خواسته شده است که در مورد ادراکی که از مطالعه این واحد کسب کرده و تأثیراتی که آن ادراک در زندگی او خواهد گذاشت تفکر کند و تصمیماتی در این باره بگیرد. اهمیت این بخش در رابطه با هدف کلی کتاب ۱ چیست؟ به چه طریق جوانب چهارگانه زندگی که در آن بخش نام برده شده با مسأله هویت مربوط می‌شود؟

## بخش بیست و هفتم

این واحد را با نگاه مختصری به مسأله انگیزه شروع کردیم و چند منشأ عمده آن را که شامل عطش برای کسب دانش و کشش به سوی زیبایی بود تحت بررسی قرار دادیم. این موضوع طبیعتاً بحث را به مسأله مشارکت رساند که بر اساس آن بحث به مسأله روش و شیوه کشیده شد. بعد سه عنصر روش آموزشی تحصیل از راه دور که مؤسسه روحی

از آنها پیروی می‌کند: یعنی دوره‌های متسلسل اصلی، حلقه‌های مطالعه و راهنما تحت توجّه قرار گرفت. صریحاً قید کرده‌ایم که این واحد به تنهایی نمی‌تواند تنها "دستورالعمل تعلیم راهنما" باشد و شما باید مرتباً قابلیت خود را به عنوان یک راهنما با شرکت کردن در جلسات متناوب که مؤسسه به این منظور در ناحیه شما ترتیب می‌دهد افزایش دهید. در قسمت‌های اخیر واحد نمونه‌ای از اینکه شرکت شما در این نوع جلسات چگونه خواهد بود را مشاهده نمودید. حال امیدواریم که اگر تا کنون حلقه‌های مطالعه تشکیل نداده‌اید در این مرحله بی‌صبرانه مشتاق تشکیل یک حلقه مطالعه باشید. مؤسسه‌ای که در آن خدمت می‌کنید به شما در این راه کمک خواهد کرد. پس اجازه دهید که در این بخش‌های آخر از موقعیت استفاده کرده و راجع به نتایجی که از تشکیل حلقه‌های مطالعه انتظار دارید بدست آورید صحبت کنیم.

در نقشه‌ها و پروژه‌های یک جامعه بهائی برای هدف توسعه سریع رشد سه عنصر شرکت کننده وجود دارد: فرد، جامعه و تشکیلات. مطالعه کتاب‌های مؤسسه روحی چه سهمی در پیشرفت هر یک از این شرکت کنندگان یعنی افراد اعضای حلقه مطالعه، جامعه‌ای که حلقه مطالعه در آن تشکیل می‌شود و تشکیلاتی که مسئولیت نظم اداری این جامعه را به عهده دارد، خواهد داشت؟

بیت العدل اعظم الهی در مورد فرد بهائی فرموده‌اند:

"نقش و وظیفه فرد در خدمات امری حائز اهمیت بی نظیر است. فرد است که روح ایمان را که اساس موفقیت در اقدامات تبلیغی و توسعه و پیشرفت جامعه است زنده و نباض نگاه می‌دارد. از حکم حضرت بهاءالله که فرد مؤمن را موظف می‌سازد که به تبلیغ امر مبارکش پردازد مفری نیست و نمی‌توان آن را به یکی از مؤسسات امری محول نمود و هیچ یک از آن مؤسسات نیز نمی‌تواند این وظیفه افراد را بر عهده گیرد. تنها فرد بهائی است که می‌تواند استعدادهایی را که مشتمل بر توانایی استفاده از ابتکارات شخصی، اغتنام فرصتها، ایجاد روابط دوستانه با دیگران، معاشرت و مصاحبت با سایرین، برقرار ساختن ارتباط با مردمان، جلب همکاری سایرین در خدمات مشترک امری و اجتماعی و بالاخره اجرای تصمیمات متخذه به وسیله هیأتها و مؤسسات امری است به کار گیرد. این وظیفه فرد بهائی است که به جمیع وسائل ممکنه متشبث شود و طرق مختلفه را به کمال دقت مورد مطالعه قرار دهد تا به جلب افکار و حفظ علائق و تحکیم و تقویت ایمان نفوسی که دخولشان را در ظل امرالله طالب و الحاقشان را به جامعه اعظم شائق و آرزومند است توفیق یابد."

"فرد بهائی برای حداکثر استفاده از این قابلیت به عشقی که به حضرت بهاءالله دارد، و به قوه عهد و میثاق، و به نیروی محرکه دعا و مناجات، و به الهامات و تعلیماتی که از مطالعه نصوص مبارکه حاصل می‌گردد، و بالاخره به قوای تقلیب کننده‌ای که در اثر کوشش در انطباق رفتار با احکام و اصول الهی در روح و وجدانش ایجاد می‌شود متکی و متوسل می‌گردد. علاوه بر اینها به فرد بهائی که موظف به تبلیغ امرالله

است این استعداد عطا شده که جاذب تأییداتی باشد که حضرت بهاء الله مؤکداً وعده فرموده اند: ”تالله الحق من یفتح الیوم شفتاه فی ذکر اسم ربّه لینزل علیه جنود الوحی عن مشرق اسمی الحکیم العلیم وینزلنّ علیه اهل ملاً الاعلی بصحائف من النور“<sup>۱۰</sup> (مضمون بیان مبارک به فارسی چنین است: سوگند به خداوند هر که لبان خود را به ذکر نام پروردگارش بگشاید لشگرهای وحی از مشرق اسم حکیم علیم من بر او نازل می شود و اهل ملاً اعلی با صحائف نور بر او وارد می شوند)

بر اساس بیان فوق چند کلمه راجع به اینکه امیدوارید شرکت کنندگان حلقه های مطالعه شما چه نتایجی از مطالعه شش کتاب اول مؤسسه روحی بدست آورند، بنویسید.

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

بیت العدل اعظم در مورد جامعه فرموده اند:

”بدیهی است که جامعه بیش از مجموع اعضاء آن است. جامعه واحد جامعی از تمدن است که مرکب است از افراد، خانواده ها و مؤسسات که خود سازنده و مشوق نظامها و عوامل و سازمان هائی است که برای مقصدی واحد که عبارت از رفاه مردم در داخل و خارج جامعه باشد با یکدیگر همکاری می کنند. جامعه ترکیبی از شرکت کنندگان است که با یکدیگر متفاوتند و لکن در یکدیگر تأثیر و تأثر متقابل دارند و پیوسته می کوشند تا برای نیل به پیشرفت و رفاه اجتماعی وحدت لازم را در میان خود ایجاد نمایند. چون بهائیان در همه نقاط در مراحل اولیه به وجود آوردن جامعه هستند، باید برای انجام وظیفه ای که در پیش داریم کوششی عظیم معمول گردد“

”همان طور که اخیراً در پیام دیگری متذکر شدیم شکوفائی جامعه مخصوصاً در سطح محلی نیاز به تحوّل مهمّ در نحوه رفتار دارد: نحوه رفتاری که نمایانگر فضایل افراد عضو جامعه به صورت گروهی و نحوه عمل محفل روحانی در ایجاد وحدت و یگانگی در جامعه و تحرک و رشد آن باشد. این تحوّل در نحوه رفتار





## بخش بیست و هشتم

حال اجازه دهید به ”فرد“ برگردیم و تأثیرات مطالعه کتاب‌ها را در شرکت کنندگان یک حلقه مطالعه در نظر بگیریم. کلمه‌ای است که قبلاً در این واحد ذکر شده و آن کلمه ”قدرت یافتن“ ”تواندهی“ است. متأسفانه این کلمه مرتباً به وسیله نهضت‌های سیاسی استفاده شده و در اغلب اجتماعات در رابطه با قدرت سیاسی به کار برده می‌شود. البته ما با آن گونه قدرت کاری نداریم. هدف دوره‌های ما این است که یاران را سرشار از قدرت روحانی و اخلاقی نمائیم تا به خدمت امر قیام نمایند. در اینجا بعضی از صفاتی را که لازمه توانائی افرادی است که در مسیر تواندهی روحانی و اخلاقی قدم برمی‌دارند ذکر می‌کنیم. چند تا دیگر به آنها اضافه کنید.

- صداقت در عمل
- توکل به حق
- سرور موفور و نورانیت قلب
- روح بخشنده، پاکی قلب و روشنی فکر
- درک عمیق هدایت نهفته در ظهور حضرت بهاءالله
- کسب دائمی دانش از تعالیم بهائی
- شناخت قوای منقلب کننده کلمات الهی
- آزادی از طریق اطاعت قوانین حضرت بهاءالله
- آرزوی درونی برای کسب برتری بواسطه جذب و شوق برای زیبایی و کمال
- آگاهی از وحدت عالم انسانی و عشق عمیق به بشریت
- احساس عمیقی از تاریخ و جایگاه فرد در آن
- اشتیاق و آرزو برای تبلیغ و خدمت به عالم انسانی

- گرایش به آموختن
- تمرکز دائمی بر روی هدف و اراده و وصول به آن
- استقامت در برابر امتحانات و مشقات
- وقف همت در کاربرد تعالیم مبارکه
- احساس مسؤولیت برای رشد شخصی و پیشرفت جامعه بهائی
- تعهد عمیق به پیشرفت روحانی افراد جامعه خود
- آگاهی از قوای روحانی که هر فرد بهائی می تواند از آن بهره بگیرد
- قابلیت شرکت در فعالیت های جامعه به عنوان یک شرکت کننده مصمم و در عین حال خاضع
- توانایی کمک در ایجاد وحدت و توافق در مشورت

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

مشخصات مختلفه حلقه های مطالعه که تشکیل می دهید و فعالیت هایی که در آنها صورت می گیرد باعث پرورش این صفات می گردد. چندین جمله در مورد اینکه چگونه این مشخصات یک یا دو تا از صفات فوق را پرورش می دهد بنویسید. برای هر موقعیتی یک مثال برای کمک به شما آورده شده است.

۱. جو محبت آمیزی که در یک حلقه مطالعه حکمفرماست:

الف. جو محبت آمیزی که در یک حلقه مطالعه حکمفرماست عشق شرکت کنندگان را به نوع بشر تقویت می کند.

ب. \_\_\_\_\_

\_\_\_\_\_

ج. \_\_\_\_\_

\_\_\_\_\_

۲. روح رفاقتی که در میان شرکت کنندگان یک حلقه مطالعه بوجود آمده است:

الف. روح رفاقت در میان شرکت کنندگان یک حلقه مطالعه باعث تقویت تعهد شرکت کنندگان به پیشرفت روحانی مردم جامعه خود می شود.

ب. \_\_\_\_\_

\_\_\_\_\_

ج. \_\_\_\_\_

\_\_\_\_\_

۳. جو انضباط روحانی که یک حلقه مطالعه در آن تشکیل می شود:

الف. جو انضباط روحانی که یک حلقه مطالعه در آن تشکیل می شود در کسب آزادی از طریق اطاعت قوانین حضرت بهاءالله به شرکت کنندگان کمک می نماید.

ب. \_\_\_\_\_

\_\_\_\_\_

ج. \_\_\_\_\_

\_\_\_\_\_

۴. روش مبنی بر مشارکت افراد که توسط مؤسسه استفاده می شود:

الف. روش مبنی بر مشارکت افراد که مؤسسه استفاده می کند یک احساس مسؤولیت برای ترقی فرد و پیشرفت جامعه به وجود می آورد.

ب. \_\_\_\_\_

\_\_\_\_\_

ج. \_\_\_\_\_

\_\_\_\_\_

۵. روند و سرعت مطالعه که در هر گروه به وجود می آید:

الف. روند و سرعت مطالعه که در هر گروه به وجود می آید حس رسیدن به اهداف و اراده جهت اکمال کارها را در شرکت کنندگان تقویت می کند.

ب. \_\_\_\_\_

\_\_\_\_\_

ج. \_\_\_\_\_

\_\_\_\_\_

۶. اهمیتی که به مطالعه آثار الهی داده شده:

الف. اهمیتی که به مطالعه آثار الهی داده شده موجب سرور و نورانیت قلب می‌گردد.

ب.

---

---

ج.

---

---

۷. حفظ کردن مناجات‌ها و آثار مبارکه:

الف. حفظ کردن مناجات‌ها و آثار مبارکه به روشنی عقل و فکر کمک می‌کند.

ب.

---

---

ج.

---

---

۸. تمرین‌هایی که تمرکز بر روی معنی ظاهری نصوص مبارکه است:

الف. تمرین‌هایی که تمرکز در معنی ظاهری نصوص مبارکه است باعث تقویت قوای شرکت‌کنندگان در رسیدن به توافق نظر از راه مشورت می‌گردد.

ب.

---

---

ج.

---

---

۹. تمرین‌هایی که به شرکت‌کنندگان کمک می‌کند تا آثار الهی را در زندگی روزمره خود به کار ببرند:

الف. تمرین‌هایی که به شرکت‌کنندگان کمک می‌کند تا آثار الهی را در زندگی روزمره خود به کار ببرند باعث تقویت قوای آنها به منظور تطبیق تعالیم مبارکه در زندگی روزمره می‌شود.

ب.

---

---

ج.

---

---

۱۰. تمرین‌هایی که ایجاد بصیرت در درک معانی باطنی نصوص مبارکه می‌نماید:

الف. تمرین‌هایی که ایجاد بصیرت در درک معانی باطنی نصوص مبارکه می‌نماید باعث درک عمیق شرکت‌کنندگان از راهنمایی‌های نهفته در ظهور حضرت بهاء‌الله می‌شود.

ب. \_\_\_\_\_

\_\_\_\_\_

ج. \_\_\_\_\_

\_\_\_\_\_

۱۱. قوه انعطاف‌پذیری موجود در روش مؤسسه:

الف. قوه انعطاف‌پذیری روش مؤسسه به پرورش رفتار لازم برای ایجاد حالت یادگیری کمک می‌نماید.

ب. \_\_\_\_\_

\_\_\_\_\_

ج. \_\_\_\_\_

\_\_\_\_\_

۱۲. تمرین عملی بعضی از خدمات مخصوص:

الف. تمرین عملی که اعضای حلقه مطالعه انجام می‌دهند اشتیاق آنها را برای تبلیغ و خدمت به بشریت افزایش می‌دهد.

ب. \_\_\_\_\_

\_\_\_\_\_

ج. \_\_\_\_\_

\_\_\_\_\_

۱۳. فعالیت‌های هنری که در یک حلقه مطالعه پیگیری می‌شود:

الف. فعالیت‌های هنری یک حلقه مطالعه عشق و علاقه شرکت‌کنندگان را به زیبایی و کمال بیدار می‌کند.

ب. \_\_\_\_\_

\_\_\_\_\_

ج. \_\_\_\_\_

\_\_\_\_\_

۱۴. فعالیت‌های فوق برنامه‌ای که یک حلقه مطالعه به عهده می‌گیرد:

الف. فعالیت‌های فوق برنامه یک حلقه مطالعه به اعضای آن گروه کمک می‌کند تا قوای خود را برای شرکت در فعالیت‌های جامعه به عنوان یک عضو مصمم در عین حال خاضع تقویت نماید.

ب.

---

ج.

---

### بخش بیست و نهم

تأملی که در بخش قبل در مورد نیروهای یک حلقه مطالعه داشتیم، نیروهایی که از هدف یک حلقه مطالعه برای کمک به تواندهی روحانی و اخلاقی شرکت کنندگان سرچشمه می‌گیرد حتماً باعث تقویت اعتقاد شما به این مسأله شده که برای اینکه شخصی بتواند راهنمای مؤثری باشد باید یاد بگیرد که چگونه دیگران را پرورش دهد. شما می‌بایستی هنر تشویق کردن را یاد بگیرید و توانایی خود را در پرورش استعداد دیگران تقویت کنید. این امر فقط هنگامی امکان پذیر است که خود را از موفقیت‌های شخصی منقطع نمائید و از پیشرفت و موفقیت دیگران احساس سرور نمائید. در واقع این بخوبی می‌تواند رمز موفقیت یک راهنمای ممتاز باشد.

اجازه دهید این واحد را با تفکر در بیان ذیل از حضرت عبدالبهاء خاتمه دهیم:

”امروز جمیع طوائف عالم به خودپرستی مشغول نهایت سعی و کوشش می‌نمایند که منافع ناسوتی خویش را ترویج نمایند. خود را می‌پرستند نه ذات الهی را و نه عالم انسانی را. منفعت خویش می‌طلبند نه منفعت عمومی را و این به سبب آن است که اسیر عالم طبیعتند و از تعالیم الهی و فیض ملکوتی و انوار شمس حقیقت بیخبر. حال شما الحمدلله به این موهبت اختصاص یافته اید و از مختارین گشته اید و بر تعالیم آسمانی اطلاع یافته اید و داخل در ملکوت الله شده اید و مظاهر الطاف بی پایان گشته اید به آب حیات و نار محبت الله و روح القدس تعمید یافته اید.“

”پس به جان و دل بکوشید که انجمن عالم را شمعهای روشن شوید و افق حقیقت را ستاره های درخشنده گردید و سبب انتشار انوار ملکوت شوید تا عالم انسانی عالم الهی گردد و جهان ناسوت آئینه جهان لاهوت شود. محبت الهیه و رحمت ربّانیه در قطب عالم خیمه برافرازد و نفوس بشر امواج بحر حقیقت گردند و عالم انسانی یک شجره مبارکه شود. آیات توحید ترتیل گردد و آهنگ تقدیس به ملاً اعلیٰ رسد“

”من شب و روز تضرّع و ابتهال به ملکوت الهی نمایم و شما را تأیید و توفیق نامتناهی طلبم. نظر به قابلیت و استعداد خود منماید. نظر به فیض کلی و موهبت الهی و قوت روح القدس نمائید که قطره ها را دریا نماید و ستاره را آفتاب فرماید“

”الحمد لله جنود ملاء اعلى نصرت می نماید و قوت ملکوت معین و ظهیر است. اگر در هر دقیقه لسان به شکرانه گشائید از عهده شکر این الطاف بر نیائید“<sup>۱۲</sup>



## مراجع

۱. لوح حضرت عبدالبهاء در تقدیر جناب صدر الصدور، مکاتیب جلد اول ص ۲۳۱-۲۳۰ چاپ مصر
۲. مأخذ بالا، ص ۲۲۹
۳. منتخباتی از آثار حضرت بهاء الله، شماره ۷۵ ص ۹۷، لجنه نشر آثار امری به لسان فارسی و عربی، آلمان
۴. منتخباتی از آثار حضرت بهاء الله، شماره ۱۵۱ ص ۲۰۶، لجنه نشر آثار امری به لسان فارسی و عربی، آلمان
۵. کتاب قرن بدیع، ص ۴۲۹، مؤسسه معارف بهائی، کانادا
۶. پیام رضوان ۲۰۰۰
۷. منتخباتی از آثار حضرت بهاء الله، شماره ۹۴ ص ۱۲۷، لجنه نشر آثار امری به لسان فارسی و عربی، آلمان
۸. ترجمه از الواح حضرت عبدالبهاء جلد اول انگلیسی
۹. منتخباتی از آثار حضرت اعلی، ص ۶۹ (بیان فارسی)، مؤسسه مطبوعات امری، ایران
۱۰. پیام رضوان ۱۵۳ بدیع (۱۹۹۶)
۱۱. پیام رضوان ۱۵۳ بدیع (۱۹۹۶)
۱۲. منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء شماره ۶۸ صص ۱۰۱-۱۰۳ (چاپ شیکاگو).





## ترویج هنر

### هدف

درک و فهم نقش مساعی هنری در  
فعالیت‌های حلقه مطالعه.



## بخش اول

در دو واحد اول این کتاب مفاهیم، خصوصیات، رفتارها و مهارت‌هایی را که قابلیت شما را در خدمت به عنوان راهنمای کتاب‌های مؤسسه روحی از کتاب ۱ تا ۶ شکل می‌دهد بررسی نمودیم. در اغلب اوقات با تأسیس حلقه‌های مطالعه در جامعه خود یا جوامع مجاور به این خدمت قیام خواهید کرد و هر گروه را در مطالعه دوره‌های متسلسل مؤسسه همراهی و شرکت کنندگان را هدایت خواهید نمود تا جنبه‌های عملی دوره‌ها را به اتمام رسانند. مطالعه دوره‌های متسلسل در حلقه‌های مطالعه فقط یک هدف دارد و آن این است که به آنان قدرت اخلاقی و روحانی دهد تا در طریق خدمت به امر و بشریت گام بردارند.

هدف از این واحد سوم، تأمل در ایده مهم و اساسی دیگری است و آن اهمیت نقش شما در پرورش احساسات هنری شرکت کنندگان چه از طریق موسیقی، شعر، نقاشی، نمایش و یا هر نوع از انواع گوناگون هنر می‌باشد. پرورش این قوا کمک بزرگی به توانائی شرکت کنندگان در خدمات مربوطه به حلقه‌های مطالعه خواهد بود. لذا از شما درخواست می‌نمائیم که در فعالیت‌های هر حلقه مطالعه مساعی هنری گنجانده شود. نباید این موضوع را به عنوان تفریح یا فعالیت فوق برنامه- که خود به طور وسیعی در برنامه مؤسسه منظور گردیده- انگاشت بلکه باید آن را به عنوان عنصری اساسی در افزایش ترقی روحانی شرکت کنندگان محسوب داشت. برای شروع، سؤالات ذیل را بررسی کنید:

۱. مردم ناحیه شما چه نوع آلت موسیقی را می‌نوازند و یا به چه نوع موسیقی گوش می‌دهند؟
۲. موسیقی مورد علاقه شما کدام است؟ در چه اوقاتی و چرا به آن گوش می‌دهید؟
۳. آیا هر نوع موسیقی مناسب هر موقعیت است؟
۴. یکی از الحان مورد علاقه خود را سوت بزنید، زمزمه کنید و یا بخوانید؟ چرا آن را دوست دارید؟
۵. آیا داستان گفتن نوعی هنر است؟ آیا شعر گفتن و شعر سرودن هنر است؟
۶. یکی از اشعاری را که دوست دارید بخوانید و یا داستانی را بیان کنید.
۷. کدام نمایش در ناحیه شما مورد پسند اکثریت مردم است؟
۸. به غیر از فیلم‌های سینمایی، ویدیویی یا تلویزیونی، آیا اخیراً نمایشی را تماشا کرده‌اید؟ می‌توانید آن را وصف کنید؟ چه تأثیری بر شما داشته است؟
۹. اغلب فرهنگ‌ها، نقاشان یا مجسمه سازان مشهور خود را دارد. برجسته‌ترین آنان را در منطقه خود نام ببرید. آیا کار هیچ یک از آنان را دیده‌اید؟

۱۰. آیا می‌توانید چند نوع حرفه و کاردستی را نام ببرید؟ آیا شما حرفه‌ای می‌دانید؟ آیا حرفه‌ای هست که نمی‌دانید ولی مایل به فراگرفتن آن هستید؟
۱۱. اغلب فرهنگ‌ها رقص‌های باستانی دارد. بعضی از رقص‌های باستانی ناحیه خود را توصیف کنید. آیا در مواقع مخصوص اجرا می‌شود؟ آیا افراد معینی آن را اجراء می‌کنند یا آنکه هرکس که مایل باشد می‌تواند در آن شرکت کند؟

## بخش دوم

برای آنکه از نقش هنرها در جریان مؤسسه فهم بیشتری داشته باشیم، تعدادی از نصوص مبارکه را در این بخش و بخش‌های بعدی مطالعه و در معانی آن تفکر می‌کنیم. حضرت عبدالبهاء می‌فرمایند:

”همه هنرها از مواهب روح القدس است. وقتی این انوار الهی بر ذهن یک موسیقیدان بتابد، آهنگی خوش نوا و زیبا ظاهر می‌شود. هر وقت بر خاطر شاعری پرتو افکند، اثری شاعرانه و لطیف خلق می‌گردد. هنگامی که افکار نقاشی را به روح و هیجان آورد، تصاویر شگفت‌انگیز و عالی جلوه می‌نماید. این عطایا وقتی به اعلی‌غایت خود واصل می‌گردد که جلوه ذکر و ثنای حق باشد“<sup>۱</sup> (ترجمه)

۱. اعلی‌غایت احساسات هنری چیست؟
- 
۲. مواهب هنری از کجا آمده؟
- 
۳. چگونه موهبت هنر، خود را در فکر یک موسیقیدان ظاهر می‌نماید؟
- 
۴. چگونه موهبت هنر خود را در فکر یک شاعر جلوه‌گر می‌نماید؟
- 
۵. چگونه موهبت هنر خود را در فکر یک نقاش نمایان می‌سازد؟
- 
۶. از تمام سرودهایی که می‌دانید یکی را انتخاب کنید که به نظر شما هدف ستایش و ذکر و ثنای حق را به اکمال می‌رساند. از چه نظر فکر می‌کنید این سرود عطیه روح القدس است؟
- 
-

۷. با رشد جامعه جهانی بهائی تعداد زیادی از ادعیه و نصوص مبارکه با نغمات موسیقی تلاوت می‌شود. در حلقه‌های مطالعه که در آن به عنوان راهنما خدمت می‌کنید از شرکت کنندگان خواهید خواست که هر چه بیشتر می‌توانند این گونه ادعیه و نصوص را فرا گیرند. ذیلاً یکی از الحان مورد علاقه عالم بهائی درج می‌گردد.

”طوبی لمحلّ  
طوبی لمحلّ و لبيت و لمقام  
و لمدينة و لقلب و لجبل  
و لكهف و لغار و لاودية  
و لبحر و لجزيرة و لدسكرة  
ارتفع فيها ذكر الله  
و ثنائه“

(مضمون بیان مبارک به فارسی چنین است: ای خوشا محلی و خانه‌ای و مقامی و شهری و قلبی و کوهی و غاری و دشتی و دریائی و جزیره‌ای و مزرعه‌ای که ذکر و ثنای الهی در آن مرتفع گردد).

## بخش سوم

حضرت عبدالبهاء می‌فرمایند:

”برای قلب و روح طبیعی است که از تقارن و هماهنگی و کمال اشیاء لذت برد. مثلاً یک خانه زیبا، باغی که به نحو مطلوب تنسيق یافته، یک خط زیبا، یک حرکت دلپذیر، کتابی که به سبک خوب نوشته شده باشد، البسه زیبا، در حقیقت کلیه چیزهای قشنگ و زیبا مایه سرور قلب و روح است. بنابراین مسلم است که صدای خوش نیز مایه مسرت عمیق گردد.“<sup>۲</sup> (ترجمه)

۱. چه چیز باعث لذت و سرور قلب و روح می‌شود؟

۲. کدام یک از حالات ذیل نمایانگر هماهنگی است:

الف. دو فرد در حال جدالند و شخص سوم دعا می‌خواند.

بلی  خیر

ب. مادری بچه خود را با خواندن سرودی می‌خواند در حالی که بقیه

بلی  خیر

فرزندان با آرامش به بازی مشغولند.

- ج. یک معلّم در حالی که پای خود را روی میز گذارده برای کودکان درباره ادب و نزاکت صحبت می‌کند.  
 خیر  بلی
- د. فردی در آثار مبارکه تعمّق می‌کند در حالی که تلویزیون روشن است.  
 خیر  بلی
- ه. معلّمی بر سر شاگردی فریاد می‌زند و از او می‌خواهد خوش رفتار باشد.  
 خیر  بلی

۳. حال سرودی را که مایه سرور قلب و روح است انتخاب نموده، آن را با صوت بخوانید.
۴. با گروه خود رقص‌های باستانی مختلف سرزمین خود را مورد مذاکره قرار داده و بین خود تصمیم بگیرید که کدام یک از حرکات این رقص‌ها نشان دهنده قشنگی و زیبایی است.
۵. با گروه خود چگونگی لذت و سرور قلب و روح انسان را از مشاهده اشیائی که نمایانگر تقارن و هماهنگی و کمال است مورد بررسی قرار دهید. بعضی از چیزهائی که در زندگی روزمره خود مشاهده می‌کنید و یا می‌شنوید که مایه سرور قلب و روحتان می‌گردد، نام ببرید؟

---



---



---



---



---



---

۶. یک حلقه مطالعه را که در آن به عنوان راهنما خدمت می‌کنید در نظر بگیرید. امور ذیل را یک بار با روشی که خوش آیند نباشد و سپس با روشی دلپذیر به نمایش در آورید.

- الف. خوش آمد گفتن به شرکت کنندگان هنگام ورود
- ب. معرفی یک شرکت کننده جدید
- ج. درخواست تلاوت مناجات از فردی
- د. خوش آمد گفتن به فردی که دیر آمده
- ه. تشویق فردی به حفظ کردن
- و. از شرکت کنندگان کلاس درخواست شود که آهسته صحبت کنند.



## بخش چهارم

همان طور که در بخش گذشته خواندیم ”... کلیه چیزهای قشنگ و زیبا مایه سرور قلب و روح است ...“<sup>۲</sup> از بحث‌هایی که درباره انگیزه نمودیم دانستیم گرایش به زیبایی یکی از قوای روحانی است که باعث ارتقاء روح ما به عوالم بالاتر می‌شود. این قوه ما را مجبور می‌کند که جویای هماهنگی در زندگی روزمره خود و نیز در ارتباطمان با دیگران باشیم. همانطور هم، هنرهای بصری، موسیقی و حرفه‌ها جلوه‌ای از این تمایل اساسی روح انسانی است. آنچه که باید به خاطر داشته باشید آن است که مظاهر زیبایی در این عالم فقط انعکاسی از جمال حضرت محبوب می‌باشد. همه زیبایی‌ها فانی است اما جمال مبارک الی الابد باقی و برقرار می‌باشد. حضرت عبدالبهاء می‌فرمایند:

”حسن‌ها زائل گردد و گل‌ها خار برویاند و ملاححت و صباحت و آن و اوانش بگذرد ولی جمال حقیقی در تجلی و حسن و آتش ابدی سرمدی، دائماً ابداً جلوه دلربا دارد و حسن بی منتها بنماید. پس فرخ رخی که به پرتو حسن آن دلبر روی را نورانی نماید. الحمدلله پرتو تجلی گرفتگی و در عرفان سفتی و کلمه راستی گفتی“<sup>۳</sup>

جملات ذیل را کامل نمایید:

۱. حسن‌ها \_\_\_\_\_ گردد.
۲. گل‌ها \_\_\_\_\_ برویاند.
۳. ملاححت و \_\_\_\_\_ و آن و اوانش \_\_\_\_\_ .
۴. ولی \_\_\_\_\_ در تجلی است.
۵. جمال حقیقی و حسن و آتش \_\_\_\_\_ .
۶. جمال حقیقی و حسن و آتش ابدی \_\_\_\_\_ .
۷. جمال حقیقی جلوه \_\_\_\_\_ دارد.
۸. جمال حقیقی حسن \_\_\_\_\_ بنماید.

به منظور آنکه برنامه‌های هنری همیشه در فعالیت حلقه‌های مطالعه شما منظور گردد، باید مطمئن باشید که هر دو جنبه صوری و معنوی آن مورد توجه شما قرار گرفته است. صورت ظاهر ارزش خود را از زیبایی باطن کسب می‌نماید. حضرت عبدالبهاء می‌فرمایند:

”جسد بی روح ثمر ندارد هر قدر جسد در نهایت لطافت باشد احتیاج بروح دارد قنبدیل هر قدر لطیف باشد محتاج سراج است بی سراج زجاج ثمری ندارد“<sup>۴</sup>

با توجه به معانی نصّ فوق وقتی را به یاد آرید که داستانی را گفته‌اید و یا شنیده‌اید که خیال و تصوّر حضّار به آن جلب شده است. احتمالاً جنبه ظاهری آن صحیح بوده است: کلمات بطور واضح تلفّظ شده، مکث‌ها در جای خود بوده، و با آهنگ مناسب ادا گردیده به علاوه از اشارات و حرکات در طرز بیان استفاده شده تا بر نکات معینی تأکید نماید. ولی همه اینها به تنهایی باعث الهام بخشیدن به شنوندگان نبوده است. یک احساس مخصوصی که همان روح مطلب است باید جزء داستانسرایبی باشد. در گروه خود در باره منبع آن روح بحث کنید. آیا در تجزیه و تحلیل نهایی، منبع آن روح، جمال حضرت محبوب نیست؟

### بخش پنجم

در سعی و کوشش جهت تقویت قوه جلب به زیبایی در شرکت کنندگان حلقه مطالعه خود و استفاده از این قوا برای ترقّی روحانی آنان، باید آنها را با انواع مختلف هنر آشنا سازید. البته در دنیای امروز چه بسا زشتی‌ها که خود را در قالب زیبایی ظاهر می‌سازند. باید نهایت دقّت را در برنامه‌های احساسات هنری که موافق طبیعت عالیّه انسانی باشد به عمل آرید، و از آنچه که به سوی پستی و خفّت می‌گراید کاملاً اجتناب نمایید. فرهنگ هم طبعاً باید دائماً مورد توجه شما قرار گیرد. باید سعی کنید که لااقل بعضی از این برنامه‌های هنری که انتخاب کرده‌اید نمایانگر غنای فرهنگ ملت شما باشد.

برای کمک به شما در طرح نقشه عمل در مورد این فعالیت اساسی، در بخش‌های آینده چند نوع هنر را مختصراً مورد بررسی قرار می‌دهیم. اول از موسیقی شروع می‌کنیم. درباره کیفیت موسیقی حضرت عبدالبهاء می‌فرمایند:

”... در این دور بدیع نور مبین در الواح مقدّسه تصریح فرمود که آهنگ و آواز رزق روحانی قلوب و ارواح است“<sup>۵</sup>

”نغمات هر چند که مادّی است با عوالم روحانی ارتباط دارد و بدین سبب است که تأثیر شدید دارد. بعضی از نغمات روح را شاد و مستبشر می‌سازد و برخی بعکس روح را غمگین می‌کنند و نوعی دیگر هیجان می‌انگیزند“<sup>۶</sup> (ترجمه)

”نغمه سرائی سبب سرور و شادمانی عالم انسانی است مستمعین به وجد و سرور آیند و سبب تحریک احساسات وجدانی گردد ولی این سرور و احساس موقت است و اندک زمانی و فراموش گردد ولی

الحمد لله تو آهنگ موسیقی را با نغمه ملکوتی آمیخته ئی جهان جانرا شادمان کنی والی الابد احساسات وجدانیه را تحریک نمائی.<sup>۷</sup>

۱. جملات ذیل را کامل کنید:

- الف. در این دور بدیع ، حضرت بهاء الله تصریح \_\_\_\_\_ که \_\_\_\_\_ و \_\_\_\_\_  
رزق روحانی \_\_\_\_\_ و \_\_\_\_\_ است.
- ب. در این \_\_\_\_\_ حضرت بهاء الله \_\_\_\_\_ فرمودند که آهنگ و  
\_\_\_\_\_ قلوب و ارواح است.
- ج. نعمات هر چند که \_\_\_\_\_ است با \_\_\_\_\_ ارتباط دارد.
- د. هر چند که مادی است با عوالم روحانی \_\_\_\_\_ دارد، و بدین  
سبب است که \_\_\_\_\_ دارد.
- ه. بعضی از نعمات روح را \_\_\_\_\_.
- و. برخی نعمات روح را \_\_\_\_\_.
- ز. نوعی دیگر از نعمات روح را \_\_\_\_\_.

۲. به سؤالات ذیل جواب دهید:

- الف. معنی ”آهنگ ملکوت را با نغمه ملکوتی آمیخته ئی“ چیست؟  
\_\_\_\_\_
- ب. این ”آمیختن“ چه می کند؟  
\_\_\_\_\_

طبق نصوص مبارکه فوق، شکی باقی نمی ماند که موسیقی تأثیر به سزایی در ترقی و تعالی روحانی دارد. لذا ضروری است که برنامه مؤسسه آموزشی که هدفش تقویت توانائی های احباء در خدمت به امرالله است به نحوی موسیقی را جزو برنامه منظور نماید. بیانات مبارکه ذیل از حضرت بهاء الله در کتاب مستطاب اقدس شامل هدایت و راهنمایی اساسی در این زمینه می باشد:

”اَنَا حَلَّلْنَا لَكُمْ اصْغَاءَ الاصْوَاتِ وَ النَّغْمَاتِ اَيَّاكُمْ اِنْ يَخْرُجُكُمْ الاصْغَاءُ عَنْ شَأْنِ الْاَدَبِ وَ الْوَقَارِ اَفْرَحُوا بِفَرْحِ اسْمِ الْاَعْظَمِ الَّذِي بِهِ تَوَلَّهْتَ الْاَفْنَدَةَ وَ اَنْجَذِبْتَ عَقُولَ الْمُقَرَّبِينَ. اَنَا جَعَلْنَا مِرْقَاةَ لِعُرُوجِ الْاَرْوَاحِ اِلَى الْاَفْقِ الْاَعْلَى لِاتَجْعَلُوهُ جَنَاحَ النَّفْسِ وَ الْهَوَى اَنْتِي اِعُوذُ اِنْ تَكُونُوا مِنَ الْجَاهِلِينَ“<sup>۸</sup> (مضمون بیان مبارک به فارسی چنین است: ما شنیدن اصوات و نغمات را برای شما حلال گردانیدیم. مبدا که این استماع شما را از شأن ادب و وقار خارج گرداند. شادی کنید به شادی اسم اعظم که به آن دلها شاد و عقول مقربین منجذب

می‌شود. موسیقی را نردبان عروج ارواح به سوی افق اعلیٰ قرار دادیم. آن را بال و وسیله پرواز نفس و هوی قرار ندهید. من به خدا پناه می‌برم اگر شما از جاهلین باشید).

حال که موسیقی چنین قدرت عظیمی دارد، مناسب است که با گروه خود قدری تأمل نموده بعضی از سرودها و آهنگ‌هایی که برایتان آشنا است و انسان را به "افق اعلیٰ" عروج می‌دهد و همچنین آنهایی را که به عنوان "جناح النفس و الهوی" محسوبند مشخص کنید.

## بخش ششم

حال بیائید طرق مختلفی را که بدان وسیله می‌توان موسیقی را جزو برنامه آموزشی حلقه مطالعه خود قرار داد، بررسی کنیم.

یکی از فعالیت‌های مطلوب در حلقه‌های مطالعه در سراسر عالم، خواندن سرود دسته جمعی چه با استفاده از آلات موسیقی و چه بدون آنها می‌باشد. در مطالعه کتاب‌های سوّم و پنجم مهارت‌های لازم جهت تعلیم سرود به کودکان را فراگرفتید و چندین بازی را تمرین کردید که هدف از آنها تقویت حس ریتم و لحن کودکان بوده است. بعضی از آنچه فراگرفتید شما را در تشویق اعضای حلقه مطالعه به خواندن سرود و آهنگ و درک پیام‌های نهفته در آنها و به طور کلی لذت بردن از موسیقی به نحوی که باعث ترقی و تعالی روح گردد، یاری خواهد نمود.

البته این واقعیت را در نظر خواهید داشت که شما با افراد جوان و بزرگسال در ارتباط هستید سعی کنید دچار این اشتباه نگردید که با آنان مانند کودکان رفتار نمائید. در ضمن کار نیز با مشکلاتی مواجه خواهید شد که مخصوص هر گروهی است که با آن کار می‌کنید. مهارت اعضای و دانش آنها از موسیقی در درجات مختلفی پرورش یافته است، در بعضی‌ها تقریباً کامل است اما برخی ابدأ تمایلی به موسیقی ندارند. افراد قلیلی ممکن است از خواندن سرود در مقابل جمع استیحا داشته باشند. بعضی دیگر مایلند فقط آهنگی را با صدای آهسته زمزمه کنند به طوری که دیگران قادر بر شنیدن آن نباشند. تمایلات و مهارت‌های افراد گروه هر طور باشد شما باید مایل باشید آنها را قبول و همه را تشویق کنید و مطمئن شوید که هیچ فردی در هیچ موقعیتی خجل یا ناراحت نشود. در این مورد نکته مهم آن است که اجرای رسمی سرود توسط فرد با ذوق و با استعداد را از خواندن سرود دسته جمعی مجزاً نمائید. هر دو با ارزشند اما گاهی اوقات اجرای رسمی و در حد کمال توسط فردی، باعث عدم شرکت افراد عادی در خواندن سرود دسته جمعی می‌گردد.

نکته قابل ذکر دیگر آن است که با مطالعه کتاب پنجم کاملاً دریافتیم که سرود و آهنگ می‌تواند وسیله آموزشی پر قدرتی باشد. اگر متن سرود به موضوع مورد بحث مربوط باشد خواندن آن به ازدیاد فهم و ادراک شنونده کمک می‌کند به طریقی که بحث و گفتگو هرگز به تنهایی قادر نخواهد بود. لذا این مطلب را باید هنگام انتخاب سرودها

برای گروه مدّ نظر داشته باشید و مطمئن شوید که این سرودها تا حدّ امکان مقاصدی را که در متن مطلب موجود است، تقویت می‌کند.

علاوه بر اجرای سرود به صورت دسته جمعی، ممکن است بعضی افراد حلقه مطالعه شما مایل باشند که شخصاً سرودی را برای دیگران بخوانند، بدون شک شما چنین ابتکاراتی را تشویق خواهید نمود. ممکن است این فرصتی برای شما باشد تا به عنوان یک دوست به افرادی که دارای استعداد مخصوصی هستند کمک کنید تا راه‌هایی را برای پرورش این گونه استعدادها در خارج از حلقه مطالعه بیابند.

علاوه بر این فعالیت‌ها، می‌توانید از طریق مشورت با گروه خود در باره مسائل مربوط به موسیقی، دعوت افراد هنرمند جهت صحبت یا اجرای برنامه برای اعضای گروه، و یا از طریق شرکت دسته جمعی در اجرای برنامه‌های موسیقی، به هدف کلی خود در ترویج احساسات هنری نائل گردید. با این کوشش‌ها می‌توانید حداقل دو هدف را پی‌گیری کنید:

۱. می‌توانید به شرکت کنندگان حلقه مطالعه خود کمک کنید تا درک بیشتری از فرهنگ موسیقی مردم سرزمین خود کسب کنند. بحث‌هایتان می‌تواند به صورت بررسی انواع مختلف موسیقی متداول در منطقه باشد. بعضی از سؤالاتی که می‌توان مطرح نمود از این قرار است: آیا در این منطقه سرود و آوازهای باستانی مخصوص کار، مثلاً آهنگ‌هایی که در کشتزار هنگام درو کردن محصول یا چرانیدن حیوانات، خوانده می‌شود و یا سرودهای عاشقانه، لالائی‌ها، سرودهای کودکان یا سرودهای مذهبی وجود دارد؟ آیا نوع مخصوصی از موسیقی باستانی که در مراسم خاصی از آن استفاده می‌شود، مثلاً در عروسی‌ها، مراسم تشییع جنازه، یا جشن‌ها، موجود است؟ در مورد هر یک از انواع موسیقی که مشخص شد گروه می‌تواند مطالب ذیل را مورد بررسی قرار دهد: چگونه موسیقی مذکور از نسلی به نسل دیگر منتقل شده؟ چه اختلافی با سایر انواع موسیقی دارد؟ چه نوع احساسی در شنونده ایجاد می‌کند؟ می‌توانید وقتی را نیز به بحث درباره انواع آلات مخصوصی که در آن سرزمین از آنها استفاده می‌شود اختصاص دهید، و از شرکت کنندگان در حلقه مطالعه خود بخواهید که نام برخی از آن آلات را ذکر کنند. به علاوه، می‌توانند آنچه را درباره سازندگان این آلات و نحوه ساخت آن، و موادی که در ساختن آن به کار رفته و نوع خاصی از موسیقی که با آن ساز نواخته می‌شود برای دیگران بازگو کنند. پس از این بحث و گفتگو، شما به خوبی قادر خواهید بود که از یک موسیقیدان، یا سازنده ساز، یا یک آهنگساز دعوت کنید تا برای حلقه مطالعه شما در باره مهارت‌هایشان صحبت کنند.

برای تعمق بیشتر درباره چگونگی این بررسی‌ها در فرهنگ، ممکن است بخواهید پاراگراف کوتاهی در این مورد بنگارید:

---

---

---





## بخش هفتم

آقا محمد تبریزی حکایت می‌کند چطور هنگامی که طفلی چهار پنج ساله بوده با خانواده خود هر جمعه بر حسب معمول احبای آن ایام، در قصر بهجی به حضور حضرت بهاءالله مشرف می‌شدند و تمام روز را در اتاق‌های پایین قصر می‌گذرانند.

در یکی از این روزها، هنگام ظهر که بزرگسالان در اتاق‌های خود استراحت می‌کردند، چون روز گرمی بود، آقا محمد از روی تخت خود پایین آمد و به طبقه بالای قصر رفت و از تالار بزرگی گذشت و به اتاقی که برای نگهداری مواد غذایی استفاده می‌شد وارد شد. ملاحظه نمود که کیسه بزرگی پر از شکر در آنجاست، بی اختیار مشتی از آن را برداشته، در دهان خود گذاشت. سپس قبل از آنکه از اتاق بیرون رود دو مشت خود را از شکر پر کرده، خارج شد. وقتی به تالار رسید با دیدن جمال مبارک که در آنجا مشی می‌فرمودند بر جای خود خشکش زد. حضرت بهاءالله با لطف و محبت فراوان نزدیک او شده و نظر عطوفتی به دست‌های وی فرمودند، طفل کوچک را آرام آرام به میز بزرگی که در وسط تالار بود راهنمایی نموده، بشقابی از آب نبات را برداشتند و به طفل تعارف نمودند. حضرت بهاءالله به او فرمودند: "به نظر می‌آید شیرینی خیلی دوست دارید، خوب بخورید، خداحافظ، فی امان الله."

تا سال‌ها بعد، آقا محمد همواره درباره عشقی که در قلبش نسبت به جمال مبارک داشت صحبت می‌نمود، عشقی که از آن لحظه به بعد هرگز از قلبش جدا نشد.<sup>۱۱</sup>

فرض کنید که تعدادی از این گونه داستان‌ها در خاطر دارید و می‌توانید آنها را در اوقات مناسب برای حلقه مطالعه که به عنوان راهنما در آن خدمت می‌کنید تعریف کنید. برای مثال می‌توانید هنگامی که درباره موضوع انضباط بحث می‌کنید و در صدد یافتن روش‌های مقابله با طرز رفتار شیطنت آمیز کودکان هستید، داستان آقا محمد را بازگو کنید. این قدرت و توانایی شما آیا چه تأثیری بر محیط آموزشی حلقه مطالعه که هر بار در وقت تشکیل گروه در صدد ایجاد آن هستید، می‌گذارد؟

داستانسرای هنری است که اگر از آن به نحو صحیح استفاده شود می‌تواند الهام بخش، روح انگیز، خیالپرور، وسیله درک مفاهیم عمیق، آموزنده و حتی سبب ایجاد تغییر در رفتار باشد. صمیمانه توصیه می‌کنیم که این هنر را فرا گیرید و در حلقه‌های مطالعه که چه به عنوان شرکت کننده و یا چه به عنوان راهنما شرکت می‌کنید حکیمانانه از آن استفاده نمائید. قدرت داستانسرای به نحو جذاب و الهام بخش با تمرین و تجربه تقویت خواهد شد. کتاب‌های سوم و پنجم روح حاوی اشاراتی درباره مهارت‌های این هنر فراموش شده می‌باشد. ما در اینجا نه مهارت‌های لازم را مورد بحث قرار می‌دهیم و نه لیست مفصلی از داستان‌های پیشنهادی برای فرا گرفتن را عرضه می‌داریم. ولی آنچه که می‌خواهیم شما را به آن متوجه سازیم اهمیت خاص داستانهایی از تاریخ امر مبارک و ارزش بی‌مثیل کتاب تاریخ نبیل به عنوان منبع این گونه داستان‌ها می‌باشد. حضرت ولی عزیز امرالله این کتاب را به عنوان "جزء اساسی" در برنامه‌های تبلیغی و "کتابی بی‌نظیر و لازم" برای مدارس تابستانه نامیده‌اند. به علاوه حضرتشان این کتاب را "مصدر



الهام بخش جمیع مساعی ادبی و هنری، "مونس گرانقدر در اوقات فراغت"، "تمهیدی ضروری برای زائرین آینده موطن حضرت بهاءالله" و "وسیله‌ای سرمدی جهت تسکین اضطراب و پریشانی و استقامت در برابر حملات بشری منتقد و غافل"<sup>۱۲</sup> (ترجمه به مضمون) عنوان نموده‌اند. حضرت ولیّ عزیز امرالله در مورد اهمیت این کتاب به یکی از احباء مرقوم فرموده‌اند:

"از مطالب پر ارزش کتاب هیجان انگیز و گرانبهای تاریخ نبیل هر چه بیشتر می‌توانید استفاده کنید و آن را وسیله عمده‌ای برای تقویت روح شجاعت و شهامت که در قلب هر فرد بهائی موجود است قرار دهید. موفقیت مجهودات عظیم و مستمر شما باید عاقبت الامر به آن وابسته باشد"<sup>۱۳</sup> (ترجمه)

در نامه‌ای که از طرف هیکل مبارک نگاشته شده است می‌خوانیم:

"تاریخ نبیل تنها تاریخ نیست بلکه کتابی برای تأمل و تعمق است. این کتاب نه فقط آموزنده بلکه در واقع الهام بخش و محرک انگیزه اقدام است. نیروهای خفته در وجود ما را بیدار نموده به حرکت می‌آورد و ما را به عالمی بالاتر سوق می‌دهد. بدین جهت برای تاریخ نویسان و همچنین برای هر مبلغ امرالله و ناشر نفعات الله کمک بسیار گرانبهایی است."<sup>۱۴</sup> (ترجمه)

با وجودی که شما داستان‌های زیادی از تاریخ امر می‌دانید و احتمالاً می‌توانید آنها را مشروحاً بیان کنید، ولی در این درس قسمتی از تاریخ نبیل در باره شهدای سبعة طهران گنجانده شده است. به عنوان تمرین از شما می‌خواهیم که آن را چندین بار بخوانید سپس سعی نمائید با دقت ممکن آن را تعریف کنید. این قسمت نمونه خوبی است برای این گونه داستان‌هایی که مایلید آنها را فرا گرفته در حلقه‌های مطالعه خود چه به طور کامل و یا قسمتی از آن را بر حسب اقتضاء مورد استفاده قرار دهید:

"اینک شرح شهادت آن نفوس مقدسه را که در طهران جان باختند در این مقام می‌نگاریم. سابقاً گفتیم که چهارده نفر از پیروان حضرت باب را دستگیر کردند و در منزل محمود خان کلانتر محبوس ساختند. حبس آنها از روز اول ماه ربیع الثانی تا روز بیست و دوم ماه طول کشید. حضرت طاهره هم در یکی از بالاخانه‌های منزل کلانتر محبوس بودند. دشمنان سعی داشتند که اصحاب از امر مبارک حضرت باب تبری کنند. برای حصول این منظور خیلی کوشش کردند و چاره‌ها اندیشیدند ولی موفق نشدند. محمد حسین مراغه‌ای از جمله محبوسین بود. هر چه اشرار و دشمنان سعی کردند و سخت گرفتند که کلمه‌ای بگوید نگفت، از این جهت او را با کمال شدت معذب داشتند که شاید تبری کند ممکن نشد، و در مقابل اصرار و شدت دشمنان سکوت کرده بود و از اول تا آخر یک کلمه هم نگفت. دشمنان خیال کردند که این شخص گنگ و لال است که حرف نمی‌زند از این جهت راجع به این مسأله از حاج ملا اسماعیل که از محبوسین بود جويا شدند که آیا محمد مراغه‌ای گنگ است؟ حاجی گفت او گنگ نیست خیلی هم خوب حرف می‌زند ولی در اینجا سکوت اختیار

کرده و برای اثبات مدّعی خود او را صدا زد، محمد حسین مراغه‌ای فوراً جواب حاجی را داد و گفت هر چه بفرمائید اطاعت می‌کنم.

”چون مخالفین نتوانستند محبوسین را به تبرّی وادار کنند انجام این مطلب را به محمود خان کلانتر واگذار کردند. محمود خان هم نزد امیر نظام، میرزا تقی خان که صدر اعظم ناصرالدین شاه بود رفت و داستان را گفت. ناصرالدین شاه در آن ایام در این گونه مطالب دخالت نمی‌کرد و از جریان امور هم بی‌خبر بود. صدر اعظم اختیار تام داشت که آنچه را نسبت به محبوسین بخواهد مجری سازد. هیچ کس نمی‌توانست او را از اراده‌اش برگرداند و یا به او اعتراض بکند. میرزا تقی خان وقتی که داستان تبرّی نکردن بایان را از کلانتر شنید فرمان داد هر کدام از آن چهارده نفر که تبرّی نکنند به قتل برسند. از استماع این حکم هفت نفر از محبوسین نتوانستند استقامت کنند و به واسطه قطع نسبت خود از امر مبارک از حبس خلاص یافتند، هفت نفر دیگر بر عقیده خویش ثابت ماندند و تبرّی نکردند و در نتیجه به شهادت رسیدند. این هفت نفر شهدای سبعة طهران هستند:

”اول: حاج میرزا سید علی است. ایشان ملقب به خال اعظم هستند زیرا خالوی حضرت باب می‌باشند. مشأراً الیه از تجّار معروف شیراز بودند. ایشان همان نفس مقدّسی هستند که در نزد حسین خان حاکم شیراز از حضرت باب ضمانت کردند و آن حضرت را از ظلم حسین خان خلاصی دادند و نیز ایشان همان بزرگواری هستند که بعد از وفات پدر حضرت باب به خدمت آن حضرت قیام کردند و با کمال اخلاص نسبت به آن بزرگوار رفتار می‌نمودند. احبائی که برای تشرف به حضور مبارک وارد شیراز می‌شدند به واسطه همین جناب خال اعظم به آن فیض عظیم فائز می‌گشتند. خال اعظم یگانه پسری داشتند موسوم به سید جواد که در دوره کودکی وفات یافت. در وسط سال ۱۲۶۵ هجری جناب حاج میرزا سید علی از شیراز برای زیارت حضرت باب به قلعه چهریق سفر نمودند و به حضور مبارک مشرف شدند. از چهریق به طهران سفر کردند و در آنجا توقف داشتند تا وقتی که به شهادت رسیدند.

”دوستان و آشنایان ایشان هر چه اصرار کردند که خود را به خطر نیندازند نتیجه‌ای نداد. وقتی که گرفتار شدند عدّه بسیاری از تجّار معروف طهران حاضر شدند مبلغی به حکومت بدهند و ایشان را خلاص کنند و لکن جناب خال قبول نفرمودند. بالاخره او را نزد امیر نظام بردند. صدر اعظم به ایشان گفت قاضی القضاة طهران دوست ندارد که به فرزند پیغمبر ادّیتی برسد، تجّار معروف طهران و شیراز از صمیم قلب آرزومندند که مبلغی به عنوان فدیة بدهند و شما را خلاص کنند. ملک التجّار خودش به شخصه واسطه شده که شما را از کشته شدن نجات بدهد اگر یک کلمه بد بگوئید و تبرّی کنید فوراً شما را آزاد می‌کنم، آن وقت با کمال احترام به شیراز مراجعت خواهید کرد. من هم از شما تقاضا می‌کنم که طوری رفتار کنی تا بقیّه ایام خود را با شرف و افتخار در سایه شاهنشاه ایران به پایان برسانی. جناب خال اعظم با کمال شجاعت و بی‌باکی فرمودند حضرت اشرف پیش از من نفوسی بوده‌اند که با کمال فرح و سرور جام شهادت را نوشیده‌اند و کلمه‌ای مشعر بر تبرّی نگفته‌اند. من هم در این خصوص از آنها کمتر نیستم، اگر من از این امر مبارک که به دلایل واضحه صحّت آن آشکار است

تبری کنم مثل این است که از جمیع ادیان الهی که قبل از این دین آمده تبری کرده باشم، اگر من حقیقت دعوت حضرت باب را منکر شوم مثل این است که رسالت جدم محمد رسول الله و رسالت حضرت عیسی و موسی و جمیع انبیای سابق را منکر شده‌ام. خدا شاهد است هر چه درباره گفتار و رفتار انبیاء شنیده بودم و خوانده بودم همه را به چشم خود در این وجود مبارک مشاهده نمودم. این جوان بزرگوار که از خویشاوندان من است از دوران صباوت تاکنون که به سی سالگی رسیده از حیث رفتار و گفتار مانند انبیای قبل است، هر وقت درباره صفات و اخلاق این بزرگوار فکر می‌کنم جد بزرگوارش حضرت رسول الله و ائمه اطهار که تاریخ حیات هر یک در کتب ثبت و ضبط است، مقابل چشم من مجسم می‌شوند. من از شما خواهش می‌کنم که آرزوی مرا برآید. آرزوی من فقط یک چیز است می‌خواهم اول کسی باشم که جانش را در راه این خویشاوند محبوبم فدا می‌سازد.

”امیر نظام از شنیدن این جواب هوش از سرش پرید و به کلی ناامید شد. دیگر کلمه‌ای نگفت و اشاره کرد که او را برپید و بکشید. وقتی که مأمورین آمدند جناب خال را به قربانگاه ببرند ایشان این شعر حافظ را می‌خواندند:

شکر خدا که هر چه طلب کردم از خدا      بر منتهای مطلب خود کامران شدم

جمعیت زیادی اطراف ایشان را گرفته بودند، جناب خال جمعیت را مخاطب داشته فرمودند: ”ایها الناس گوش کنید، من جان خود را در راه امر الهی فدا می‌کنم. همه مردم شیراز و عراق و ماورای حدود ایران به استقامت و تقوی و اصالت و نجابت و سیادت من شهادت می‌دهند. شما هزار سال است دعا می‌کنید و از خدا می‌خواهید که قائم موعود ظاهر شود. وقتی اسم او را می‌شنوید از اعماق قلب خود ندا برآورده و عجل الله فرجه می‌گویید، حالا آن موعود بزرگوار ظاهر شده بدون ناصر و معین آن وجود مقدس را در دورترین نقطه آذربایجان محبوس ساخته‌اید و به قتل و محو اصحاب آن حضرت قیام کرده‌اید. من اگر درباره شما نفرین کنم به غضب خدا دچار خواهید شد و عذاب الهی بر شما نازل خواهد گشت ولی من این کار را نمی‌کنم و تا آخرین نفس درباره شما دعا می‌کنم که خدا گناهان شما را ببخشد و شما را هدایت فرماید تا از خواب غفلت بیدار شوید.

”میرغصبی که برای کشتن جناب خال معین شده بود وقتی که این کلمات را از ایشان شنید خیلی به او تأثیر کرد و به بهانه اینکه می‌رود شمشیر خود را تیز کند رفت و دیگر برنگشت. بعدها برای اشخاصی این داستان را نقل کرده و به گریه و زاری شدیدی گفته بود وقتی که مرا مأمور اجرای این امر کردند خیال کردم کسی را که باید بکشم ناچار شخصی است که یا آدم کشته یا راهزن است. بعد دیدم به من می‌گویند شخص مقدسی را به قتل برسان که به نظر من از حیث تقوی و بزرگواری مانند حضرت امام موسی کاظم علیه السلام است. این میرغصب از طهران به خراسان سفر کرد و در آنجا به شغل حمالی مشغول شد. شرح این داستان حزن انگیز را برای مؤمنین خراسان نقل می‌کرد و از اقدام به عملی که در اجرای آن مجبور بود اظهار ندامت می‌نمود. هر

وقت ذکر این حادثه می‌شد یا اسم حاج میرزا سید علی را می‌شنید بی‌اختیار اشک از چشمانش سرازیر می‌شد و درباره شخصی که این محبت و دوستی را در قلب او ایجاد کرده بود می‌گریست.

”دوم: میرزا قربانعلی بارفروش است. بارفروش جزو اقلیم مازندران است. میرزا قربانعلی در بین پیروان طریقه نعمت‌اللهی شهرتی بسزا داشت، شخصی بود پرهیزکار و شریف و اصیل. عده زیادی از اعیان مازندران و خراسان مرید او بودند و هر چه می‌گفت اطاعت می‌کردند. مردم همه او را دوست می‌داشتند. در نظر هموطنانش خیلی محترم بود. یک وقت خواست به زیارت کربلا برود و ارادتمندان او به مشایعتش رفتند و به اندازه‌ای جمعیت زیاد بود که دو طرف راه را گرفته بودند. در همدان و کرمانشاه نیز جمع بسیاری نسبت به او ارادت می‌ورزیدند. هر جا می‌رفت مردم او را احترام می‌کردند. ولی مشاراً الیه از این امور خوشش نمی‌آمد و ریاست و هیاهوی مردم را دوست نداشت. در راه کربلا وقتی که از وسط مندلیج می‌گذشت یکی از شیوخ صاحب اعتبار نسبت به او به اندازه‌ای منجذب شد که ترک همه چیز گفت و تا یعقوبیه دنبال او رفت. میرزا قربانعلی سعی کرد که او را به مندلیج برگرداند تا به کار خود مشغول شود.

”وقتی که از زیارت برمی‌گشت ملاً حسین را ملاقات نمود و به واسطه او به امر مبارک مؤمن شد. در دوره گرفتاری اصحاب در قلعه، میرزا قربانعلی مریض بود و نتوانست خود را به قلعه برساند و به نصرت اصحاب پردازد و بعد از ملاً حسین از بین پیروان حضرت باب با جناب وحید آشنایی کامل یافت و دوستی شدیدی پیدا کرد. من وقتی که در طهران بودم شنیدم که میرزا قربانعلی اوقات خود را وقف خدمت امر کرده و با کمال خلوص به تبلیغ نفوس در اطراف و اکناف پرداخته اغلب از مرضی که داشت می‌نالید و چندین مرتبه شنیدم که در طهران می‌گفت چقدر متأسفم که جام شهادت کبری که ملاً حسین و یارانش نوشیدند نصیب من نشد، چقدر مایلیم که خود را به جناب وحید برسانم و در ظلّ رایت او درآیم. حالا سعی می‌کنم که به تدارک مافات موفق شوم. وقتی که می‌خواست از طهران خارج شود ناگهان او را دستگیر کردند لباسش خیلی ساده بود و دلیل بر شدت زهد او بود. مانند اعراب پیراهن سفید بلندی می‌پوشید و عبای پشمینی که خیلی زبر و خشن بود روی آن پیراهن در بر می‌نمود، کلاه بر سر می‌گذاشت. وقتی که میان بازار عبور می‌کرد هیأت او کاملاً آیت انقطاع بود. پرهیزکاری و تقوای او شدید بود و جمیع واجبات دین را به جای می‌آورد. اغلب می‌فرمود حضرت باب خودشان با کمال دقت فرائض دین مبین الهی را به جای می‌آوردند، من چطور سهل انگاری کنم و اموری را که مقتدای من آنها را انجام می‌دهد انجام ندهم و اهمال کنم.

”وقتی که او را دستگیر کردند و به حضور امیر نظام بردند هیاهویی در طهران بلند شد که سابقه نداشت. جمعیت بسیاری برای مشاهده وقایع جاریه در مقرّ حکومت جمع شده بودند. امیر نظام به میرزا قربانعلی گفت رؤساء و اعیان از دیشب متصل پیش من می‌آیند و توسط می‌کنند که تو را خلاص کنم. آن طوری که من می‌بینم مقام و رتبه‌ای که داری کمتر از رتبه و مقام سید باب نیست، تأثیر کلمه تو کمتر از تأثیر کلمات باب نمی‌باشد. اگر خودت ادعای رتبه و مقامی می‌کردی خیلی بهتر بود از اینکه پیروی شخصی را اختیار کنی که دانش و علمش از تو کمتر است. میرزا قربانعلی گفت همین علمی که تحصیل کرده‌ام مرا وادار نموده که اوامر

شخص بزرگواری را که مقتدا و مولای من است اطاعت کنم. من از اوئی که خود را شناخته‌ام همیشه به عدالت و انصاف در امور رفتار کرده‌ام در این خصوص هم از روی انصاف به این نتیجه رسیده‌ام که اگر ادعای این جوانی که دشمنانش بیش از دوستان شهادت به تأثیر گفتارش می‌دهند باطل باشد ناچار ادعای جمیع انبیاء که تا به حال آمده‌اند باطل خواهد بود. خودم قریب هزار نفر مرید با اخلاص و صمیمی دارم ولی نمی‌توانم قلب یکی از آنها را تغییر بدهم ولیکن این جوان ثابت و مدلل ساخته که با اکسیر محبت خویش قادر است ارواح پیروان خود را تغییر بدهد. او هزاران نفر مثل مرا که به حضورش مشرف نشده‌اند مورد تأثیر خود قرار داده و همه آنها اوامرش را از دل و جان اطاعت می‌کنند و در راه او ترک همه چیز گفته‌اند و اقدامات خود را در راه نصرت آن جوان بزرگوار یکتای بی‌همتا قابل ندانسته سعی می‌کنند جان خود را در راه او فدا کنند شاید به این وسیله لیاقت آن را داشته باشند که اسامی آنها در ساحت عظمتش مذکور شود و به این وسیله بتوانند اخلاص و محبت بی‌شائبه خود را نسبت به آن بزرگوار اثبات نمایند.

”امیر نظام گفت من از کشتن شخصی مثل تو که چنین مقامی را دارد تردید دارم و نمی‌توانم حکم قتل بدهم. میرزا قربانعلی گفت تردید برای چیست مگر نمی‌دانی که الاسماءُ تُنزلُ من السماء. این بزرگواری که من جان خودم را در راه امر او نثار می‌کنم از روز اول اسم مرا در ضمن دفتر شهادی راه خویش قربان علی نامیده و اسم خود آن بزرگوار علی می‌باشد. امروز روزی است که من باید قربان او بشوم و ایمان خودم را به آن بزرگوار با خونم اقرار کنم و ثابت نمایم. ابدأ در کشتن من سهل انگاری مفرما. من از تو دل آزرده نمی‌شوم. هر چه زودتر سر مرا از بدن جدا کنی بیشتر از تو ممنون می‌شوم. امیر نظام فریاد کشید بیایید او را ببرید و از من دورش کنید، زیرا اگر لحظه‌ای دیگر اینجا باشد سحرش به من اثر می‌کند. قربانعلی گفت سحر هیچ وقت به تو اثر نمی‌کند، سحر به قلوب طاهر و دل‌های صاف و پاک اثر می‌کند. تو و امثال تو هرگز نمی‌توانید بفهمید که اکسیر الهی چه اثری دارد و قوه این سحر تا چه اندازه است، قوه این اکسیر الهی به اندازه‌ای است که به فاصله کمتر از یک چشم بر هم زدن دل‌های مردمان را تقلیب می‌کند.

”امیر نظام از شدت خشم به خود لرزید و گفت فقط شمشیر می‌تواند اینها را ساکت کند. بعد به میرغضب‌هایی که اطرافش ایستاده بودند گفت دیگر از این طایفه مبعوض لازم نیست کسی را نزد من بیاورید زیرا حرف در اینها تأثیر نمی‌کند. هر یک از آنها که از امر باب تبری کردند رهایش کنید وگرنه گردنش را بزنید.

”وقتی که میرزا قربانعلی را به میدان شهادت وارد کردند خیلی مسرور بود زیرا می‌دانست که به زودی به لقای محبوب فائز خواهد گشت. با کمال سرور و فرح فریاد کشید و گفت:

أقتلونی أقتلونی یا ثِقاة ان فی قتلی حیاة فی حیاة

(مضمون شعر به فارسی چنین است: مرا بکشید مرا بکشید زیرا کشتن من حیات اندر حیات است.)

آنگاه جمعیتی را که در اطرافش بودند مخاطب داشت و گفت: «حرف‌های مرا بشنوید و درست گوش کنید. شما مدعی هستید که از پیروان حضرت رسول‌الله (ص) می‌باشید. حضرت رسول همان آفتاب هدایتی که سابقاً از افق حجاز طالع شد اینک به اسم علی محمد از افق شیراز طالع گشته و از این بزرگوار همان انوار و ضیاء حضرت رسول تابنده و مشرق است. شاخ گل هر جا که می‌روید گل است.» میرزا قربانعلی که این طور دید به آنها گفت ای مردم بدکردار چطور شده که بوی خوش این گل را که در همه جا منتشر گشته نمی‌شنوید، چرا اینقدر غافلید، اگر چه روح من از بوی این گل مسرور و شادمان است ولی من متأسفم وقتی که می‌بینم دیگران از این سرور من بی‌نصیب‌اند و هیچ یک از شما مجد و بزرگواری آن را نمی‌فهمید و ادراک نمی‌کنید.

«در این بین چشمش به جسد حاج میرزا سید علی افتاد که سر از آن جدا شده و خونش روان بود، از مشاهده آن جسد مقدس بی‌نهایت متأثر و از خود بی‌خبر گشت. خودش را روی آن جسد انداخت و گفت خوشا روزی که با هم با نهایت فرح و سرور ملاقات کنیم، خوشا روزی که به لقای محبوب فائز شویم. آنگاه جسد خال را در آغوش گرفت و به میر غضب گفت بیا و مرا با یک ضربت به قتل برسان زیرا رفیق من نمی‌گذارد از او دور شوم و به من می‌گوید زود باش بیا تا به ساحت محبوب بی‌همتا وارد شویم. میر غضب ضربتی برگردن میرزا قربانعلی زد و پس از لحظه‌ای آن مرد بزرگ جان تسلیم کرد. ضربت سختی که جلاد زد بقدری مشاهده‌اش به مردم تأثیر کرد که صدای گریه و ناله از همه آنها بلند شد. جمیع مردم مثل روز عاشورا که سالی یک مرتبه تجدید می‌شود صدا به گریه و ناله بلند کردند.

«سوم: نوبت به حاجی ملا اسماعیل قمی رسید. مشاراً الیه از اهل فراهان عراق بود و در اوائل حال به کربلا رفت و با جمیع علمای کربلا و نجف معاشر شد تا به حق و حقیقت آشنا شود. بالاخره از محضر سید کاظم رشتی استفاده کرد و در ظلّ تعالیم آن بزرگوار به امر مبارک حضرت باب مؤمن شد، به قوه ایمان و حسن اخلاق ممتاز بود. به محض اینکه شنید حضرت باب امر فرموده‌اند که اصحاب به خراسان بروند با کمال سرور و نشاط امر مبارک را اطاعت کرد و با اصحاب در بدشت حضور یافت و به سر الوجود ملقب شد. از آن به بعد به تبلیغ امر پرداخت. در تفسیر آیات قرآنیّه و احادیث اسلامیّه قوه مخصوص و فراست عجیبی داشت. با فصاحت بیان آیات را تفسیر می‌کرد و همه را متعجب می‌ساخت. در دوران واقعه قلعه، حاجی مشاراً الیه در بستر مرض خوابیده بود و نتوانست خود را به مساعدت اصحاب برساند آخر کار در راه امر محبوب به شهادت رسید و جان خود را فدا کرد.

«وقتی که او را وارد قربانگاه کردند، چشمش به آن دو شهید سعید افتاد و بی اختیار فریاد کشید و در حالی که به آن دو سر بریده خون آلود نگاه می‌کرد می‌گفت چه خوب کاری کردید طهران را گلستان کردید. من هم مشتاقم پیش شما بیایم. آنگاه از جیب خود مبلغی بیرون آورد و به جلاد داد که شیرینی بخرد. مقداری از آن شیرینی را خودش خورد و بقیه را به میر غضب داد و گفت من از تو گذشتم نزدیک بیا و مرا بکش زیرا سی سال است که انتظار امروز را می‌کشم، می‌ترسیدم آرزوی خودم را به گور ببرم. بعد سر به آسمان کرد و گفت خدایا

نثار جان مرا در راه خود قبول کن اگر چه من لایق نیستم که اسم مرا در دفتر شهدایی که جان خود را در قربانگاه نثار کرده‌اند بنویسی. حاجی مشغول مناجات بود که میرغضب او را شهید کرد.

”چهارم: هنوز حاجی جان تسلیم نکرده بود که سید حسین ترشیزی مجتهد را وارد قربانگاه کردند. مشاراً لیه اهل ترشیز (کاشمر) خراسان بود. خیلی خوش خلق و پرهیزکار بود. چند سال در نجف به تحصیل علوم مشغول گشت و چندی به اشاره علما قرار شد در خراسان به تدریس بگذرانند و به نشر تعالیم که فراگرفته بود پردازد. هنگام عزیمت وقتی که به کاظمین رسید با یکی از دوستان خود موسوم به حاج محمد تقی کرمانی ملاقات کرد. حاجی از تجار بزرگ کرمان بود و شعبه‌ای در خراسان باز کرده بود. چون سید حسین عازم ایران بود حاج محمد تقی هم با او همراه شد. حاجی از آشنایان میرزا سید علی خال اعظم بود و به واسطه خال در سال ۱۲۶۴ هجری به امر مبارک مؤمن شد. می‌خواست از شیراز به کربلا برود. وقتی که شنید جناب خال عازم چهریق هستند او هم خواست با ایشان همراهی کند. جناب خال به او فرمودند نیت خود را تغییر مده و به کربلا سفر کن من می‌روم و اگر مسافرت تو به چهریق مطابق حکمت باشد به تو خواهم نوشت. منتظر مراسله من باش. جناب خال مأمور شدند که از چهریق به طهران عزیمت نماید شاید بعداً وسیله فراهم شود که باز از طهران به ساحت اقدس مشرف شود. جناب خال وقتی که در چهریق بودند از مراجعت به شیراز کراهت داشتند، زیرا از رفتار مردم آن شهر رضایت نداشتند. وقتی که به طهران رسیدند به حاجی محمد تقی مرقوم فرمودند که به طهران بیاید. حاجی محمد تقی که از کربلا عازم طهران شد چون به بغداد رسید سید حسین هم با او همراه شد و به وسیله حاجی به امر مبارک مؤمن شد و در طهران گرفتار گردید.

”وقتی که سید حسین وارد قربانگاه شد جمع بسیاری دور او را گرفته بودند. به آنها فرمود: ای مسلمانان بشنوید، اسم من حسین است. من از اولاد حضرت سید الشهداء هستم که نام مبارک او هم حسین است. همه مجتهدین نجف و کربلا به علم و دانش و اجتهاد من شهادت می‌دهند. من تازه اسم سید باب را شنیده‌ام و به حقانیت دعوت آن بزرگوار اقرار کرده‌ام و چون در تفسیر تعالیم و مسائل مشکله اسلامیّه اطلاع زیادی داشتم و در این خصوص رتبه عالی را دارا شدم سبب شد که به امر مبارک مؤمن شدم. یقین دارم که انکار امر سید باب انکار جمیع انبیای الهی است که پیش از این ظاهر شده‌اند. من از شما می‌خواهم که بروید و به مجتهدین این شهر بگویید مجلسی فراهم کنند. من حاضر بروم با آنها مذاکره کنم. اگر از عهده اثبات صحّت ادعای باب برآمدم، آن وقت دست از کشتن اشخاص بیگناه بردارند، و اگر از عهده برنیامدم، هر طور می‌خواهند مرا مورد عذاب و اذیت قرار دهند. هنوز بیانات خود را تمام نکرده بود که یک نفر صاحب منصب از طرف امیر نظام آمد و با کمال تکبر و خودپسندی گفت: این حکم قتل توست که هفت نفر از مجتهدین بزرگ طهران آن را مهر کرده‌اند و همه فتوی داده‌اند که تو کافر هستی. اگر خدا روز قیامت از ما پیرسد که چرا این سید را کشتید، ما مسؤولیت را متوجه علما و مجتهدین خواهیم کرد. پس از این کلمات خنجر خود را کشید و با کمال شدت ضربتی به سید ترشیزی زد، که فوراً بر زمین افتاد و جان خود را نثار راه محبوب نمود.

”پنجم: بعد از آن حاج محمد تقی کرمانی را وارد قتلگاه کردند. مشاراً الیه از مشاهده آن منظره اندوه آور فریاد کشید و به میرغضب گفت: ای خونریز ستمکار پست، زود بیا مرا بکش، می‌خواهم هر چه زودتر به حسین برسم. زیرا نمی‌خواهم پس از او زنده باشم. زندگانی بعد از حسین برای من به منزله عذابی طاقت فرساست.

”ششم: حاج محمد تقی همان طور مشغول صحبت بود که سید مرتضی خود را میان قتلگاه انداخت و گفت من از سادات هستم، کشتن من از کشتن حاج محمد تقی ثوابش بیشتر است. سید مرتضی از تجار مشهور زنجان بود و می‌خواست کاری بکند که پیش از حاج محمد تقی به قتل برسد. میرغضب شمشیر خود را کشید. در این بین سید مرتضی برادر شهید خود را که با ملاً حسین در قلعه به شهادت رسیده بود به یاد آورد.

”هفتم: همان طور که سید مرتضی مشغول گفتگو بود و مردم گریه و ناله می‌کردند، محمد حسین مراغه‌ای خود را به میدان فدا افکند و می‌خواست پیش از آن دو نفر شهید شود. چون چشمش به جسد حاجی اسماعیل قمی افتاد، خود را روی آن جسد انداخت و آن را در آغوش گرفت، زیرا نسبت به حاجی محبت شدید داشت، می‌گفت هرگز راضی نمی‌شوم که از دوست عزیز خود جدا شوم. من به این دوست خودم خیلی اطمینان داشتم، او هم خیلی مرا دوست می‌داشت.

”باری این سه نفر در میدان شهادت بر یکدیگر سبقت می‌جستند. مردم تماشاگر همه حیران و سرگردان مانده بودند و با هم می‌گفتند ببینیم کدام یک زودتر کشته می‌شود. آن سه نفر همان طور سعی داشتند که هر یک از دیگری زودتر کشته شود. آخر کار هر سه نفر را یک‌دفعه به قتل رساندند و همه در یک لحظه به شهادت رسیدند.

”امثال این وقایع جانگداز کمتر اتفاق افتاده است. هر چند عده شهداء قلیل بود ولی داستان جانبازی آنها انسان را مجبور می‌کند که به وجود قوه عظیمه‌ای که این گونه آنها را به جانفشانی وادار کرده اقرار و اعتراف نماید (بقیه این قسمت ترجمه به مضمون می‌باشد) وقتی مقام و منزلت رفیعی که این شهداء احراز کرده‌اند را به خاطر می‌آوریم، آنگاه که درجه انقطاع و شور و نشاط حاکی از ایمانشان را مشاهده می‌کنیم، و زمانی که کوشش و تلاش عوامل متنفّذی را که جهت بر طرف نمودن خطری که جان آنان را تهدید می‌کرد بیاد می‌آوریم و گذشته از همه آنگاه که در خاطر خود روحیه این مظلومان را مجسم می‌کنیم که در مقابل ظلم و ستم‌های وارده از جانب دشمنان قسی‌القلب چه ایستادگی از خود نشان دادند چاره‌ای نداریم جز اینکه اذعان نمائیم آن واقعه یکی از فجیع‌ترین وقایع در صفحات تاریخ امر الهی محسوب می‌شود.“<sup>۱۵</sup>

## بخش هشتم

یکی دیگر از انواع پر قدرت هنر، نمایش است. کارهای نمایشی می‌تواند با عظمت و شکوه برگزار شود در این صورت احتیاج به لباس و سایر لوازم نمایش کامل دارد. البته تا جایی که مربوط به حلقه‌های مطالعه شماسست،



نباید درباره نمایش به این صورت پیچیده فکر کنید، اما انجام نمایش به صورت ساده نیز می‌تواند اثرات عمیق داشته باشد.

محیط حلقه مطالعه و روح رفاقت بین اعضاء باید به نحوی باشد که در حین انجام نقش، یا نوشتن نمایشنامه‌های فکاهی کوتاه و یا نمایش وقایع تاریخی احساس راحتی کنند، محیطی همانند محیط یک خانواده بزرگ. در چنین محیطی، به نحو آسان می‌توانید از موقعیت‌های مختلف که در خود کتاب از شرکت‌کنندگان خواسته شده نمایش‌های کوتاهی را اجراء یا نقشی را ایفا کنند استفاده نمائید و بیادگیری آنان کمک کنید. نمایش علاوه بر داشتن ارزش هنری، وسیله آموزشی مهمی نیز می‌باشد. ارزش مذکور از آن جهت است که می‌تواند باعث تغییراتی در رفتار انسان شود که در غیر این صورت مشکل به دست می‌آید. به وسیله نمایش، انسان می‌تواند خود را در موقعیت‌های حقیقی یا خیالی تصور کند و ناخودآگاه عادت‌های خود را مورد بررسی قرار دهد. برای مثال درباره تأثیر فراوان نمایش بسیار ساده "مثبت و منفی" که در واحد اول کتاب دوم پیشنهاد شده در شرکت‌کنندگان حلقه‌های مطالعه فکر کنید.

علاوه بر تمرین‌های مربوط به نمایش که در خود کتاب‌ها موجود است، فرصت‌هایی دست خواهد داد که اعضاء حلقه مطالعه مایل خواهند بود که نمایش‌های دیگری را برای ارائه در برنامه‌ای که برای حضار تنظیم می‌کنند بگنجانند. یکی از این موقعیت‌ها جشنی است که غالباً در خاتمه هر دوره برگزار می‌شود و در آن معمولاً اعضاء خانواده و دوستان شرکت‌کنندگان دعوت می‌شوند. در چنین موقعیت‌هایی، اعضاء کلاس نه تنها نمایش‌هایی ارائه می‌دهند بلکه اشعار می‌خوانند، نطق‌هایی ایراد می‌کنند، داستان‌هایی می‌سرایند و موسیقی می‌نوازند. اگر چه عموماً، نوع نمایش مورد نظر ما مستلزم صحنه و لباس مخصوص نمی‌باشد، حتی اگر در مقابل حضاری از اعضاء خانواده و دوستان اجرا شود. اما گروه نباید از استفاده چنین لوازم که در دسترس دارند خجالت کشیده و خودداری نمایند. گاهی اوقات نشانه ساده‌ای مثل گذاشتن یک کلاه، می‌تواند ارزش نمایشی فعالیت مذکور را بالا برد.

به همین نحو، استفاده از خیمه شب‌بازی در نمایش یک موقعیت که دارای هدفی اخلاقی است بسیار مؤثر خواهد بود. بعضی از انواع این عروسک‌های خیمه شب‌بازی بسیار پیچیده است و استفاده از آن احتیاج به مهارت دارد، اما غالباً انواع ساده آن برای اهداف شما کافی است. برای مثال با چند برگ کاغذ و مداد رنگی می‌توان عروسک‌های انگشتی درست کرد. با استفاده از کاغذ می‌توان سر انسان یا حیوانی را تهیه کرد و با نوارهایی که اطراف نوک انگشت می‌پیچیم، می‌توانیم آن را به هر طرفی بکشیم.

در اینجا نیز باید به فرهنگ و میراث نمایشی هموطنان خود در انتخاب اصطلاحاتی در این زمینه توجه نمائید. هر فرهنگی راه‌هایی برای مجسم نمودن داستان‌هایی از تاریخ و حکایات قهرمانان خود توسط نمایش دارد. حلقه‌های مطالعه شما می‌توانند از این روش‌های باستانی با مضامین روحانی و اخلاقی جدید که از امر مبارک الهام گرفته استفاده نمایند. در ابتدای نقشه چهار ساله، در سال ۱۹۹۶، بیت العدل اعظم الهی به اهمیت هنرهای محلی اشاره فرموده‌اند:

”... از یاران الهی تقاضا می‌شود در جمیع مجهودات خود برای تحقّق اهداف نقشه چهارساله توجّه بیشتری به استفاده از هنرها، نه فقط برای اعلان امرالله بلکه برای اقدامات مربوط به ترویج و تحکیم، مبدول دارند. هنرهای ترسیمی و نمایشی و ادبیات نقش عمده‌ای در اتّساع دائره نفوذ امر الهی ایفا نموده‌اند و در آینده نیز ایفا خواهند نمود. از این امکانات در سطح هنرهای قومی (فولکلور) در همه مناطق جهان چه در روستاها و چه در قصبات یا شهرها می‌توان استفاده کرد“<sup>۱۶</sup> (ترجمه)

## بخش نهم

ابراز احساسات هنری شامل زمینه وسیعی از مساعی بشری تحت عنوان صنایع است. در اینجا موادّ زیادی مانند چرم، پشم، پنبه، ابریشم، سنگ، گل، شیشه، آهن، چوب، موم، حصیر، گل‌های خشک و امثال آن به طرق گوناگون با دست‌های هنرمند صنعتگران به اشیایی قابل استفاده و یا غیر آن تبدیل می‌شود تا با به کارگرفتن خواصّ نهفته در موادّ مذکور زیبایی و جمال بیافرینند. لیست صنایع حقیقتاً بسیار طولانی است. از بین معروف‌ترین آن: نساجی، گلدوزی، کامودوزی، کشفافی، قلاب‌بافی، خیاطی، رنگ‌آمیزی، سفال‌سازی، کوزه‌گری، جواهرسازی، چرم‌سازی، سبببافی، قلمزنی، منبت‌کاری، کارهای چوبی، قاب‌سازی، شمع‌سازی، ساختن اسباب بازی، عروسک‌سازی، قلمکاری، یراق‌دوزی و پنبه‌دوزی است. احتمالاً می‌توانید بعضی صنایع دیگر نیز به این لیست بیفزایید. بعد از آن، با گروه خود مشورت نمائید که کدام یک از این حرفه‌ها بیش از بقیه در منطقه شما مشهورتر می‌باشد.

---

---

در مورد حلقه‌های مطالعه شما، بهترین اقدام آن است که اگر خود شما در یک یا چند حرفه مهارت ندارید از افرادی در جامعه بهائی و یا خارج از آن انتخاب نموده و چندین جلسه برای تدریس حرفه مخصوص اختصاص دهید. به خاطر داشته باشید که این کار به عنوان فعالیت فوق برنامه محسوب نمی‌شود، بلکه به عنوان عنصری مهم در روش‌های آموزشی که در مؤسسه به کار برده می‌شود منظور گردیده است. پرورش قدرت کار کردن با دست، هدف آموزشی فرعی نیست بلکه در آموزش کلی افراد لازم و ضروری می‌باشد. لذا از شما می‌خواهیم که توجّه مخصوصی به دو نصّ ذیل از آثار مبارکه نموده و آنها را کاملاً با گروه خود مورد دقت و بررسی قرار دهید.

”یک اسم از اسماء الهی صانع است و صنعت را بسیار دوست داشته و میدارد لذا هر یک از عباد مظهر این اسم واقع شود لدی المظلوم محبوبست و صناعت دفتریست از دفاتر علوم الهی و کنزیست از خزائن حکمت ربّانی و این علمی است با معنی چه که بعضی از علوم از لفظ ظاهر و بلفظ منتهی و راجع.“<sup>۱۷</sup>

”حقّ جلّ جلاله دوست داشته که صنایع مرغوبه از احبّای خود مشاهده نماید طوبی لک بما حضر صنعته تلقّاء وجه ربّک المظلوم الغریب انشاءالله هر یک از احبّاء موفق شوند باظهار صنعتی از صنایع و مؤید شوند بما امروا به فی کتاب الله العزیز الحکیم“<sup>۱۸</sup>

## بخش دهم

همان طوری که مطمئناً از مطالعه این واحد استنباط نموده‌اید، از شما خواسته نشده است که هنرمندی زبردست شوید. نیازی نیست که هنرپیشه، نویسنده، شاعر، یا موسیقی‌دان باشید تا هنر را در بین عامه مردم ترویج دهید. همچنین حلقه مطالعه جای آن نیست که افراد را برای امرار معاش از طریق هنرها و حرفه‌ها آماده سازید. آنچه باید به خاطر داشته باشید آن است که هدف اصلی مؤسسه تقویت و بروز قوای روحانی و اخلاقی است. آشنا نمودن شرکت‌کنندگان با انواع مختلف جلوه‌های هنری یکی از عناصر این روش است. هنگامی که شما، به نحوی که در این واحد شرح داده شده، مروج هنر و حرفه در بین شرکت‌کنندگان باشید می‌توانید طرق خلاقیتی را برای جریان قوای الهام‌بخش و قدرت جذب به زیبایی ایجاد کنید.

## مراجع

۱. ترجمه مضمون بیان حضرت عبدالبهاء در مورد هنر (ترجمه از انگلیسی)
۲. مأخذ بالا
۳. منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، جلد ۱، شماره ۱۷۵، صص ۱۹۹-۱۹۸ (چاپ شیکاگو).
۴. مجموعه خطابات مبارک حضرت عبدالبهاء ص ۴۵۵، لجنه نشر آثار امری به لسان فارسی، عربی، آلمان
۵. منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء جلد ۱ ش ۷۴ ص ۱۰۹ (چاپ شیکاگو).
۶. ترجمه مضمون بیان حضرت عبدالبهاء نقل در مجموعه مستخرجاتی از آثار بهائی در موسیقی (به زبان انگلیسی جلد ۲ ص ۷۹)
۷. از الواح حضرت عبدالبهاء (کپی واصله از مرکز جهانی)
۸. کتاب مستطاب اقدس آیه ۵۱ ص ۴۸-۴۹ (چاپ مرکز جهانی)
۹. ترجمه مضمون بیان حضرت عبدالبهاء نقل در مجموعه مستخرجاتی از آثار بهائی در موسیقی (به زبان انگلیسی جلد ۲ ص ۷۷)
۱۰. مأخذ بالا
۱۱. ترجمه داستانی از کتاب حکایاتی در باره حضرت بهاءالله (به زبان انگلیسی - چاپ جرج رونالد).
۱۲. از تلگراف مورخ ۲۱ جون ۱۹۳۲ از طرف حضرت ولی امرالله (انگلیسی) (ترجمه به مضمون)
۱۳. از یکی از رقائم حضرت ولی امرالله مورخ ۱۷ نوامبر ۱۹۳۲ (انگلیسی) (ترجمه به مضمون)
۱۴. از مرقومه چاپ نشده از جانب حضرت ولی امرالله مورخ ۸ جون ۱۹۳۳ (انگلیسی) (ترجمه به مضمون)
۱۵. تاریخ نبیل صص ۴۱۵-۴۲۷ (چاپ مرآت، هندوستان)
۱۶. ترجمه پیام رضوان بیت العدل اعظم الهی ۱۹۹۶
۱۷. از الواح حضرت عبدالبهاء (کپی واصله از مرکز جهانی)
۱۸. مأخذ بالا